



مجله علمی-تحقیقی دعوت

(دینی-اجتماعی)

سال سوم، شماره هفتم، خزان و زمستان ۱۴۰۱ هـ ش

آدرس: کابل، چهارراهی قمبر، ناحیه پنجم، پوهنتون دعوت - دفتر مجله علمی - تحقیقی دعوت.

۰۷۰۷۲۰۰۲۳۲ - ۰۷۴۴۳۶۳۴۹۰

research@dawat.edu.af - journal@dawat.edu.af

www.dawat.edu.af

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



آمریت تحقیقات علمی

پوهنتون دعوت در بازنگری، اصلاح و ویرایش مقالات، دست باز داشته و نیز استفاده از مطالب این مجله با ذکر منبع مجاز است.

سال سوم، شماره هفتم، خزان و زمستان ۱۴۰۱ هـ ش

فهرست مطالب

- سرمقاله ج
- بررسی مفهومی و تئوریک توسعه و نوسازی ۱
دکتر محمد عارف فصیحی دولت‌شاهی
- بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک ۲۷
شجاع‌الدین بهروز
- تحلیل تأثیرات ابزار تطبیقی سیاست مالی روی اشتغال ۵۱
پوهنیار محمد بلال نائب / ابوذر خیلواک خاخی
- بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی ۶۴
احمد فواد امیری
- په سیمه‌بیزو همکاریو کی د افغانستان د جیوپولیتیک نقش ۹۳
شیر خان اریال
- د اسلام له نظره په سیاست کې د ښځو ونډه ۱۰۹
زینب فقیری
- رهنمود تدوین مقاله برای مجله دعوت ۱۲۵

شناس نامه

صاحب امتیاز:

پوهنتون دعوت

مدیر مسؤول:

لعل محمد دوراندیش

سر دبیر:

دکتر محمد عارف فصیحی دولت‌شاهی

ویرایش:

ویرایشگاه پرنیان صفحه

اعضای هیئت تحریر:

پوهاند میر حیات الله هاشمی

پوهاند عبدالله نور عباد

پوهندوی محمد ولی حنیف

دکتر شیرعلی ظریفی

دکتر عنایت الله خلیل هدف

دکتر محمد یوسف نیازی

دکتر اظهار الحق عزیز

دکتر نصر من الله مجاهد

دکتر حبیب الرحمن رحیمی

دکتر محمد تمیم حیدری

استاد عبدالمنان دهباز

استاد ابوالحسن صالحی

تیراژ:

۵۰۰ نسخه

ناشر:

نشرات پوهنتون دعوت

محتوای مقالاته تعبیر کننده نظریات نویسندگان آن است و الزاماً تمثیل کننده آراء و پالیسی پوهنتون دعوت نمیشود

سرمقاله

اندکی این مثنوی تأخیر شد اندکی بایست تاخون شیر شد
تا نزیاد بخت تو فرزند نو خون نگردد شیر شیرین خوش شنو

مولانا

یکی از شاخصه‌های اصلی دنیای جدید، گسترش روزافزون قلمرو معرفت بشری، تعمیق و توسعه لایه‌ها و مرزهای دانایی و نیز دسترسی سریع و آسان به اطلاعات و معلومات مطمئن و بهروز است. برخی از پژوهندگان، دنیای جدید را با هفت مولفه قدرت، سرعت، فرصت، ثروت، اطلاعات، ارتباطات و تغییرات سریع به معرفی گرفته‌اند. با صحنه گذاشتن بر این تعریف به مثابه مشخصه‌های جهان نو، می‌توان گفت که در پیدایی و توسعه شش متغییر فوق، نقش بی بدیل «پژوهش» و «پژوهیدن» بسیار برجسته و درخور توجه است. از همین رو، «پژوهش» به عنوان مهم‌ترین رکن تحقق توسعه و دانایی جامعه شناخته شده و مطمئن‌ترین شیوه و بی‌انتهاترین مسیر برای گسترش حوزه معرفت بشری است. پژوهش چراغ پر فروغ و فروزنده‌ای است که رهروان وادی علم را به چشم‌اندازهای بدیع و افق‌های تازه رهنمون و هدایت می‌کند. در حقیقت پژوهش عصاره و قلب‌تپنده آموزش است. علم و معرفت بدون روحیه پژوهشگری بی‌جان بوده و فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. با توجه به ضرورت و حساسیت پژوهش است که دنیای امروز را دنیای کشف و تطبیق نام نهاده‌اند. بنا براین، میان پژوهش و توسعه‌یافتگی نیز نسبتی وثیق و پایدار برقرار است. به همین خاطر، پژوهشگران به پیوستاری و مقارنت توسعه‌یافتگی، عقلانیت و پژوهش حکم نموده‌اند. بدون تردید، پژوهش نیز به نوعی در این شعار نغز، مکنون و مستتر می‌باشد. در نتیجه، توسعه‌یافتگی جامعه حاصل درهم‌تنیدگی و ترکیب موزون این عناصر اساسی است.

پوهنتون دعوت به عنوان یکی از نهادهای مطرح و علمی کشور، توسعه یافتگی افغانستان را در گرو علم و عقلانیت دانسته و پژوهش را در رأس همه این امور می‌داند. از منظر این نهاد علمی، گسترش دانایی و فن‌آوری نوین و جست‌وجوی راه‌های تازه به منظور حل معضلات و مسائل پیچیده کشور از طریق «پژوهش» میسر و امکان‌پذیر می‌گردد. جبران تأخر علمی- فرهنگی کشور و کاهش فاصله با جوامع توسعه‌یافته به کمک پژوهش صورت می‌گیرد. این نهاد تحصیلی باورمند است که پژوهش و تأسیس مجلات علمی که یکی از شاخص‌های رشد علمی و فرهنگی بوده و می‌تواند به تکثیر نظریه‌پردازی، نوآوری و پاسخ به نیازهای روز در افغانستان بینجامد. ورود قهرآمیز مستحدثات و نوپیداها در کشور پرسش‌های پر شماری را فرا روی اصحاب قلم و اندیشه قرار داده که جمع قابل توجهی از آن‌ها حول محور سیاست، اقتصاد، حقوق و دیگر حوزه‌ها، گرد آمده‌اند. این امر، ورود به عرصه پژوهشی را در حوزه‌های مختلف ضروری می‌سازد. مجله علمی تحقیقی دعوت، بادرک حساس بودن شرایط و اوضاع زمانه، تلاش دارد تا با رویکرد پژوهشی، افقی نو به روی مشتاقان اندیشمند گشوده و همگام با اهل قلم و صاحبان اندیشه، جامعه علمی را در پاسخ به پرسش‌های بنیادین عصری یاری رساند، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!

ما بارومند هستیم که پژوهش یکی از مبرم‌ترین نیازهای جامعه برای نیل به توسعه متوازن در کشور بوده و عزت، اقتدار، آبادانی و استقلال کشور معطوف به بررسی و کاوش‌های مستمر در تولید علم است. فعالیت‌های علمی یکی از ویژگی‌های بنیادین توسعه و پیشرفت در کشور محسوب می‌شود. اگر پژوهشی صورت نگیرد، حوزه‌های دانش افزایش نخواهد یافت و جامعه همچنان دچار سکون، رکود و تعلقات کور خواهد بود. بدون انجام پژوهش، امور آموزشی نیز از پویایی و نشاط لازم برخوردار نخواهد شد. از این رو، یکی از رموز موفقیت کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی را باید در توجه خاص آن‌ها به امر پژوهش دانست. اصولاً پیشرفت و

توسعه، ارتباط مستقیمی با تحقیقات علمی دارد و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته در نتیجه سرمایه گذاری در بخش پژوهش است. حجم و سیر پژوهش های علمی در کشورهای توسعه یافته صنعتی بهترین دلیل بر اثبات این مدعاست. از سویی نیز استفاده از آخرین دست آوردها و اکتشافات علمی دیگر جوامع با پژوهش امکان پذیر است. افزون بر این ها؛ چگونه زیستن، چگونه بودن و چگونه شناختن با پژوهش به دست می آید. عین القضات در این زمینه سخن نغز و دلنشینی دارد: «بودن را برگزیده ایم؛ اما چگونه بودن را کم تر اندیشیده ایم و چگونه بودن مستلزم شناخت است و دریچه شناخت، پژوهیدن.» اهمیت پژوهش را آنگونه که عین القضات به درستی بیان کرد، برای کشور ما که در حقیقت زندگی را در «بودن» منحصر نموده اند، مضاعف می سازد. بدین سان، پژوهش نسبت به کسب شناخت و آموزش از اهمیت زیادی برخوردار است.

با احترام

دکتر محمدعارف فصیحی دولت شاهی - سردبیر

بررسی مفهومی و تئوریک توسعه و نوسازی

دکتر محمد عارف فصیحی دولت‌شاهی*

*عضو کادر علمی بوردا ماستری روابط بین الملل پوهنتون دعوت

Dwlat1352@gmail.com

چکیده

در این مقاله به مطالعه تئوریک و جامعه‌شناختی توسعه اقدام و مبادرت ورزیده شده است. به منظور فهم درست و مناسب مسئله پژوهش و همچنین پیشگیری از افتیدن در وادی پیچیدگی‌های احتمالی، در گام نخست مفهوم توسعه و نیز مفاهیم مرتبط و هم‌خانواده آن، بررسی شده است و سپس به معرفی بنیادها و چارچوب توسعه اقدام گردیده است. منظور از بنیادهای توسعه و نوسازی مکاتب و جریانات اصلی در زمینه توسعه و نوسازی است که برای تبیین علی توسعه‌نیافتگی و نیز ارایه راهکارهایی لازم برای رسیدن به توسعه از سوی علمای علم توسعه ارایه شده است. پرسش اساسی این است که مکاتب و جریان‌های اصلی که در باب توسعه دارای نظریه و تجویز است، کدامند؟ فرضیه پژوهش بدین قرار است: نظریات کلان توسعه را می‌توان در مکاتب همچون: نوسازی، وابستگی و نظام جهانی والرشتاین مورد مطالعه و بررسی قرار داد. مکتب نوسازی در اواخر دهه ۱۹۵۰، پارادایم هژمون در مباحث توسعه محسوب می‌شود. تئوری وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی به شکست برنامه‌های کمسیون اقتصادی آمریکای لاتین بود. نظام جهانی، آخرین پارادایمی است که در این مقاله مورد بررسی واقع می‌شود. امانوئل والرشتاین را می‌توان بنیان‌گذار و چهره اصلی این مکتب معرفی نمود. این تحقیق از نوع تحقیق بنیادی بوده و روش به کار رفته در آن، کتابخانه‌یی و اسنادی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه، نوسازی، سنت نوسازی، مکتب وابستگی، نظام جهانی والرشتاین.

Abstract

In this article, a theoretical and sociological study of development has been attempted. In order to properly and properly understand the research problem and also prevent falling into the valley of possible complications, in the first step, the concept of development as well as related concepts and its family have been examined, and then the foundations and framework of development have been introduced. It is meant by the foundations of development and renovation of schools and the main currents in the field of development and renovation, which have been provided by scholars of development science to explain the cause of underdevelopment and also to provide necessary solutions to achieve development.

The basic question is, what are the main schools and currents that have theories and recommendations about development? The hypothesis of the research is as follows: macro theories of development can be studied in schools such as Wallerstein's modernization, dependence and world system. The modernization school in the late 1950s is considered the hegemonic paradigm in development discussions. Dependency theory emerged in Latin America and was a response to the failure of the programs of the Economic Commission of Latin America. World system is the last paradigm that is studied in this article. Emmanuel Wallerstein can be introduced as the founder and main figure of this school. This research is fundamental research and the method used in it is.

Keywords: development, modernization, modernization tradition, dependency school, Wallerstein's world system.

مقدمه

امروزه توسعه از جمله موضوعات علمی و کاربردی مهمی است که مباحث تئوریک و بنیادی را حول محور خود سامان داده است. دامن گستر شدن مباحث توسعه و طرح آن در محافل علمی و مدیریتی آن هم در ابعاد و سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، خود گواه بر اهمیت بحث توسعه است. در این میان علمای علم توسعه هر یک متناسب با دیدگاه‌های خود به تحلیل و بررسی توسعه و توضیح سویه‌های آن همت گمارده اند. تمرکز دانش‌پژوهان رشته‌های مختلف علوم انسانی بر مفهوم نظری توسعه، افزون بر اهمیت و ضرورت آن، حاکی از بینابینی بودن این رشته می‌باشد. اما علی‌رغم علمی و کاربردی

بودن توسعه و همچنین ضرورت و اهمیت آن، مع الاسف در ادبیات سیاسی کشور ما جایگاه خود را باز نیافته است. از همین جهت واژه توسعه به شکل تعریف نشده، غیر سیستماتیک و بی توجه به مفهوم‌بندی دقیق و قبض و بسط مفهومی - تاریخی آن و نیز بدون توجه به بنیادها و چارچوب‌های فکری و نظری آن به کار می‌رود. پرسش اساسی این است که مکاتب و جریان‌های اصلی که در باب توسعه دارای نظریه و تجویز است، کدامند؟ فرضیه پژوهش بدین قرار است: نظریات کلان توسعه را می‌توان در مکاتب همچون: نوسازی، وابستگی و نظام جهانی والرشترین مورد مطالعه و بررسی قرار داد. هدف از این پژوهش تهیه و تدارک یک چارچوب مفهومی و نظری برای مطالعات توسعه در کشور است. موضوع این مقاله چنانچه از عنوان آن پیداست، بررسی مفهومی و تئوریک توسعه می‌باشد. در کنار مفهوم توسعه، مفاهیم دیگری همچون: نوسازی و رشد نیز در مباحث توسعه‌ی مطرح می‌شوند که به دلیل نزدیکی این مفاهیم با توسعه در ابتدا به شرح مختصری در باب این مفاهیم پرداخته می‌شود. نگارنده باورمند است که این کار به تبیین بهتر مسئله کمک خواهد کرد.

الف) تبیین تئوریک مفاهیم کلیدی تحقیق

۱. مفهوم توسعه

توسعه از مفاهیمی است که به صورت گسترده در ادبیات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جوامع کار بست تام و تمام پیدا کرده است. اصطلاح توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف و پوشش» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگی و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. (صیامی، ۱۳۸۱: ۲۹)

بر اساس این تعریف، توسعه، فرایند انتقال جامعه از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن محسوب می‌شود و از دید نظریه «نوسازی» فرهنگ‌ها و ارزش‌های سنتی،

اقتصادی و اجتماعی قدیم، موانع تحول و سرچشمه‌های اصلی عقب‌ماندگی تلقی می‌شد و بنابراین باید از این «لفاف» خارج شد. الگویی که مورد توجه افرادی چون «لرنر»، «شرام» و «راجرز» قرار گرفت.

توسعه با توجه به مصدر عربی آن به معنای فراخی و وسعت آمده است. (سیاح، ۱۳۷۲: ۳۲۰) واژه توسعه، معادل لفظ انگلیسی «Development» است که مشتق از واژه «Develope» به معنای رشد و گسترش تدریجی و نمود و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف در آمدن است.

این پوسته و غلاف در زبان انگلیسی «Envelope» است. بنابراین، خروج تدریجی از لفاف، معنای دقیق واژه توسعه است. در اصطلاح فارسی نیز توسعه به معنای گشاد کردن، فراخ کردن، وسعت دادن، ترقی و پیشرفت آمده است. (معین، ۱۳۶۳: ۱۲۰)

۲. بیان معنای جامعه‌شناختی توسعه

دانشمندان علوم اجتماعی با توجه به دیدگاه خاص خود تعاریف متعددی از مفهوم توسعه ارائه کرده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. از دیدگاه نظریه‌نوسازی «Modernization» فرایند توسعه عبارت بود از نبردی بر ضد سنت‌گرایی، ساخت‌های فئودالی و ادیان آخرت‌گرا. (قاضیان، ۱۳۷۱: ۷۶)

۲. از نظر تودارو «توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است.» (تودارو، ۱۳۷۰: ۳۰) توسعه مجموعه فعالیت‌هایی است که جامعه را به سوی زندگی بهتر و متوازن جمعی و فردی و تأمین نیازهای افراد جامعه در جهت خیر و صلاح آنها، سوق می‌دهد. (مجدفر، ۱۳۷۴: ۴۷)

۳. توسعه عبارت است از یک تحول تاریخی در جمیع جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و توسعه، تغییر هدف‌دار برای حصول به هدفی خاص است. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۱۴)

۴. توسعه عبارت است از یک رشته کم و بیش خطی از تغییرات که طی آن از روش‌های ابتدایی به روش‌های پیچیده‌تر تولید می‌رسیم و از سختی‌های روزمره زندگی به یک زندگی راحت‌تر، به یاری پیشرفت‌های فن‌آورانه نایل می‌آییم. پطروس غالی در مصاحبه‌ای با لوموند در پاریس در ۴ اکتوبر ۱۹۹۴ می‌گوید: «توسعه را نمی‌توان تنها به رشد اقتصادی محدود کرد؛ بلکه توسعه شامل بعد سیاسی، انسانی و زیست محیطی و همچنین فرهنگی است.» (محمدی، ۱۳۷۶: ۳)

با توجه به مطالبی که تاکنون گفته شد، می‌توان از دیدگاه جامعه‌شناختی تعریف نسبتاً دقیق و جامعی از توسعه ارائه داد که متناسب با شرایط همه‌جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه باشد؛ یعنی توسعه، فرایندی اجتماعی است مبتنی بر عقلانیت عمل که در آن، جامعه از وضعیت غیر عقلانی نا مطلوب به سوی وضعیت عقلانی مطلوب گذر می‌کند. (جهانیان، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۱۹)

۳. سطوح توسعه

۱. توسعه اقتصادی؛ توسعه اقتصادی فرایندی است که طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود؛ به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. امروزه توسعه اقتصادی تنها در چارچوب تئوری خالص اقتصادی مورد توجه نیست؛ بلکه بنابه گفته «میردال»، رشد و توسعه اقتصادی یک مسئله اجتماعی-سیاسی و فرهنگی است.

البته بین رشد و توسعه اقتصادی، تفاوت وجود دارد. رشد اقتصادی صرفاً بیان کننده افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی در یک جامعه و بیشتر متکی به ارقام کمی است؛ اما توسعه اقتصادی، فرایند پیچیده تری است که به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک تر است، تا مفهوم رشد اقتصادی.

۲. توسعه اجتماعی؛ این نوع توسعه با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ داشته و در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت می باشد.

۳. توسعه سیاسی؛ توسعه سیاسی فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می کند و حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.

۴. توسعه انسانی؛ توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات بشر افزایش می یابد. این نوع توسعه که مردم را در محور فرایند توسعه قرار می دهد و نه صرف ازدیاد ثروت و درآمد را. عناصری همچون برخورداری از حیثیت و منزلت شخصی و حقوق انسانی تضمین شده و فرصت داشتن برای دستیابی به نقش خلاق و سازنده را در بر می گیرد. البته تأکید این نوع توسعه، بر روی شاخص طول عمر، سطح دانش و سطح معاش آبرومند می باشد. (نظرپور، ۱۳۷۸:

۱۱-۱۳)

۵. توسعه فرهنگی؛ این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ از طرف یونسکو در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش های توسعه؛ چون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد. براساس این توسعه، تغییراتی در حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسانها پدید می آید، که

قابلیت، باورها و شخصیت ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این قابلیت‌ها و باورها، رفتارها و کنش‌های مناسب توسعه می‌باشد.

برای تحقق این نوع توسعه که بیش از سایر ابعاد توسعه، بر محور انسان بنا شده، لازم است که فرهنگ توسعه در جامعه نهادینه شود؛ بدین معنا که سنت‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های موجود در جامعه را که می‌تواند عاملی برای تحقق توسعه مورد نظر باشد، تشویق و ترویج نموده و نهادهای مناسب با آنها در جامعه ایجاد شده و در عین حال به پالایش عناصر نامطلوب در فرهنگ همت گمارده شود. آنچه در توسعه فرهنگی اهمیت دارد، باور کردن سرمایه انسانی است. مراد از سرمایه، علم و دانش، قابلیت‌ها، تجارب و نهایتاً نظم و انضباطی است که ابزارها و دستگاه‌های فرهنگی را در جامعه پدید می‌آورند. از این‌رو سرمایه انسانی را نباید فقط در کمیت دانش‌آموزان یا دانشگاهیان جستجو کرد؛ بلکه سرمایه انسانی به درجه توانایی علمی، فنی، حرفه‌یی و فکری یک کشور وابسته است.

باید توجه داشت که نمی‌توان تحقق توسعه اقتصادی را به معنای تحقق توسعه فرهنگی دانست؛ چرا که آنچه در توسعه فرهنگی مهم است، تحقیق در ابعاد متعدد و وجوه متکثر آن است و نه بعد فرهنگی در توسعه.

۶. توسعه ملی؛ فرایند توسعه همه جانبه‌ای است که ابعاد گوناگون توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی (دفاعی) و ارتباطات متقابل آنها را در بر می‌گیرد؛ به گونه‌ای که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر با ابعاد دیگر قرار داشته و در کنش و واکنش و تأثیر و تأثر متقابل، یکدیگر را کامل و یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آورند. (از کیا، ۱۳۸۰: ۱۸-۲۲)

۴. بیان تئوریک مفهوم نوسازی

رابرت وارد، نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می‌کند. به عقیده او مشخصات جامعه نو چنین است: «توانایی بسیار زیاد برای در اختیار گرفتن یا

تأثیر گذاردن بر اوضاع طبیعی و اجتماعی محیط و بر حسب نظام ارزشی که به مطلوبیت و نتایج این توانایی خوشبین است.» (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)

شوارتز، نوسازی را چنین تعریف کرده است: «کاربرد منظم، حمایت شده و هدفدار انرژی‌های انسانی برای در اختیار گرفتن عقلایی محیط طبیعی و اجتماعی انسان به خاطر مقاصد گوناگون بشری.» (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)

بر اساس تعاریف فوق، مفهوم نوسازی متضمن تغییر اساسی در ساختار، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم در همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است. جنبه‌های اصلی آن، شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراتیزه شدن، تعلیم و تربیت و مشارکت رسانه‌هاست.

در تعریف کوتاه و گویای دیگر چنین آمده است: «روندی مبتنی بر بهره‌برداری خردمندانانه از منابع و با هدف ایجاد جامعه نو».

اما جامعه نو چیست؟ از لحاظ جوامع غربی، جامعه نو به معنی گسست از جامعه سنتی و ایجاد جامعه‌ای متفاوت «بر پایه تکنولوژی پیشرفته و روح علم، بر پایه نظری عقلایی از زندگی، رهیافتی غیردینی به روابط اجتماعی، جانبداری از عدالت در مسائل عمومی و از همه مهم‌تر بر قبول این باور در حوزه سیاسی که دولت ملی باید نخستین واحد جامعه مدنی باشد» است. مشخصات جامعه نو عبارتند از: جامعه‌ای شهرنشین، باسواد، با تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی و وابستگی اجتماعی گسترده. (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹)

بنابراین، مفهوم نوسازی متضمن تغییر اساسی در ساختار، اعتقادات و ارزش‌های اجتماعی مردم در همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است. جنبه‌های اصلی آن، شهرنشینی، صنعتی شدن، دموکراتیزه شدن، تعلیم و تربیت و مشارکت رسانه‌هاست. بهترین راه شناخت نوسازی آن است که به تفسیرهای گوناگون آن نظر افکنده شود؛ یعنی:

- در سطح روان‌شناختی: نوسازی متضمن تغییر بنیادی ارزش‌ها، ایستارها و انتظارات مردم است. انسان نو، معتقد است که تغییر طبیعت و اجتماع نه تنها ممکن و مطلوب است؛ بلکه انسان توانایی این تغییر را هم دارد. انسان می‌تواند وفاداری‌های گسترده‌تری از وفاداری‌های محدود گروه‌های نزدیک مانند خانواده، یا روستا بیابد و به گروه-بندی‌های بزرگ‌تری مانند ملت، دولت جهانی و مانند آن احساس تعلق کند.

- در سطح فکری: نوسازی به معنی گسترش شگرف دانش بشر در باره محیط خود و پخش آن از راه تحصیلات عالی، ارتباطات جمعی و آموزش و پرورش است. بنابراین نوسازی متضمن تسهیلات بیشتری برای کسب دانش و وسایل پیشرفته رسانه‌های جمعی است.

- در سطح جمعیت‌شناسی: نوسازی دلالت می‌کند بر تغییر الگوی زندگی، افزایش مشخص بهداشت و انتظار عمر، تحرک زیادتر شغلی و جغرافیایی و انتقال جمعیت از روستا به شهر.

- در سطح اجتماعی: نوسازی دلالت دارد بر تغییر وفاداری افراد از خانواده و دیگر گروه‌های اولیه به گروه‌های ثانوی که داوطلبانه سازمان یافته‌اند.

- در سطح اقتصادی: نوسازی به معنی رشد تولید کشاورزی، صنایع، بازرگانی و تجارت است. (عالم، همان: ۱۱۰)

بنابراین، نوسازی دانش واژه‌های فراگیری است که تغییرات اساسی در عرصه رشد اقتصادی، تغییرات در ماهیت و محتوای نظام‌های سیاسی و نیز تغییرات در حوزه‌های اجتماعی و روان‌شناختی زندگی را دربر می‌گیرد. نوسازی وقتی آغاز می‌شود که جامعه سنتی در مرحله فروپاشی قرار گیرند.

۵. بیان تئوریک رابطه نوسازی و توسعه

توسعه و نوسازی دو کلمه مجزا با بار معنایی متفاوتی هستند که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد. همان‌طوری که گفته شد نوسازی ایجاد تغییراتی در تلقیات فردی، رفتار اجتماعی، اقتصاد و سیاست هست. به‌طور کلی هر جا سخن از تغییراتی به میان آید که در رفتار فردی و اجتماعی و یا اقتصاد و سیاست جامعه مؤثر باشد، نوسازی است. (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۱۰)

توسعه بهبود رشد و از همه مهم‌تر گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی، گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه که امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست و مجموعه‌ای از این احتیاجات است. از زیر شاخه‌های مهم توسعه و توسعه سیاسی است که آن افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه است و فرق آن با نوسازی سیاسی این است که نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات سیاسی اشاره می‌کند؛ در حالی که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سرو کار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۱۰)

از اصطلاح نوسازی برای تبیین برخی فرایندهای دگرگونی اجتماعی استفاده می‌شود که از نظر تاریخی اولین بار در اروپای غربی اتفاق افتاد و متعاقباً جهانی گردید.

نوسازی (Modernization) مفهومی است که در کل معادل فرایندی برای دگرگونی جامعه به کار می‌رود. گرچه این اصطلاح به صورت معادلی برای توسعه به کار می‌رود؛ اما دارای مفهوم خاص می‌باشد. در واقع در نوسازی بیشتر بر «فرد» تکیه می‌شود؛ در حالی که در توسعه بر «جامعه».

تعریف راجرز از نوسازی چنین است: «نوسازی فراگردی است که طی آن افراد از زندگی به شیوه سنتی به مرحله‌ای از زندگی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر (به لحاظ تکنولوژیکی) گام می‌نهند.» نوسازی در طول دهه‌های ۵۰ و ۶۰، پارادایم غالب در مطالعات توسعه بود.

مفهوم نوسازی بیشتر با عوامل فرهنگی-روانی سر و کار دارد تا عوامل اقتصادی-سیاسی و این مسئله طبیعتاً حیظه این مفهوم را محدودتر و کاربرد آن را آسانتر می‌کند؛ اما این به آن معنا نیست که نوسازی تنها به ابعاد روانی توسعه می‌پردازد. نوسازی و توسعه سه نکته مشترک دارند: اول اینکه آن‌ها به اوضاع و احوال جامعه نسبت داده می‌شوند. نظریه پردازان نوسازی بین جوامع سنتی و نوین تمییز قائل می‌شوند و نظریه پردازان توسعه نیز از جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته صحبت می‌کنند. جوامع انتقالی در دیدگاه نوسازی معادل همان جوامع در حال توسعه در دیدگاه اندیشمندان متاخر هستند. دوم این که هر دو گروه، برنامه عملی و مجموعه‌ای از اهداف را در کار خود بیان می‌دارند. سوم اینکه هر دو مفهوم در جریان یک روند و فرایند، از حالت پیشین به سمت وضعیت بعدی هستند. ایستارهای ذهنی و ساختارهای نهادی، دو عنصر کلیدی در فرایند نوسازی هستند. در روند نوسازی، تغییراتی در اجتماع صورت می‌گیرد که به عنوان اشاره می‌توان از غلبه الگوهای اکتسابی، تحرک جغرافیایی و اجتماعی بیشتر و تعدد ساختارهای کارکردی بیشتر جامعه نام برد.

ساموئل هانتینگتون، ۹ ویژگی را برای روند نوسازی بر می‌شمارد که البته به زعم وی می‌توان آن‌ها را به روند توسعه نیز اطلاق کرد:

۱. نوسازی به طور ضمنی توسعه، روندی انقلابی است.
۲. نوسازی و توسعه روندهایی پیچیده و چند بعدی هستند و یک سری جرح و تعدیل‌ها و بازسازی‌های نهادی را در بر می‌گیرند.

۳. هر دو فرایندهایی سیستمی اند. دگرگونی و تغییر در یک بعد، دگرگونی‌های متقابل مهمی در ابعاد دیگر ایجاد می‌کند.
 ۴. هر دو فرایندهایی جهانی هستند.
 ۵. هر دو فرایندهایی بلند مدت هستند.
 ۶. هر دو فرایندهایی مرحله‌بندی شده هستند. در واقع طی این مسیر قابل تقسیم به مراحل مختلفی است که بعضی از آنها اصلی و برخی دیگر فرعی محسوب می‌شوند.
 ۷. هر دو روندهایی همگون‌ساز هستند. در اثر توسعه و نوسازی، تفاوت‌های موجود در جامعه کاهش می‌یابد و در نهایت به نقطه‌ای می‌رسد که جوامع گوناگون به همگونی با یکدیگر می‌رسند. اینجاست که می‌توان گفت که دولت‌ها قادر به تشکیل دولتی جهانی می‌گردند.
 ۸. هر دو فرایندهایی مترقی و تکاملی هستند؛ چرا که در جهت بهبود زندگی بشر و ارتقاء فرهنگی و اجتماعی و مادی عمل می‌کنند.
 ۹. هر دو فرایندهایی غیر قابل برگشت هستند و نمی‌توان دوباره در جهت بازگشت سیر قهقروایی داشت. (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۶۰)
- حوزه نظری نوسازی در بردارنده چندین عنصر اساسی است:

الف- مدل تولید؛

ب- نظریه تکامل اجتماعی؛

ج- موانع توسعه.

مدل تولید و نظریه تکامل اجتماعی بیان‌کننده روند توسعه در جهان غرب است و دیدگاه سوم که همان موانع توسعه می‌باشد قابل انطباق با جهان توسعه نیافته است. در مجموع تئوری‌های متعددی که در زمینه نوسازی مطرح می‌شوند در یکی از موارد فوق جای می‌گیرند.

۶. بیان تئوریک مفهوم رشد

رشد مفهوم یک بعدی است و منظور از آن «ازدیاد کمی ثروت در جامعه است و معمولاً با شاخص‌هایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود.» (از کیا، ۱۳۶۹: ۷) چارلز کیندل برگر، رشد اقتصادی را فقط به معنای کارایی بیشتر و با تولید محصول بیشتر دانسته است؛ در حالی که توسعه را به منزله تحول در چگونگی تولید، تجدید نظر در تخصیص منابع و نیروی کار به شمار آورده است. (کیندل برگر، ۱۳۵۱: ۶۷)

شومپتر، توسعه را عبارت از «تغییرات مداوم و خودبخودی در کشورهای در حال توسعه می‌داند به ویژه کشورهایی که بعد از استقلال سیاسی، تعادل پیشین خود را از دست داده اند؛ در حالی که رشد از نظر وی عبارتست از تغییرات آرام و تدریجی در بلندمدت که خود نتیجه افزایش تدریجی نرخ پس انداز و جمعیت است.» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۲۵)

مک لوپ رشد اقتصادی را کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه و مداوم درآمد سرانه در جامعه شود، می‌داند؛ در حالی که توسعه را نتیجه وضعیتی می‌داند که بین کاربرد عوامل اقتصادی و تکنولوژی هماهنگی وجود داشته باشد. (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹: ۲۶)

با توضیحات فوق می‌توان عنوان کرد که توسعه متوجه ابعاد کیفی اساسی است و فراتر از رشد می‌باشد. در واقع امر توسعه، رشد را نیز در خود مستتر دارد.

۷. تحلیل تئوریک توسعه

بحث توسعه اجتماعی از مباحثی محسوب می‌گردد که بین رشته‌یی هستند؛ زیرا علوم مختلف نظیر اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی در مورد آن به بحث می‌پردازند و هر کدام به نحوی در شکل‌گیری آن نقش داشته اند. مثلاً اقتصاددان این امر را در افزایش سطح زندگی به صورت ارقامی چند مورد ملاحظه قرار می‌دهد؛ در حالی که برای جامعه‌شناس این تمایل، مرتبط با نظامی از ارزش‌ها

می‌گردد که دارای کارکرد است. توسعه در حقیقت کوششی است به منظور نیل به تعادلی که تاکنون تحقق نیافته است و یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می‌یابد. (روشه، ۱۳۷۶: ۱۸۵)

پراساد میسرا، توسعه را این‌گونه تعریف کرده است: «توسعه به عنوان یک مفهوم متعالی، دست‌آورد بشری و پدیده‌ای چند بعدی است و فی‌نفسه یک ایدئولوژی به حساب می‌آید. در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پرثمری است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین، توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزشهای فرهنگی خود است.» (میسرا، ۱۳۶۷: ۴۶)

این مفهوم بر معنی زیر تأکید دارد:

اولاً توسعه یک فرایند است نه وضع ایستا، ثانیاً این فرایند در پایان به ارزش‌ها مربوط است و ثالثاً این ارزش‌ها، ارزش‌های کسانی است که تعلق به جهان غرب یا هر جای دیگر در دنیا ندارد. (همان، ۱۱-۸)

مایکل تودارو در این زمینه معتقد است که تجربه‌های دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی نشان داده است که سطح زندگی مردم در کشورهای جهان سوم با وجود توفیق نسبی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای سازمان ملل در اکثر زمینه‌ها بدون تغییر باقی مانده است. از این رو، در خلال دهه ۷۰، توسعه بر اساس کاهش یا از بین بردن فقر و بیکاری در چهار چوب یک اقتصاد در حال رشد مجدداً تعریف شده است. (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۳) وی همچنین در تعریف توسعه چنین می‌گوید: «توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی خارج گشته و به سوی وضعی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد.» (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۴)

برای ادراک معنای درونی توسعه باید حداقل ۳ ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزش‌ها عبارتند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی که نمایانگر هدف‌های مشترکی هستند و از سوی تمام افراد و جوامع دنبال می‌شود. این ارزش‌ها به نیازهای اساسی انسان مربوط می‌شود و تقریباً در تمام جوامع و فرهنگ‌ها خود را نمایان می‌کند. اگر تأمین نیازهای «بقا» یا «تداوم بخشی زندگی» نظیر غذا، مسکن، بهداشت و امنیت وجود نداشته باشد، عقب‌ماندگی همچنان ادامه خواهد داشت. دومین ارزش؛ اعتماد به نفس، احساس شخصیت کردن، عزت نفس داشتن و آلت دست دیگران قرار نگرفتن است. تمام جوامع به دنبال نوعی اعتماد به نفس هستند. گرچه می‌توان گاهی آن را مقام، احترام، افتخار و استقلال نامید. سومین و آخرین ارزش همگانی که معنای توسعه را تشکیل می‌دهد، آزادی است. منظور از آزادی در اینجا، آزادی سیاسی و یا آزادی ایدئولوژیکی نیست؛ بلکه منظور رهایی از شرایط مادی از خود بیگانه کننده زندگی و آزادی از قیود طبیعت، جهل، بدبختی، نهادها و باورهای جزمی است. (تودارو، ۱۳۶۶: ۲۵)

ب) بنیادهای تئوریک توسعه

پارادایم نوسازی

نوسازی بعد از جنگ جهانی دوم در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به عنوان رویکردی غالب در ادبیات علوم اجتماعی مطرح شده است. (ازکیا، ۱۳۸۱: ۸۷)

مکتب نوسازی از همان آغاز تکوین در پی یافتن یک تئوری بود و برای توضیح نوسازی کشورهای جهان سوم از دو نظریه «تکامل گرایی» و «کارکردگرایی» بهره گرفته است.

مکتب نوسازی را می‌توان محصول تاریخی سه رویداد مهم در دوران بعد از جنگ جهانی دوم به شمار آورد.

اولین رویداد ظهور ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت بود؛ در حالی که جنگ جهانی دوم موجب تضعیف سایر کشورهای غربی مانند بریتانیای کبیر، فرانسه و آلمان شده بود. ایالات متحده قدرتمندانه از جنگ قدم بیرون گذاشت و با اجرای طرحی برای بازسازی اروپای جنگ زده به یک رهبر جهانی مبدل گشت و در دهه ۱۹۵۰ ایالات متحده در واقع مسئولیت اداره امور همه جهان را بر عهده گرفت.

واقعه دوم، گسترش جنبش جهانی کمونیسم بود. اتحاد شوروی، نفوذ خود را نه تنها در اروپای شرقی؛ بلکه حتی در چین و کره و قاره آسیا نیز گسترش داده بود.

رویداد سوم، تجربه امپراطوری‌های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود که موجب ظهور شمار بسیاری از کشورها و ملت‌های جدید در جهان سوم گردید.» (آلوین، سو، ۱۳۸۰: ۲۷)

فرضیات تئوری نوسازی

۱- نوسازی یک فرایند مرحله به مرحله است؛ یعنی جوامع، نوسازی را از یک مرحله ابتدایی، ساده و سنتی آغاز کرده و حرکت خود را به یک مرحله پیچیده، مدرن و با ساختارهای متمایز و افتراق یافته به پایان می‌برد.

۲- نوسازی یک فرایند تجانس‌آفرین است و گرایش به همگرایی در میان جوامع را افزایش می‌دهد؛ چنانکه لوی عنوان می‌کند، هر چه زمان پیش می‌رود، آن‌ها و ما به طور روزافزونی شبیه خواهیم شد. الگوهای نوسازی به گونه‌ای هستند که هر چه جوامع نوگراتر شوند بیشتر شبیه یکدیگر می‌شوند.

۳- نوسازی یک فرایند اروپایی شدن است. تلقی این نظریات چنین است که چون کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده پیشرفته‌ترین کشورهای جهان هستند، سایر کشورها باید از آن‌ها تقلید کنند.

۴- نوسازی یک فرایند غیر قابل بازگشت است. به عبارت دیگر همین که کشورهای جهان سوم در تماس با غرب قرار گیرند دیگر نمی‌توانند از حرکت به سوی نوسازی اجتناب ورزند.

۵- نوسازی یک فرایند رو به پیشرفت است.

۶- نوسازی یک فرایند طولانی است و یک تغییر تدریجی و تکاملی است نه یک تحول انقلابی. «(آلوی، سو، ۱۳۸۰: ۴۹ - ۴۸)

در اواخر دهه ۱۹۶۰، سنت نوسازی مورد هجوم سنگین منتقدین قرار گرفت. این حملات روزافزون باعث پیدایش سنت جدید در مکتب نوسازی گردید. مهم‌ترین شباهت‌ها و تفاوت‌های گرایش‌های سنت نوسازی در جدول زیرنمایش داده شده است.

جدول مقایسه میان مطالعات سنتی و مطالعات جدید نوسازی. (ی سو، ۱۳۹۲: ۶۸)

مطالعات جدید نوسازی	مطالعات سنتی نوسازی	
مشابهت‌ها		
همان	توسعه جهان سوم	کانون‌های مورد توجه تحقیقات
همان	کشور ملی	سطح تحلیل
همان	عوامل داخلی: ارزش‌های فرهنگی و نهادهای اجتماعی	متغیرهای عمده
همان	انجام نوسازی، به عنوان یک عمل کلاً مفید	مقتضیات سیاست عملی
اختلافات		
سنت به عنوان عاملی مثبت برای توسعه	سنت به عنوان مانع توسعه	در زمینه سنت
مطالعات مشخص موردی؛ تحلیل‌های تاریخی	تشکیل سنخ‌شناسی؛ سطح بالای انتراع	در زمینه روش تحقیق
مسیرهای متعدد و چند سویه توسعه	مسیر یکطرفه به سمت الگوی آمریکایی	در زمینه جهت و مسیر توسعه
توجه بیشتر به عوامل خارجی و ستیز	غفلت نسبی از عوامل خارجی و ستیز	در زمینه عوامل خارجی و ستیز

مکتب وابستگی

وابستگی در دهه ۱۹۷۰ یک رهیافت مسلط در ادبیات توسعه و توسعه نیافتگی محسوب می‌شود. این مکتب در سنت مارکسیستی و ساختارگرایی آمریکای لاتین پیرامون توسعه ریشه گرفت. مکتب وابستگی حاوی این پیام اساسی بود که توسعه اروپا، به توسعه نیافتگی فعال دنیای غیر اروپایی منجر شده است. با این که اعضای مکتب وابستگی از جهت گیری‌های ایدئولوژیک و تعهدات سیاسی متفاوتی برخوردار بوده اند؛ ولی می‌توان گفت که اعضای این مکتب بر روی فرض‌های اساسی زیر اتفاق نظر دارند:

۱- آن‌ها وابستگی را به عنوان فرآیند عام در نظر می‌گیرند که در مورد همه کشورهای جهان سوم صادق است.

۲- وابستگی به عنوان یک وضعیت خارجی قلمداد می‌شود؛ یعنی وضعیتی که از بیرون تحمیل شده است.

۳- وابستگی غالباً به عنوان یک وضعیت اقتصادی سنجیده می‌شود.

۴- وابستگی به عنوان بخشی از قطب‌بندی مناطق در اقتصاد جهانی قلمداد می‌شود.

۵- از نظر این نویسندگان، وابستگی و توسعه دو فرآیند ناسازگارند.

دیدگاه وابستگی از دهه ۱۹۷۰ هدف آماج انتقادات واقع شده است. نظریه پردازان نوسازی، دیدگاه وابستگی را به عنوان بخش تبلیغاتی ایدئولوژی انقلابی مارکسیسم مورد حمله قرار دادند. انتقاد دیگر، میزان بالای انتزاعی بودن این دیدگاه است و این که این مکتب، همه مناطق پیرامونی را یکسان قلمداد می‌کند. از طرف دیگر رهیافت وابستگی نقش منازعات داخلی و مقاومت‌های درونی را نادیده گرفته و در مورد قدرت نیروهای خارجی اغراق کرده است. از طرف دیگر منتقدین بر این باورند که وابستگی و توسعه

می‌توانند با یکدیگر همزیستی کنند و وابستگی لزوماً به توسعه نیافتگی منجر نمی‌شود.

مقایسه دیدگاه سنتی نوسازی و دیدگاه سنتی وابستگی. (ی سو، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

مطالعات سنتی وابستگی	مطالعات سنتی نوسازی	
مشابهت‌ها		
همان	توسعه جهان سوم	موضوع تحقیق
همان	سطح بالای انتزاع و تأکید بر فرایند عام توسعه	روش تحقیق
مرکز پیرامون	سنت و نوگرایی	ساختار تئوریک مبتنی بر قطب‌بندی
تفاوت‌ها		
برنامه اصلاحات اکلا و نظریات انقلابی نئومارکسیسم	نظریات تکامل‌گرایی کارکردگرایی	پیشینه نظری
اغلب از بیرون	اغلب از دورن	علت‌یابی مشکلات جهان سوم
عموماً زیانبار	عموماً سودمند	سرشت ارتباطات میان ملت‌ها
بد بینی	خوش بینی	پیش بینی مسیر توسعه
کاهش ارتباط با مرکز، همراه با انقلاب سوسیالیستی	گسترش رابطه با غرب	راه‌های نیل به توسعه

وابستگی جدید

مکتب وابستگی جدید محصول تجدید نظر و اصلاح در اندیشه‌های نظریه وابستگی کلاسیک تحت عنوان «مطالعات وابستگی جدید» است.

توجه نظریه پردازان نسل جدید نظریه وابستگی، معطوف به «توسعه جهان سوم» است. سطح تحلیل آن‌ها «ملی» است و هدف‌شان نیز تبیین توسعه از طریق عوامل داخلی نظیر ارزش‌های فرهنگی و نهادهای اجتماعی است. نسل جدید طرفداران نظریه وابستگی نیز از دوگانگی «سنت و تجدد» استفاده می‌کنند و معتقدند نوسازی به نفع کشورهای جهان سوم است.

مقایسه مطالعات اولیه وابستگی و مطالعات وابستگی جدید. (ی سو، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

مطالعات وابستگی جدید	مطالعات اولیه وابستگی	
مشابهت‌ها		
همان	توسعه جهان سوم	کانون تحقیقات
همان	سطح ملی	سطح تحلیل
همان	وابستگی، مرکز-پیرامون	مفاهیم عمده
همان	وابستگی به عنوان اصلی مضر در مسیر توسعه	مقتضیات سیاست گذاری
تفاوت‌ها		
ساختی- تاریخی؛ تأکید بر وضعیت خاص وابستگی	درجه انتزاع؛ تأکید بر الگوی عام وابستگی	روش تحقیق
تأکید بر مؤلفه‌های درونی: مبارزه طبقات، دولت	تأکید بر مؤلفه‌های بیرونی: مبادله نابرابر، استعمار	مؤلفه‌های عمده
غالباً پدیده‌ای اجتماعی سیاسی	غالباً پدیده‌ای اقتصادی	ماهیت وابستگی
قابلیت همزیستی: توسعه مقارن با وابستگی	تباین متقابل: مسیر یک‌طرفه به سمت توسعه نیافتگی	وابستگی و توسعه

مکتب نظام جهانی

ریشه‌های رهیافت نظام جهانی را می‌توان در تئوری وابستگی ردیابی کرد. رهیافت نظام جهانی ادعا می‌کند که یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری از قرن شانزدهم وجود داشته است و این سیستم اقتصادی، تعداد فزاینده‌ای از جوامع قبلا کم و بیش منزوی و خودکفا را در نظام پیچیده‌ای از روابط کارکردی، ادغام کرده است. این دیدگاه، جوامع را به سه دسته مرکز، پیرامون و شبه پیرامون تقسیم‌بندی می‌کند. از این چشم‌انداز، فرآیند توسعه نیافتگی با ادغام شدن یک منطقه خارجی خاص در نظام جهانی؛ یعنی در حاشیه قرار گرفتن آغاز می‌شود و همان طور که نظام جهانی بسط و گسترش یافته؛ ابتدا اروپای شرقی، سپس آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به ترتیب در حاشیه و پیرامون قرار گرفته‌اند. از

نظر امانوئل والرشتاین، مهم‌ترین نظریه پرداز این مکتب، میزان موفقیت یک کشور در انتقال از موقعیت پیرامونی به نیمه پیرامونی، به پذیرش یکی از این راهبردهای توسعه بستگی دارد؛ یعنی اغتنام فرصت، ارتقا از طریق دعوت یا اعتماد به نفس. از نظر وی، عنصر اساسی پیشرفت و ارتقای یک کشور نیمه پیرامونی، در اختیار داشتن بازاری بزرگی است که بتواند کاربرد فن آوری پیشرفته را توجیه کند و کشور مزبور نیز بتواند با هزینه پایین تری نسبت به سایر تولیدکنندگان موجود، به تولید کالا برای آن بازار بپردازد. از اواسط دهه ۱۹۷۰، به تدریج گروهی از منتقدین، دیدگاه نظام جهانی را به ارایه یک مفهوم سخت و شیء گونه از نظام جهانی، غفلت از موارد خاص توسعه در طول تاریخ و برجسته کردن تحلیل اقشار اجتماعی در مقابل تحلیل‌های طبقاتی، متهم ساخته اند. (روزنامه سرمایه، ۱۳۸۶: ۱۴)

جدول مقایسه دیدگاه‌های وابستگی و نظام جهانی. (ی سو، ۱۳۹۲: ۱۹۲)

دیدگاه نظام جهانی	دیدگاه وابستگی	
نظام جهانی	کشور ملی	واحد تحلیل
پوش‌های تاریخی نظام جهانی: نظم‌های چرخشی و روندهای دراز مدت	ساختی- تاریخی: رونق و رکود کشورهای ملی	روش شناسی
الگوی سه گانه: مرکز- نیمه پیرامون پیرامون	الگوی دوگانه: مرکز- پیرامون	ساختار نظری
احتمال تحرک عمودی (رو به بالا و پایین) در اقتصاد جهانی	تعیین گرا: وابستگی عموماً زیان آورتلقی می‌شود	مسیر توسعه
پیرامون و همین طور مرکز، نیمه پیرامون و اقتصاد جهانی	پیرامون	کانون تحقیقات

نتیجه گیری

در این مقاله بعد از تبیین مفاهیمی چون: توسعه، نوسازی و رشد، سه سنت فکری عمده؛ یعنی مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی را به مثابه چارچوب و بنیادهای تئوریک توسعه با رویکردی تطبیقی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این مطالعه نشان داد که هر نوع بحث از توسعه و نوسازی بدون عطف توجه به بنیادهای تئوریک نتیجه مطلوبی دربر ندارد. هر سه مکتب فکری علی‌رغم وارد شدن انتقادات جدی از سوی گرایشات رقیب همچنان الهام‌بخش و فعال هستند. این امر گویای این واقعیت است که پارادایم‌های همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر دارند و هریک از آن‌ها با کشیدن پارادایم رقیب در زیر تیغ نقد زمینه کمال و توسعه آن را فراهم می‌کند.

مکتب نوسازی در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، پارادایم مدرنیزاسیون، پارادایم مسلط در رشته فرعی توسعه بود. این پارادایم در فضایی ایجاد گردید که ایالات متحده در اوج قدرت قرار داشت، گسترش نفوذ کمونیسم خطری جدی برای آمریکا و غرب تلقی می‌شد و به علت واگرایی امپراطوری استعماری اروپا، کشورهای تازه استقلال یافته یکی بعد از دیگری در حال ظهور بودند. پارادایم مدرنیزاسیون از لحاظ نظری ریشه در نظریه‌های تکاملی (تحول تک خطی است، تحول بسوی یک مقصد نهایی که همان ترقی و تمدن است می‌باشد و تحول به شکلی آهسته از جوامع ساده به سوی جوامع پیچیده صورت می‌گیرد) و نظریه کارکردگرایی (عمدتاً عقاید پارسونز مبتنی بر اینکه جامعه مانند ارگان زیستی دارای اجزایی است که هریک کارویژه‌های مخصوص به خود را دارند) داشت.

به نظر می‌رسد نظریات جدید نوسازی با انجام اصلاحاتی مانند تکیه مجدد بر سنت، تکیه مجدد بر تاریخ و ارائه تحلیل‌های پیچیده‌تر، توانسته باشد از بحران اواخر دهه ۱۹۶۰ به سلامت رسته و خط سیر تحلیلی ثمربخش خود را با قوت تمام در دهه ۱۹۹۰ ادامه دهد. به علاوه این احتمال وجود دارد که مطالعات نوسازی با چهره‌ای

جدید و به عنوان اصلاح کننده دیدگاه‌های جدیدی که منحصرأ بر عوامل خارجی تأکید دارند؛ یعنی دیدگاه‌های وابستگی و نظام جهانی، به ظهور برسد.

پارادایم وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی بود هم به شکست برنامه‌های کمیون اقتصادی آمریکای لاتین (ECLA) در اوایل دهه ۱۹۶۰ و هم به بحران مارکسیسم ارتودوکس که معتقد بود آمریکای لاتین قبل از انقلاب صنعتی پرولتاریا باید از مرحله انقلاب صنعتی بورژوازی عبور نماید. به اعتقاد سو، وابستگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ به شکل پارادایم مسلط در رشته فرعی توسعه درآمد. این مکتب در اندیشه‌های اقتصاددانانی چون رائل پربیش که معتقد به سیاست جایگزینی واردات بود و بر اندیشه‌های نو مارکسیستی که عواقب منفی امپریالیسم تأکید می‌گذاشت، ریشه داشت. پارادایم وابستگی انتقاداتی جدی بر پارادایم مدرنیزاسیون وارد ساخته و کلیه مفروضات آنرا به شکل واژگونه درآورد.

نظریات جدید وابستگی با تکیه مجدد بر تاریخ توجه بیشتری را نسبت به وضعیت‌های خاص وابستگی در طول تاریخ مبذول داشته‌اند. همچنین در این دیدگاه جدید دولت در جهان سوم دیگر به عنوان یک دولت وابسته به بیگانه در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه عامل فعالی است که ضمناً با سرمایه محلی و سرمایه بین‌المللی نیز همکاری دارد. ویژگی آخر مطالعات جدید وابستگی این است که همه نظریات مزبور، همزیستی میان دو فرایند متناقض، یعنی وابستگی و توسعه را امکان‌پذیر می‌دانند. بدین ترتیب نه تنها کاردوزو، اودانل و ایوانس قادر هستند موقعیت اقتصادی برزیل را در به انجام رساندن فرایند تعمیق صنعتی در اواخر دهه ۱۹۶۰ توضیح دهند؛ بلکه گلد نیز می‌تواند معجزه توسعه اقتصادی تایوان را با مراجعه به مفهوم توسعه پویا تحلیل نماید.

چهره شاخص پارادایم نظام جهانی امانوئل والرشتاین است. وی با توجه به موارد رشد سریع در آسیای شرقی، بحران کشورهای سوسیالیستی و بحران سرمایه‌داری

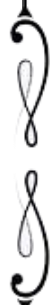
آمریکایی که پارادایم وابستگی قادر به تبیین آن‌ها نبود، اقدام به نظریه‌پردازی کرد. پارادایم نظام جهانی از لحاظ فکری ریشه در نومارکسیسم از یکسو و مکتب تاریخی فرناند برادل از سوی دیگر دارد. ویژگی شاخص روش‌شناختی پارادایم نظام جهانی، تمرکز بر نظام‌های تاریخی است.

سرچشمه‌ها

- فرهنگ انگلیسی - عربی المورد، ۱۹۸۶؛ و فرهنگ آکسفورد، ۱۹۹۱.
- احمد سیاح (۱۳۷۲) فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی، انتشارات اسلام، تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کلمه، چاپ سوم.
- آقابخش، علی (۱۳۷۴) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ اول.
- بشریه، حسین (۱۳۸۱) آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر، چاپ دوم
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- جهانیان، ناصر (۱۳۷۷) تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین، قبسات، مقاله ۷، دوره ۳، شماره ۷، زمستان.
- ر وزبهان، محمود (۱۳۸۱) مبانی توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات تابان.
- روزنامه سرمایه، شماره ۵۴۵ به تاریخ ۱۳/۶/۸۶، صفحه ۱۴ (اندیشه اقتصادی)
- روشه، گی (۱۳۷۶) تغییرات اجتماعی، منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- صیامی، صیامی (۱۳۸۱) دودران، چرا صنعتی نشدیم، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱) ر حسین عظیمی، مقاله فرهنگ و توسعه، مجله ایران فردا، شماره ۱، خرداد و تیر.
- فنی، زهره (۱۳۸۲) خاستگاه جغرافیایی تطور تاریخی توسعه: مجموعه مقالات اسلام و توسعه، تهران، نشر معارف، چاپ اول.
- کیندل برگر، چارلز (۱۳۵۱) توسعه اقتصادی، رضا صدوقی، مدرسه عالی مدیریت گیلان.
- لوئیس بٹک (۱۳۷۰) دگرگونی در مفاهیم و هدفهای توسعه، ترجمه: ح. قاضیان، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۱ و ۲.
- مجد فر، مرتضی (۱۳۷۴) تکنولوژی و تکنولوژی آموزشی، چاپ اول، انتشارات انیس، تهران.
- محمدی، تیموری (۱۳۷۶) بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت عملی؛ موسسه زحل.
- معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ معین، تهران: چاپ ششم، امیر کبیر.
- میسرا، پراساد (1367) برداشتی نو از مسائل توسعه، ترجمه‌ی حمید فراهانی راد، گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه، شماره ۴۶ میسرا، شماره ۴۶.
- نظرپور، محمدنقی (۱۳۷۸) ارزشها و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، چاپ سوم.

- سو، آلوین (۱۳۹۲) تغییر اجتماعی و توسعه مروری بر نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.



بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک

شجاع الدین بهروز*



*نویسنده و پژوهشگر

Shujabahroz@gmail.com

چکیده

مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک از مباحث حوزه حقوق دیپلماتیک است که اولین بار به صورت رسمی در کنفرانس ۱۹۶۱ وین مطرح گردید و مورد تأیید ملل متحد قرار گرفت. با گسترش دیپلماسی مدرن، مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در ساحت روابط سیاسی میان دولت‌ها از ضرورت اساسی برخوردار گردید و برقراری روابط دیپلماتیک نیاز به مفهوم مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک را جدی‌تر ساخت. از این حیث بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در جهت در اختیار دادن معلومات در این ساحت، از اهمیت خاصی برخوردار است که در این مقاله بر آن پرداخته شده است. در اینجا پرسش محوری پژوهش کنونی این گونه مطرح می‌شود که «مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک چیست؟» فرضیه پژوهش چنین مطرح شده است که مأموران دیپلماتیک به عنوان افراد سیاسی از مصونیت قضایی قابل توجهی در کشور میزبان برخوردارند تا بتوانند در محل مأموریت به فعالیت‌های دیپلماتیک بپردازند. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای روش کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: مصونیت، مصونیت قضایی، مأموریت دیپلماتیک، کنوانسیون وین (۱۹۶۱)

Abstract

The issue of Judicial Immunity of Diplomatic Personnel is a significant topic within the field of diplomatic law. It was officially addressed for the first time during the 1961 Vienna Conference and received endorsement from the United Nations. As modern diplomacy has expanded, the judicial immunity of diplomatic personnel has become an indispensable requirement in the realm of political

relations between nations. The establishment of diplomatic relations now necessitates a thorough consideration of the concept of judicial immunity for diplomatic personnel. Consequently, conducting an investigation into the judicial immunity of diplomatic personnel, specifically in terms of providing information on this subject, holds great importance. The central inquiry of the current research is: "What constitutes the judicial immunity of diplomatic personnel?" The research hypothesis is built upon the notion that diplomatic personnel, being political representatives, enjoy significant judicial immunity in their host country to enable them to fulfill their diplomatic duties effectively. The research methodology employed is descriptive-analytical, utilizing library research and data collection as the primary means of inquiry.

Keywords: Immunity, Judicial Immunity, Diplomatic Personnel, Vienna Convention (1961)

مقدمه

مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در زیر مجموعه مصونیت دیپلماتیک قابل بررسی بوده و از مباحث اصلی حقوق دیپلماتیک است که خود متأثر از قواعد حقوق بین الملل عمومی می باشد. این حقوق پیشینه دیرینه در تاریخ روابط میان دولت ها و ملت ها دارد. از این رو، از اصولی که ملل متمدن در طول تاریخ همواره آن را به دیده احترام رعایت نمودند؛ اصل مصونیت فرستادگان بوده است. ریشه تاریخی روابط دیپلماتیک برخاسته از بستر تاریخی جوامع غربی و به خصوص اروپا بوده است. در اروپا شاهان علاقه ای زیادی به برقراری روابط دیپلماتیک داشته اند. اما این روابط در جامعه شرقی آن قدر چشم گیر نبوده است. شاهان شرقی از برقراری روابط دیپلماتیک سرباز می زدند و به پذیرش و فرستادن سفرا بی علاقه بودند. (صافی، ۱۳۹۸: ۹۴)

از قرن شانزدهم، مصونیت قضایی فرستادگان و از قرن هفدهم با استقرار سفارت-خانه ها در اروپا مصونیت اماکن مأموریت به عنوان یک قاعده حقوق بین الملل نوین به رسمیت شناخته شدند. همچنان مأموریت دیپلماتیک شکل موقت داشته و مأموران دیپلماتیک پس از ابلاغ مأموریت به کشور خویش بر می گشتند. شکل رسمی تری مصونیت دیپلماتیک در عموم و به طور اخص مصونیت قضایی مأموران

دیپلماتیک در «کنوانسیون وین در باره روابط دیپلماتیک» به رسمیت شناخته شد و در ماه اپریل ۱۹۶۱ مورد تأیید ملل متحد قرار گرفت. مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک به دو دسته تقسیم‌بندی گردیده است که شامل مصونیت قضایی سفارت‌خانه‌ها و مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک می‌گردد.

در این مقاله مصونیت قضایی، مأموران دیپلماتیک، پیشینه تاریخی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک، انواع مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک، سلب مصونیت قضایی و کنوانسیون ۱۹۶۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در جهان امروز روابط دیپلماتیک بخش جدانشدنی از روابط میان دولت‌هاست. این روابط یک بحث کلانی است که مناسبات دولت‌ها را در ابعاد گوناگون تحت پوشش قرار می‌دهد. هر دولتی مکلف است روابط خود را با کشورها از طریق فرد و یا افرادی برقرار کند که این افراد نمایندگان خاص، سفرا و در مجموع هیئت دیپلماتیک می‌باشند.

حضور هیئت دیپلماتیک در کشور میزبان را نمی‌توان دور از چالش در نظر گرفت. به عبارت دیگر مأمور دیپلماتیک نمی‌تواند از انجام اشتباه در کشور میزبان مبرا باشد؛ ممکن آن‌ها در کشور میزبان دچار مشکلات و اشتباهاتی شوند که از نظر حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها مورد تأیید قرار نگیرد. موارد فوق نشان می‌دهد که حضور مأمور دیپلماتیک در کشور میزبان لازمه تبعیت از قواعد است. این قواعد می‌تواند دارای محدودیت‌ها و امتیازات مختلف برای مأموران دیپلماتیک باشد. به این ترتیب، اگر مأمور دیپلماتیک در کشور میزبان مرتکب کدام جرم عمدی و غیر عمدی شود کشور میزبان چگونه می‌تواند به آن برخورد کند، یا این که کشور میزبان حق اخراج و یا پیگرد آن را دارد یا خیر. این‌ها مسائلی‌اند که ما را وارد بحث بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک می‌سازد.

در زمینه حقوق دیپلماتیک و کنسولی، سفرا و کنسول‌ها، مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک و کنسولی، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی تألیف و تحقیق شده‌اند. اما در حدود بررسی این مقاله، در زمینه مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک با تاکید بر کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، پژوهشی با چنین عنوانی به چشم نخورد. از این رو، این نوشتار در حد خود یک کار جدید برای فهم مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک می‌باشد. براین اساس موضوعات مطرح شده در این مقاله در جهت بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک بوده و بررسی می‌گردد که مأموران دیپلماتیک در کشور میزبان از چه نوع مصونیت‌های قضایی برخوردارند.

پرسش محوری که در این پژوهش مطرح می‌شود عبارت است از: «مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک چیست؟» جهت یافتن پاسخ به سؤال فوق، فرضیه پژوهش این است: به نظر می‌رسد که مأموران دیپلماتیک جهت اجرای فعالیت‌های سیاسی از مصونیت قضایی قابل توجهی در کشور میزبان برخوردارند. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات بر مبنای روش کتاب‌خانه‌یی است.

چارچوب نظری

از جمله مکاتبی که برقراری روابط دیپلماتیک و مصونیت آن‌ها را مورد توجیه قرار داده‌اند، می‌توان از مکاتب نظریه مصلحت خدمت، نظریه برون‌مرزی، نظریه رفتار متقابل و نظریه نمایندگی اشاره کرد که در مورد مصونیت و مزایای مأموران دیپلماتیک در کشور میزبان تئوری پردازی کرده‌اند. از جمله در نظریه مصلحت خدمت چنین آمده است:

اگر سفیر در خارج از محل خدمت خود فرض می‌شود بدین معناست که استقلال و کلیه حقوقی را داراست که برای پیشرفت کار وی موثر است. بنابراین، آزادی و فارغ بودن وی از تعقیب قانون محل خدمت برای مصلحت و ضرورت پیشرفت کار وی است. چون هر دولت طرف رابطه دیپلماتیک علاقمند به حفظ و توسعه

روابط دوستانه خود هستند و مصونیت سفرای آنها به نفع هر دو طرف رابطه است. (ملاکریمی، ۱۴۰۲: ۱۳) براین اساس، برخورداری مأمورین دیپلماتیک از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک صرف از باب ضرورت کار آنها بوده است و مأمور دیپلماتیک می‌تواند مستقل از دولت پذیرنده و به دور از هرگونه اقدام قانونی و فیزیکی به فعالیت‌های دیپلماتیک بپردازد. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۸۶)

اما به نظر می‌رسد نسبت به نظریه مصلحت خدمت، رویکرد کنوانسیون وین ۱۹۶۱، در مورد روابط دیپلماتیک، زیربنای بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کشور میزبان محسوب گردد. چون این کنوانسیون علاوه بر این که محتوای نظریه مصلحت خدمت را در خودش دارد و از یک موضع جامع در مورد روابط دیپلماتیک بحث می‌کند. طوری که در مقدمه کنوانسیون وین سال ۱۹۶۱ چنین آمده است: «با اطمینان به این که مصونیت‌ها و مزایای مذکور منافع ساختن افراد نیست؛ بلکه مراد حسن اجرای وظایف مأموریت‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگان دولت‌ها می‌باشد.» (همان: ۸۵) به عبارت دیگر، بحث مصونیت مأموران دیپلماتیک از باب خدمت‌گزاری آنها به دولت‌های متبوع‌شان است و از آن نفع فردی و فعالیت غیر رسمی استنتاج نمی‌گردد.

باید گفت که کنوانسیون وین ۱۹۶۱ در مورد مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک مطلق‌نگری نداشته است. با توجه به عملکردی که یک مأمور دیپلماتیک به اجرا می‌گذارد دولت میزبان یا دولت متبوع می‌تواند در مورد رفتار و عملکرد رسمی و غیر رسمی مأمور دیپلماتیک تصمیم گیرنده باشند. کنوانسیون وین ضمن این که مأمور دیپلماتیک را تاکید به انجام فعالیت‌های رسمی‌اش می‌کند، بر دولت میزبان تاکید دارد نباید حق حاکمیت خود را در مورد مأمور دیپلماتیک طوری اعمال کند که به نحوی بی‌تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت وی گردد.

در این تحقیق جهت یافتن پاسخ به پرسش اصلی، از محتوای ماده ۳۸، ماده ۳۷، ماده ۳۲، ماده ۳۱، ماده ۳۱ بند چهاروم، ماده ۳۱ بند دوم، ماده ۱ و ماده ۲۹، استفاده شده و مبنای بررسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک قرار خواهند گرفت. از جانب دیگر جهت تبیین خوبتر مسئله، مفاهیم این تحقیق طور ذیل تعریف گردیده‌اند:

۱. مصونیت

مصونیت عبارت از «حقی تعریف [شده] است که به موجب قانون، دارندگان آن نسبت به کلیه اعمالی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از تعقیب جزایی، مدنی و اداری در امان باشند.» (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۶)

۲. مأمور دیپلماتیک

بر اساس تعریف کنوانسیون ۱۹۶۱، مأمور دیپلماتیک عبارت از: «رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان دیپلماتیک مأموریت» است و رئیس مأموریت شخصی است که از طرف دولت فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت باشد، تعریف شده است. (کنوانسیون ۱۹۶۱، ماده اول، بند الف)

۳. مصونیت قضایی

از حیث واژه‌شناسی «مصونیت مصدر جعلی به معنای مصون ماندن و محفوظ بودن است. از نظر اشتقاق؛ کلمه «مصون» اسم مفعول به معنای حفاظت شده است و در لغت عرب ریشه «صون» هر جا به کار رود، در آن معنای محافظت نهفته است. با آنکه «مصونیت» واژه تازه‌ای است؛ ولی حقوق‌دانان عرب، واژه‌های چون: حرمت، امتیاز، استثنا، معافیت، مزایا و حصانت را به عنوان ترجمه و معادل «Immunity» به کار می‌برند. «مزایا» نیز در لغت جمع مزیت، و از نظر اشتقاق، اسم مصدر به معنای افزونی، رجحان، برتری و امتیاز است. مزیت از ریشه‌های «میز» «مز»، «مزو»، «مزی» نیز آمده که در همه این‌ها معنای برتری و رجحان نهفته است و هر کلمه‌ای که از ریشه «مزی» اشتقاق یابد، در آن معنای

برتری و کمال وجود دارد. اما در مفهوم حقوقی، مصونیت به طور کلی بدین معناست که دارنده آن، از تعقیب قانون و مأموران دولت، در امان است.

از حیث اصطلاحی مصونیت قضایی به معنایی معاف بودن برخی کسان یا مال از قواعد عامه کشور در امور قضایی یا انتظامی یا مالیاتی بوده است. (لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۳۹۱، جلد ۵) به نظر پرویز ذوالعین مصونیت قضایی: «به مفهوم ساده این است که مأمور دیپلماتیک را نمی‌توان به دادگاه جلب کرد، نمی‌توان او را محاکمه کرد، نمی‌تون وی را به شهادت طلبید و حکمی را هم اگر دادگاه علیه او صادر کند، نمی‌توان به اجرا گذاشت.» (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۵۱)

گذشته از این، مصونیت قضایی دیپلمات‌ها از نظر زمانی یک مانع دو مرحله‌ای است. در مرحله اول مانع قضاوت است و در مرحله دوم مانع اجرای حکم می‌باشد. مرحله اول هنگامی است که دادگاه آمادگی دارد، تا دعوی را مورد رسیدگی قرار دهد؛ ولی این مصونیت جزایی یا حقوقی مأمور دیپلماتیک جریان آن را سد می‌کند.

مرحله دوم هنگامی است که با گذشتن از سد نخست، دادگاه جریان خود را طی کرده و حکم قطعی صادر می‌کند. اگر این حکم علیه مأمور دیپلماتیک صادر شده باشد؛ در این صورت، مانع دوم ظاهر می‌شود و آن مصونیت اجرایی است. بنابراین، اجرای حکم معلق می‌ماند؛ مگر این که دولت فرستنده مجدداً انصراف خویش را از مصونیت اجرایی مأمور دیپلماتیک خود، اعلام نماید.

در صورتی که در داخل کشور را حکمی که دادگاه پس از طی مراحل لازم، صادر کند و به مرحله قطعیت برسد، خود به خود لازم‌الاجرا است. استثناء در این مورد موقعی است که اجرای حکم درباره یک مأمور دیپلماتیک باشد.

۴. کنوانسیون وین (۱۹۶۱)

کنوانسیون وین که در سال ۱۹۶۱ جمع عمومی سازمان ملل متحد در وین تشکیل داد و در آن طرح پیشنهاد کمیسیون حقوق بین‌الملل به اتفاق آراء پذیرفته شد و در

آوریل ۱۹۶۴ به مرحله اجرا در آمد. این کنوانسیون حاوی یک مقدمه و ۵۳ ماده و دو پروتکل ضمیمه‌ی است. (بخشی، ۱۳۸۳: ۷۲۳) همچنان باید گفت که محتوای اصلی این کنوانسیون در مورد روابط دیپلماتیک است. در کنوانسیون، تعریف مفاهیم کلیدی مناسبات دیپلماتیک، وظایف مأموران سیاسی، تعداد نمایندگان، تابعیت، استوارنامه و انواع مصونیت مأموران دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک و ... مشخص گردیدند.

تاریخچه مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک

قواعد روابط دیپلماتیک تا سال ۱۸۱۵ جنبه عرفی داشت. در ۱۹ مارس سال ۱۸۱۵، قراردادی در هفت ماده در زمینه درجه و مقام نمایندگان دیپلماتیک به تصویب رسید که پروتکل اکس لاشاپل مورخ ۲۱ نوامبر ۱۸۱۸ آن را تکمیل کرد. بر اساس این دو سند، نمایندگان دیپلماتیک به چهار دسته تقسیم بندی شده بودند: سفرا و نمایندگان پاپ، نمایندگان دیپلماتیک با عناوین مختلف مثل وزرای مختار و فرستندگان فوق العاده، وزیران مقیم و کاردارها عنوان می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد کمیسیون حقوق بین‌الملل را مأمور تهیه یک موافقت‌نامه بین‌المللی در باره روابط دیپلماتیک نمود. این کمیسیون طرح پیشنهادی خود را در سال ۱۹۵۸ به پایان رساند. (بخشی، ۱۳۸۳: ۷۲۳)

اصولاً در کنوانسیون وین (۱۹۶۱) مسایلی راجع به تدوین حقوق دیپلماتیک طرح گردیده بود، در جمع از مصونیت‌ها و امتیازات مأموران دیپلماتیک، مسئله مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک نیز یکی از مصوبات آن کنوانسیون بود، که زیر نام «مصونیت تعقیب جزایی و مدنی و اداری مأموران سیاسی» بیان گردیده است. (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۳)

به منظور این که مأموران دیپلماتیک استقلال سیاسی داشته باشند، جهت اجراءات درست وظایف محوله، عهدنامه وین ۱۹۶۱ در ماده ۳۱ برای مأمورین دیپلماتیک مصونیت قضایی را به رسمیت شناخت. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۳۸۸-۳۸۹) این

عهدنامه حاصل یکی از کنفرانس‌های سازمان ملل بود که با اشتراک ۸۱ کشور در وین در سال ۱۹۶۱ تشکیل شد. در این کنفرانس روی قواعد روابط دیپلماتیک یعنی وظایف دیپلماتیک، انتصاب، پذیرش و رتبه‌های مأموریت‌ها، تقدم، قطع روابط دیپلماتیک و دیگر موضوعات مشابه تدوین گردیدند. پیش‌نویس این کنفرانس توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه و پایه‌گذاری شد. پیش‌نویس کنفرانس مذکور مورد تأیید قرار گرفت؛ چون نتیجه نهایی پیش‌نویس قواعد عرفی و رویه‌های تثبیت شده توسط دولت‌ها را منعکس می‌کرد. با وجودی که در برخی از موارد کنوانسیون قواعد جدید و محدودتری را در رابطه به مصونیت‌های دیپلماتیک ایجاد کرده بود. (بابایی، ۱۳۸۲: ۴۸۶)

مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کنوانسیون (۱۹۶۱)

مصونیت قضایی بیشتر در دوره معاصر از مجرای کنوانسیون وین ۱۹۶۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. طوری که در ماده «۳۸» کنوانسیون وین پیرامون مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک چنین ذکر گردیده است:

۱- مأمور سیاسی که تبعه کشور پذیرنده و یا مقیم دایم آن کشور می‌باشد، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهد بود، مگر آنکه کشور پذیرنده مزایا و مصونیت‌های بیشتری به او اعطا کرده باشد.

۲- سایر کارمندان مأموریت و خدمتکاران شخصی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دایم آن کشور می‌باشد فقط تا حدود که مورد قبول کشور پذیرنده باشد از مزایا و مصونیت‌ها برخوردار خواهند بود. مع‌هذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحوی متناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.» (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۷)

البته این مصونیت قضایی برای مأموران دیپلماتیک بوده و سفارتخانه‌ها از آن مستثنا هستند. چون در اظهار نظرهای حقوقی و عهد نامه‌ها کدام اشاره‌ای به این

موضوع نشده است. قابل یادآوری است که کار یک سفارتخانه مربوط به دولت فرستنده آن سفارت بوده و هیچ دولتی خود را تابع قوانین دولت دیگر نمی‌داند و مصونیت پیدا نمی‌کند. (صدر، ۱۳۷۴: ۱۰۲)

مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک برخلاف مصونیت افراد عادی است. مطابق به قوانین کشور پذیرنده، اگر فرد عادی به جرمی متهم شود، می‌توان آن را تحت پیگرد قرار داده و به محاکمه کشاند و در صورت لزوم از او می‌توان شهادت خواست و حتی حکم دادگاه را در باره‌اش صادر و اجرا نمود. اما مأموران دیپلماتیک این گونه نیستند؛ به‌دلیلی این که مأموران دیپلماتیک بدون کدام تهدید و یا فشار خارجی بتوانند وظایف خویش را اجرا کنند. (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۵۲)

از جانب دیگر طبق ماده ۲۹ کنوانسیون وین: «شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را مورد توقیف یا بازداشت قرارداد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شان اوست خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخصیت، آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.» (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۳)

مورد فوق در حالتی است که مأمور دیپلماتیک مورد شک به جاسوسی قرار نگیرد؛ اما در صورتی که مأمور سیاسی در کشور پذیرنده مرتکب جرم جاسوسی یا اقدام علیه امنیت کشور پذیرند شود، در این حالت مأمور دیپلماتیک به عنوان عنصر نامطلوب از کشور پذیرنده اخراج می‌شود. طوری که «دیوان بین‌المللی دادگستری» در خصوص این مأموران دیپلماتیک چنین بیان می‌دارد: «در زمینه سوء استفاده دیپلماتیک از مصونیت، باید در مقابله با آنها از همان ابزار و امکانات پیش‌بینی شده در کنفرانس وین (۱۹۶۱) یعنی: اعلام آنها به عنوان عنصر نامطلوب استفاده کرده و آنها را اخراج نمود.»

در موارد غیر از مورد فوق (عنصر نامطلوب)، مأموران دیپلماتیک را به هیچ وجه نمی‌توان مورد پیگرد جزایی قرارداد؛ حتی در مورد جرم مشهود. مأمور دیپلماتیک

مورد بازجویی و توقیف پولیس قرار نگرفته و نمی‌توان او را محاکمه کرد. مثلاً: در صورتی که مأمور دیپلماتیک در وقت رانندگی مرتکب قتل شود، قاضی نمی‌تواند او را تعقیب کند و یا این که برای او احضاریه بفرستد. ولی نکته باریک حرف این است که مصونیت سیاسی را نمی‌توان عدم مسئولیت مأمور تلقی کرد. کشور فرستنده می‌تواند مأمور فرستنده‌اش را مورد محاکمه قرار دهد. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۹۲) به عبارت دیگر، صلاحیت تطبیق قانون برای مأمور دیپلماتیک به کشور متبوعش است، نه به کشور پذیرنده.

همچنان مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک به این معنی است که «دادگاه صلاحیت خود را نسبت به مأموران دیپلماتیک ممنوع نمی‌کند و وی از تعقیب جزایی و مدنی معاف بوده و بازداشت یا جلب او ممنوع است. زیرا تعقیب جزایی دیپلمات، مغایر اصل کلی آزادی دیپلماتیک در انجام وظایف رسمی‌اش می‌باشد. همچنین تعقیب مدنی مأموران دیپلماتیک هم اگرچه به اعمال حقوق خصوصی ایشان ارتباط دارد؛ اما ممکن است با مأموریت سیاسی آن‌ها سازگار نباشد؛ بنابراین مصونیت شامل اعمال حقوقی مأموران دیپلماتیک خواهد بود.» (غفوری، ۱۳۹۱: ۵۵ - ۵۴)

از مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که مصونیت قضایی سلب مصونیت نیست؛ یعنی اگر مأمور سیاسی مرتکب عملی شود که به موجب قوانین محلی دولت میزبان منع شده باشد، دولت میزبان می‌تواند ضمن اتخاذ اقدامات احتیاطی از دولت مطبوع او خواستار پی‌گرد و مجازات وی گردد. امور حقوقی افراد و مأموران دولت میزبان نمی‌توانند مأموران سیاسی را در ارتباط با تخلف ناشی از تعهدات برای محاکمه به دادگاه محلی جلب کنند. همچنان مصونیت قضایی اساساً مربوط به مأمورین دیپلماتیک است و مربوط به سفارت خانه‌ها نمی‌شود. از نظر حقوق بین‌الملل عمومی، مأموران دیپلماتیک باید در انجام وظایف سیاسی‌شان

آزادی عمل داشته باشند و هیچ مراجع قضایی حق اعمال صلاحیت نسبت به آنها را نخواهند داشت.

سلب مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کنوانسیون ۱۹۶۱

در ارتباط به مفهوم سلب مصونیت یا انصراف، در ترجمه کنوانسیون دیپلماتیک و کنوانسیون کنسولی به زبان فارسی، به جای «انصراف از مصونیت»، اصطلاح «سلب مصونیت» به کار رفته است. ترجمه دقیق کلمات خارجی که در این مورد به کار رفته است: به انگلیسی^۱ «ویفر» به فرانسوی «رینن سیشن» است که هر دو مفهوم به معنی صرف نظر کردن یا چشم پوشی و انصراف است.

انصراف از مصونیت که موضوع ماده ۳۲ کنوانسیون دیپلماتیک می باشد، عبارت از این است که دولت فرستنده از مصونیت‌های قضایی (جزایی، مدنی و اداری) مأمورین خود صرف نظر نماید. طبق ماده ۳۲، دولت فرستنده می تواند مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک را طور ذیل سلب نماید:

۱. دولت فرستنده می تواند مصونیت قضایی مأمورین دیپلماتیک و اشخاصی را که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردارند، سلب نماید.

۲. سلب مصونیت باید صراحتاً اعلام شود.

۳. در صورت اقامه دعوا از طرف مأمور دیپلماتیک یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضایی بهره مند است، استناد به مصونیت قضایی در قبال دعاوی متقابل که به طوری مستقیم با دعوی اصلی ارتباط دارد، پذیرفته نخواهد بود.

۴. سلب مصونیت قضایی نسبت به دعوی مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود؛ بلکه برای اجرای آن اعلام سلب مصونیت جداگانه ضروری است. گذشته از این، طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین (۱۹۶۱)

1. Waiver

2. Renunciation

مأموران دیپلماتیک از مصونیت پیگرد جزایی برخوردارند و از مصونیت‌های دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهند بود، صرف در مواردی که طبق بنده-های (الف، ب، و ج) ماده ۳۱ در بخش مصونیت از اقدامات اجرایی بیان شد. با در نظر داشت این شرایط وارده که عملیات اجرایی به مصونیت شخصی یا محل اقامت مأمور دیپلماتیک لطمه وارد نیابد.

«مصونیت مأمورین دیپلماتیک به خاطر دولت فرستنده برقرار گردیده و این حق متعلق به دولت فرستنده است و تنها این کشور است که می‌تواند از مصونیت مأموران خود صرف نظر نماید. به کار بردن اصطلاح «سلب مصونیت» در صورتی درست می‌بود که از طرف دولت پذیرنده نسبت به مأموران دیپلماتیک یک نمایندگی خارجی، اعمال می‌شد. در حالی که دولت پذیرنده چنین حقی ندارد و نمی‌تواند مصونیت هیچ مأمور دیپلماتیک را سلب کند؛ بلکه حد اکثر می‌تواند او را عنصر نامطلوب اعلام نماید.» (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۸۷ - ۳۸۸) بدین اساس، سلب مصونیت به معنای انصراف دولت فرستنده می‌باشد. اما در مورد کارمندان جزء سفارت خانه‌ها، این اختیار به مقامات بالای هیئت تفویض شده است. در هر حال قوانین ملی دولت اعزام کننده ناظر بر نحوه و کیفیت تعلیق و سلب مصونیت سیاسی از دیپلمات‌ها می‌باشد. یک مأمور سیاسی نمی‌تواند به اختیار خود از خویشتن سلب مصونیت کند. از نظر تئوریک هنگامی که یک دیپلمات علیه کسی به دادگاه محلی شکایت ارایه می‌کند، مصونیت سیاسی او سلب می‌شود؛ اما به موجب پیمان وین ۱۹۶۱ ممکن است یک ادعانامه علیه شکایت او به دادگاه تسلیم داده شود. (حقشناس، ۱۳۹۰: ۲۹۳)

از سوی دیگر قبل از هر اقدام تعقیبی، بایست «دلایل مربوط به اتهام، به دادرسی انتظامی قضات ارسال شود. این مرجع رسیدگی کند، اگر دلایل کافی بود از دادگاه عالی انتظامی، تقاضای تعلیق موقت کارمند قضایی را می‌کند. دادگاه مذکور پس از بررسی گزارش‌ها و تحقیقات لازم، اگر دلایل را کافی بداند او را

تا خاتمه محاکمه و صدور حکم قطعی جزایی، از شغل خود معلق می‌کند و پرونده را دوباره به دادسرا می‌فرستد و دادسرا رونوشت آن را به مرجع جزایی تعقیب کننده اتهام ارسال می‌کند.»

از طرف دیگر در دعاوی متقابل، چنانچه فرد دیپلمات به اقامه دعوا پردازد، وی نمی‌تواند در صورت طرح دعوی متقابل که مستقیماً با دعوی اصلی ارتباط دارد، به مصونیت قضایی استناد بجوید. در واقع مصونیت دیپلماتیک به دلیل شأن و صلاحیت دولت فرستنده اوست که به وی اعطا می‌شود تا وظایف دیپلماتیک خود را به نحو احسن و یا فارغ‌بال انجام دهد. طوری که ماده ۳۲ وین در مورد فعالیت حرفه‌یی یا تجاری به صراحت بیان می‌دارد: «مأمور سیاسی در کشور پذیرنده فعالیت حرفه‌یی یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.» به عبارت دیگر در صورتی که مأمور دیپلماتیک از این ماده اطاعت نکند و به کارهای شخصی از جمله تجارت که در این ماده تأکید شده است، پردازد مصونیت او سلب خواهد شد.

از سوی دیگر سلب مصونیت مأموران دیپلماتیک به این معنی نمی‌باشد که مأمور در انجام فعالیت‌های سیاسی که قبل از سلب مصونیت انجام داده مورد پیگرد قرار گیرد؛ بلکه مأمور دیپلماتیک در ختم وظیفه‌اش هم مورد حفاظت دولت متبوعش قرار گرفته، و تصمیم‌گیری راجع به سلب مصونیت مأموران دیپلماتیک به محض از طرف دولت فرستنده صورت می‌گیرد.

انواع مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کنوانسیون وین ۱۹۶۱

مصونیت قضایی شامل مصونیت‌های جزایی، مصونیت مدنی، مصونیت اداری، مصونیت از ادایی شهادت و مصونیت از اقدامات جزایی می‌باشد. این مصونیت‌ها به پنج صورت ذیل ظاهر می‌گردد:

۱. مصونیت کیفری

زمانی که مأمور دیپلماتیک از انجام اعمالی خودداری کند یا اعمال را انجام دهد که مطابق به قانون کشور پذیرنده جرم محسوب شود در این صورت مأموران دیپلماتیک از هر گونه تعقیب، بازداشت، بازجویی، بازرسی و محاکمه معاف اند. در مورد جرایم رانندگی مأموران دیپلماتیک، در بین کشورها اتفاق نظر وجود ندارد و هر کشوری به نوعی عهدنامه ۱۹۶۱ م را تعبیر و تفسیر کرده است. به طور مثال وزارت امور خارجه امریکا معتقد است که مصونیت کیفری مندرج در عهدنامه وین جرایم اخلاقی رانندگی را در بر نمی گیرد و مأموران پولیس امریکا می توانند با ارسال برگه، مأموردیپلماتیک را به دادگاه خلاف احضار نمایند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۳۸۸-۳۸۹)

از سوی دیگر طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۱ «مأمور دیپلماتیک، در دولت پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است.» طبق این ماده مأموران دیپلماتیک در برابر کشور پذیرنده مصونیت دارند و این مصونیت به مصونیت از تعقیب جزایی و مصونیت در برابر دعاوی و امور اداری تقسیم شده است. بدین اساس، مأموران دیپلماتیک از مصونیت کامل جزایی برخوردارند و در این مورد کدام استثنایی وجود ندارد. حقی که کشور پذیرنده در این مورد دارد این است که مأمور دیپلماتیک را به عنوان عنصر نامطلوب از کشورش اخراج کند؛ در صورتی که مأمور دیپلماتیک مرتکب جرمی شده باشد. در دعاوی مدنی و اداری نیز مأمور دیپلماتیک از مصونیت برخوردار است. اما این مصونیت با مصونیت از تعقیب جزایی فرق دارد و فرقی این است که در مورد دعاوی مدنی و اداری مأموران دیپلماتیک دارای مصونیت کامل نمی باشند و براساس بند یک ماده ۳۱ کنوانسیون وین برای دیپلمات محدودیت هایی در امور مدنی و اداری وجود دارد. (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۹۱-۹۳) به عبارت دیگر «با قبول مصونیت جزایی برای مأموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده هیچ یک از مأموران دولتی و مأموران نهادهای

مختلف انتظامی و امنیتی حق نخواهد داشت که او را مورد بازپرس قرار دهد، از او به هیچ عنوان نمی‌توان جریمه دریافت کرد، برای او برگ اخطاریه صادر نمی‌شود، او را نمی‌توان بازداشت نمود. او را به دادگاه نمی‌توان احضار کرد و حتی ابلاغ برگ احضاریه به او ممکن نیست و.. بالاخره هیچ دادگاهی حق محاکمه او را ندارد و اگر حکمی هم صادر شود که به نحوی به وی مربوط گردد، این حکم درباره او قابل اجراء نخواهد بود.» (ذوالعین، ۱۳۹۱: ۳۵۶-۳۵۷)

طوری که دیده می‌شود ماده فوق مصونیت کیفری را به طور نامحدود بیان کرده است. اما قبل از بیان مشخص این ماده زمانی که دولت‌ها در صحنه عمل وارد تطبیق این ماده شدند، در میان نویسندگان حقوق در رابطه به عمل کرد دولت‌ها در تطبیق مصونیت کیفری اختلاف نظر پیدا شد و بعد همین کنوانسیون با بیان مشخص ماده فوق تحدید و استثنا را قبول نکرد.

اگر یک جرم و جنایتی اتفاق افتد که به یک مأمور دیپلماتیک مربوط شود، پلیس و یا مأمور دیپلماتیک قضایی تحقیقات خود را به طریقی انجام می‌دهد که با مأمور دیپلماتیک تماس نداشته باشد و از او بازجویی نشود، آنگاه گزارش خود را به سازمان مربوطه داده و از آنجا به وزارت خارجه دولت پذیرنده ارسال می‌گردد. در صورتی که جرم به یکی از اعضای مربوطه باشد، شرح گزارش برای رئیس نمایندگی باشد، گزارش واقعه از طریق دیپلماتیک مستقیماً برای وزارت خارجه کشور فرستنده ارسال می‌گردد. به هر ترتیب، مأمور فرستنده در کشور میزبان از تعقیب جزایی مصون بوده و کشور میزبان نمی‌تواند مأمور دیپلماتیک را مورد تعقیب جزایی در کشورش قرار دهد؛ اما می‌تواند قضیه را به کشور متبوع ابلاغ کند.

۲. مصونیت مدنی و اداری

در رابطه به مصونیت مدنی و اداری نیز در میان دولت‌ها در عرصه عمل اختلاف نظر وجود دارد. البته مصونیت مدنی و اداری که به حقوق خصوصی افراد بر

می‌گردد با مصونیت جزایی فرق می‌کند؛ یعنی مصونیت مدنی و اداری مورد قبول عموم نیست ولی مصونیت جزایی مورد قبول عموم از جانب دولت‌ها است. مصونیت جزایی جنبه مطلق دارد؛ اما مصونیت مدنی و اداری جنبه غیر مطلق نمی‌باشد. مثلاً؛ ایتالیا قائل به تشخیص بین اعمالی است که دیپلمات در اجرای مأموریت خود انجام می‌دهد و اعمالی را که مربوط به خود ایشان می‌شود. نوع اول دارای مصونیت قضایی و نوع دوم فاقد مصونیت است؛ ولی «رویه قضایی» در فرانسه و سوئس این تشخیص را مشکل و غیر لازم می‌داند و قائل به مصونیت کلی است. تشخیص بین اعمال به مناسبت سمت و اعمال به عنوان خصوصی در مورد مصونیت قضایی به عقیده آن‌ها مفید نیست؛ زیرا که کلیه اعمال حقوقی که یک مأمور دیپلماتیک به عنوان سمت رسمی خود می‌کند برای دولت خود و در حقیقت به نام دولت خود است و طرف اختلاف حقوقی یک دولت خارجی است نه شخص دیپلمات تا مصونیت مصداق پیدا نکند. به همین جهت رویه معمول این جداسازی را به تدریج عملاً کنار می‌گذارد و مصونیت را شامل کلیه اعمالی حقوقی مأمور دیپلماتیک می‌کند. (صدر، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۴)

طوری که گفته شد، برخلاف مصونیت کیفری، مصونیت مدنی و اداری مأموران دیپلماتیک جنبه مطلق نداشته و طبق ماده ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۱ وین، موارد زیر را در بر نمی‌گیرد:

الف) دعوی راجع به مال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده - مگر آن که مأمور دیپلماتیک مال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب) دعوی راجع به ماترک که در آن مأمور دیپلماتیک به طور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده وصی و امین ترک و وارث یا موصی له واقع باشد.

ج) دعوی راجع به فعالیت‌های حرفه‌یی یا تجاری خصوصی از هر نوع که مأمور دیپلماتیک در خاک دولت پذیرنده خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۳۸۹ و حق شناس، ۱۳۹۰: ۳۲۲)

۳. مصونیت از ادای شهادت

مطابق متن ماده کنوانسیون وین ۱۹۶۱ مأموران دیپلماتیک را نمی‌توان مجبور به ادای شهادت کرد و ایشان از ادای شهادت نزد کشور پذیرنده مصونیت دارند. بنابراین هیچ مرجع قضایی و اداری کشور میزبان نمی‌تواند مأمور دیپلماتیک را وادار به ادای شهادت کند. البته طوری که بیان خواهد شد این الزام برای دولت متبوع مستثناست.

طوری که بند دوم ماده ۳۱ کنوانسیون وین در باره مصونیت از ادای شهادت چنین صراحت دارد: «مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.» (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۴)

نکته قابل توجه در این ماده این است که برخلاف سایر موارد در آن به صراحت اشاره به مصونیت نشده است؛ ولی چون اصولاً شهادت به قضاوت ارتباط مستقیم دارد، باید آن را جزء مصونیت قضایی مأمور دیپلماتیک به شمار آورد. لازم به یادآوری است که در اینجا از نظر منطقی، منظور اجبار از طرف دولت پذیرنده است و گرنه دولت فرستنده ضروری بداند، می‌تواند مأمور خود را مجبور به ادای شهادت نماید. اما حقوق دانان در این باره دیدگاه‌های مختلف دارند که به چند مورد آن اشاره می‌گردد:

۱. ادای شهادت باید اجباری باشد و مصونیت بر نمی‌دارد؛ زیرا برای روشن شدن هر قضیه قضایی و اجرای صحیح عدالت، اظهار نظر اهل خبره و شهود ضروری است. عدم ارایه مشاهدات و اطلاعات، پنهان کاری بوده و ممکن است منجر به انحراف عدالت گردد. طرفداران این نظریه در کمیسیون حقوق بین‌الملل هنگام تدوین کنوانسیون، روابط دیپلماتیک پیشنهاد می‌کردند که عدم مصونیت مأمور

دیپلماتیک در ادای شهادت، به عنوان یک استثنا بر مصونیت قضایی در ماده ۳۱ بند اول، به صورت تبصره چهارم اضافه شود.

۲. باید بین شهادت در مسایل شخصی و خصوصی افراد و مسایل مربوطه به وظایف دیپلماتیک که به امور سفارت و دولت فرستنده ارتباط دارد، تمیز قائل شد. به طوری که در مورد اول، ادای شهادت اجباری باشد و در مورد دوم که جنبه دولتی می‌گیرد و به دولت فرستنده ارتباط دارد، مأمور دیپلماتیک از ادای شهادت مصون باشد.

۳. مصونیت از ادای شهادت جزء مکمل مصونیت‌های قضایی است و باید آن را به صورت یک اصل پذیرفت و رفع آن منحصرأ تابع نظر دولت فرستنده است که از طریق انصراف صریح آن دولت، صورت می‌گیرد.» (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۸۴-۳۸۷)

طوری که بیان شد در مورد اول طرف‌دار این هستند که برای تطبیق عدالت و برای این که در ذات عدالت صدمه وارد نشود، باید مأموران دیپلماتیک از مصونیت برخوردار نبوده باشند. در مورد دوم میان شهادت در امور شخصی و کارهای خصوصی مأمور دیپلماتیک و کارهای سیاسی‌اش که جنبه دولتی به خود می‌گیرد حقوق دانان تمیز قائل شده‌اند که در مورد کارهای خصوصی مأمور دیپلماتیک را ملزم به دادن شهادت دانسته و در انجام وظیفه دیپلماتیک مأمور دیپلماتیک را از ادای شهادت مصون دانسته‌اند. بالاخره مأمور دیپلماتیک سفارت یک کشور را مرجع قضایی کشور میزبان نمی‌تواند به ادای شهادت مجبور کند و این از اصول اساسی مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک می‌باشد؛ اما در صورتی که خود بخواهند و اجباری علیه آنها نباشد جهت تأمین عدالت می‌توانند شهادت دهد. اعضای خانواده و کارمندان سفارت نیز از ادای شهادت معاف و دارای مصونیت قضایی اند؛ مگر این که تبعه یا مقیم کشور پذیرنده نباشند.

۴. مصونیت از اقدامات اجرایی

در مصونیت از اقدامات اجرایی این بحث مطرح است که نمی‌توان حکمی را در رابطه به مأمور دیپلماتیک به اجرا گذاشت؛ و اقدام اجرایی نباید علیه مأمور دیپلماتیک به منصفه اجرا در آید. به هر حال کشور پذیرنده هیچ گاه نمی‌تواند اقدامات اجرایی را علیه مأمور دیپلماتیک داشته باشد. اگر چنین مورد اتفاق افتد این اقدام از جانب کشور فرستنده اعمال می‌گردد.

بند چهارم عهدنامه وین ۱۹۶۱ موردی را استثناء قرار داده است که در بحث مصونیت مدنی بیان گردید. بر اساس این بند «هیچ گونه اقدام یا عمل اجرایی نباید علیه مأموران دیپلماتیک صورت گیرد، مگر در مورد استثنایی. آن هم به شرایطی که این عملیات به مصونیت شخصی و محل سکونت مأمور لطمه‌ای وارد نیاورد. مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک یک حق مطلق نمی‌باشد؛ بلکه کشور پذیرنده می‌تواند از کشور فرستنده بخواهد تا مأمورانی که از مصونیت استفاده کرده فراخوانده و یا سلب مصونیت او را خواستار شود و یا خود او را از کشور محل مأموریت اخراج کند. البته بدون در خواست کشور پذیرنده نیز سلب مصونیت از سوی کشور فرستنده امکان پذیر است. بر علاوه از آنجا که مصونیت به معنی عدم مسوولیت نمی‌باشد، لذا مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده، آن‌ها را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نمی‌کند.» (بند ۴ ماده ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۱ و ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۳۸۹) به عبارت دیگر «علیه مأمور دیپلماتیک، مبادرت به هیچ گونه عملیات اجرایی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف و ب و ج و...» (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۸۱-۳۸۲) براین اساس اصل مصونیت اجرایی مأمورین دیپلماتیک، سه مورد استثنا دارد و آن عبارت اند از:

۱. دعوی درباره اموال غیر منقول در کشور پذیرنده مربوط به شخص دیپلمات؛

۲. دعوی درباره ارث که شخص دیپلمات در آن ذینفع است؛

۳. دعوی درباره فعالیت‌های انتفاعی و شغلی مأمور دیپلماتیک می‌باشند.

به عبارت دیگر، اگر اموال غیر منقولی که به نمایندگی از کشور فرستنده و در جهت مقاصد دیپلماتیک در تصرف نباشد، ارثی که مربوط به ملکیت خصوصی و یا ارث فردی مأمور دیپلماتیک بوده باشد و فعالیت‌های تجاری‌ای که مأمور دیپلماتیک خارج از وظایف رسمی سیاسی‌اش داشته باشد.

در این سه مورد استثنایی، دادگاه بدون در نظر گرفتن مصونیت قضایی مأمور دیپلماتیک، می‌تواند رسیدگی کرده و حکم صادر نماید و این حکم هم (تحت شرایطی) قابل اجراست و مصونیت اجرایی مأمور دیپلماتیک نمی‌تواند مانع اجرای آن گردد. وارد کردن این سه استثنا، برای جبران خسارت اهالی کشور پذیرنده در مقابل اقدامات خصوصی مأمور دیپلماتیک است و وجه اشتراک هر سه مورد هم این است که قضاوت اجرای حکم در این مسایل، ارتباطی با انجام وظایف دیپلماتیک ندارد، تا مصونیت دیپلماتیک مورد پیگرد. اما شرایط اجرای این احکام که مصونیت اجرایی، مانع نمی‌شود، این است که حکم به نحوی اجرا شود که این عملیات اجرایی، به مصونیت شخصی و محل اقامت او لطمه وارد نکند. (ذوالعین، ۱۳۹۲: ۳۸۱-۳۸۲)

این مورد را نیز باید به یاد داشت که هر نوع استثنائاتی که مأموران دیپلماتیک را از مصونیت مدنی و اداری خارج کند، این استثنائات روی مصونیت از اقدامات اجرایی اثر گذاشته و آن را ناپدید می‌سازد. بر همین اساس است که مصونیت مدنی و اداری و مصونیت از اقدامات اجرایی هر دو از بندهای الف، ب و ج ماده ۳۱-ام اثر پذیرند.

۴. مصونیت و تعرض ناپذیری وزیر امور خارجه

دیوان بین‌المللی دادگستری بر این نظر است که وظایف وزیر امور خارجه باید در دوران انجام وظیفه از مصونیت تعقیب کیفری و تعرض ناپذیری کامل در خارج از کشور برخوردار باشد. مبنای مصونیت وزیر امور خارجه جنبه کاربردی دارد؛ زیرا وزیر امور خارجه باید مصونیت و آزادی داشته باشد تا این که وظیفه محوله

خود را آزادانه انجام دهد. از یک طرف منافع دولت مربوطه و منافع جامعه بین‌المللی که دولت متبوع آن، عضو آن نهاد است ایجاب می‌کند که وزیر امور خارجه بدون رضایت دولت ذی‌ربط در دادگاه خارجی مورد محاکمه قرار نگیرد. از سوی دیگر مصونیت وزیر امور خارجه تمام مدتی را در بر می‌گیرد که او این سمت سیاسی را به عهده داشته است. اما بعد از پایان یافتن این سمت مصونیت او از بین خواهد رفت. این امر شامل کارهای که وزیر امور خارجه در وقت داشتن این سمت انجام داده است، نمی‌شود؛ بلکه مورد حمایت قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

پیشینه تاریخی مصونیت قضایی به شکل غیر رسمی در کشورهای اروپایی و در نظام‌های شاهی و فئودالی وجود داشته است. اما مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک به صورت رسمی در کنوانسیون ۱۹۶۱ که در رابطه به روابط دیپلماتیک برگزار گردیده بود، به رسمیت شناخته شد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در یک مفهوم کلی این است که مأموران دیپلماتیک برخلاف مردم عادی اتباع خارجی دیگر، از حیثه اجرایی قانون کشور پذیرنده خارج اند؛ یعنی مأمور سیاسی در فعالیت‌های که مربوط به وظایف دیپلماتیک می‌گردد دارای مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض می‌باشند؛ اما دولت میزبان می‌تواند برای‌شان مصونیت‌های بیشتری را در نظر بگیرد. همچنان مأموران و خدمتکاران شخصی که تبعه کشور پذیرنده باشد در حدود قبول کشور میزبان دارای مصونیت می‌باشند. البته کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را طوری اعمال نماید که مانع انجام وظایف آن‌ها گردد.

همچنان یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت فرستنده حق دارد از مصونیت قضایی مأمور سیاسی خود انصراف دهد. اگر مأمور سیاسی مرتکب عملی شود که به موجب قوانین ملی دولت میزبان منع شده باشد دولت میزبان می‌تواند ضمن اتخاذ اقدامات احتیاطی از دولت مطبوع‌اش خواستار پیگرد و مجازات گردد.

همچنان با پایان یافتن وظایف مأموریت دیپلماتیک مصونیت قضایی او ختم نمی‌گردد و مأمور دیپلماتیک در عوض کارهای سیاسی‌ای که برای دولت مطبوع‌اش انجام داده مورد پیگرد قرار نمی‌گیرد. در مجموع آنچه به دست آمد این است که مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک یک مفهوم مطلق نیست، دولت میزبان و دولت متبوع هر زمانی که بخواهند در مورد مأمور دیپلماتیک تصمیم گرفته می‌توانند. از سوی دیگر وظایف و زیر امور خارجه چنان است که باید در دوران انجام وظایف از تعقیب کیفری و تعرض ناپذیری کامل در خارج از کشور برخوردار باشد.

سرچشمه‌ها

کتاب و مقالات

- بابایی، علی رضا (۱۳۸۲) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر آشنا، چاپ دوم.
- بخشی، علی آقا (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- حق شناس کمیاب، سیدعلی (۱۳۹۰) مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک، تهران: سنا.
- خالو زاده، سعید (۱۳۹۱) حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: سمت.
- ذوالعین، پرویز (۱۳۷۵) حقوق کنسولی، تهران: وزارت امور خارجه تهران، مرکز چاپ.
- ذوالعین، پرویز (۱۳۹۲) حقوق دیپلماتیک، تهران: وزارت امور خارجه.
- ستانکزی، نصرالله و دیگران (۱۳۸۹) قاموس اصطلاحات حقوقی، دانشگاه کابل.
- شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۸۷) حقوق کیفر بین‌المللی، تهران: جنگل، چاپ پنجم.
- صدر، جواد (۱۳۷۴) حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: دانشگاه تهران.

- صافی، و دیر (۱۳۹۸) حقوق بین الملل عمومی، کابل: انتشارات سعید.
- ضایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴) حقوق بین المللی عمومی، تهران: کتاب خانه گنج دانش، چاپ ۲۱.
- غفوری، محمد (۱۳۹۱) سازمان های بین المللی، تهران: سمت، چاپ چهارم.
- کریمی، حسین (۱۳۷۸) فرهنگ دادرسی تهران: دفتر انتشارات فرهنگ اسلامی.
- لنگرودی، محمد جعفر جعفری (۱۳۸۶) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۵، تهران: انتشارات کتاب خانه گنج دانش.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۹) سازمان های بین المللی، تهران: میزان، چاپ هفدهم.

سایت ها

- ملاکریمی (1401-12-16) امید جزوه درسی حقوق دیپلماتیک و کنسولی، برگرفته از لینک ذیل:

www.mollakarimi.ir

- مصونیت قضایی (1399-9-26) بر گرفته از لینک ذیل:

www.pajooh.com/fa/index.php?p

- مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک یا کنسولی (1401-12) برگرفته از لینک ذیل:

WWW.dadfaranrahnama.com/2278 -

تحليل تأثيرات ابرار تطبيقى سياست مالى روى اشتغال در افغانستان

پوهنيار محمد بلال تائب*

ابوذر خپلواک خاځى**

*عضو کادر علمى پوهنځى اقتصاد پوهنتون البيرونى
**عضو کادر علمى پوهنځى حقوق و علوم سياسى پوهنتون کاروان
m.bilaltayeb@gmail.com

چکیده

در تحقيق حاضر به تحليل تأثيرات ابرار تطبيقى سياست مالى روى سطح اشتغال در افغانستان طى سالهاى ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۸ با استفاده از مدل ريگرسيونى با روش حد اقل مربعات روى داده‌هاى زمانى بر گرفته شده از ويب سايت شاخص توسعه جهانى پرداخته و مورد آزمون تجربى قرار گرفته است که يافته‌هاى تحقيق حاضر با در نظر داشت سطح ۰.۰۵ بيانگر عدم تأثيرات ابرار تطبيقى سياست مالى (مخارج دولت و ماليات) روى سطح اشتغال در دوره مذکور مى‌باشد؛ يعنى مخارج دولت و ماليات، تأثير معنى‌دار روى افزايش سطح اشتغال يا کاهش بيکارى در سال‌هاى مذکور در کشور نداشت. البته نرخ بيکارى سال‌هاى قبل تأثيرات مثبت روى نرخ بيکارى دوره جارى و رشد اقتصادى نيز داراى تأثيرات معنادار منفى روى ميزان بيکارى و تأثيرات مثبت روى سطح اشتغال بوده است. البته مخارج دولت بدون در نظر داشت سطح اطمینان باعث افزايش سطح اشتغال بوده است و به هر ميزان که دولت به مخارج خويش افزايش مى‌دهد به همان ميزان سطح اشتغال افزايش مى‌يابد.

کلیدواژه‌ها: مخارج دولت، ماليات، سطح اشتغال، سياست مالى و نرخ بيکارى

Abstract

In the present study, we conducted an analysis of the impact of comparative fiscal policy tools on the employment level in Afghanistan from 2006 to 2018. We used a regression model with the least squares method and examined time-series data obtained from the World Development Indicators website. The findings of our research, with a significance level of 0.05, indicate that the comparative fiscal policy tools, namely government expenditures and taxes, did not have a significant effect on the employment level during this period. This means that the government's spending and taxation policies did not meaningfully contribute to increasing employment or reducing unemployment in the country during those years. However, it is important to note that the unemployment rates of previous years had a significant negative impact on the current unemployment rate and economic growth, while also having positive effects on the employment level. In other words, higher unemployment rates in the preceding years resulted in higher current unemployment rates and slower economic growth, but they also had a positive influence on the employment level. Furthermore, it is worth mentioning that regardless of the level of confidence, government expenditures have consistently led to an increase in the employment level. This implies that any increase in government spending corresponds to a proportional increase in the employment level.

Keywords: Government Expenditure, Taxes, Employment Level, Fiscal Policy and Unemployment Rate

مقدمه

میزان حضور و نوع مداخله دولت در اقتصاد، همواره یکی از مباحث چالش برانگیز در بین اقتصاددانان بوده است؛ اما آنچه باید بدان توجه داشت این است که ریشه مباحث مطرح شده در موافقت و یا مخالفت با چگونگی حضور دولت در اقتصاد، اختلاف نظر درباره آثار برجای مانده از مداخله دولت در اقتصاد است. عوامل مختلف ضرورت مداخله دولت را در فعالیتهای اقتصادی ایجاب کرد. مداخله دولت در اقتصاد با اتخاذ سیاستهای مختلف مالی که تصمیم گیرنده و مجری آنها به طور مستقیم دولت است انجام می پذیرد. تأثیرات اجرای این سیاستها بر اقتصاد با توجه به فرضهای در نظر گرفته شده برای اقتصاد، متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر، اختلاف موجود در خصوص حجم دولت و نوع مداخله آن

در مکاتب اقتصادی به فرض‌های برمی‌گردد که هر کدام در خصوص بازارهای مختلف اقتصادی در نظر می‌گیرند. (ستایش، هدیه و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۵-۱۰۹)

عملکرد سیاست‌های مالی توسط دولت همواره یکی از موضوعات مورد بحث در اقتصاد کلان بوده است. سیاست‌گذاران اقتصادی در هر جامعه‌ای با سیاست‌های پولی و مالی قادر اند تا اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهند. پولیون ادعا می‌کنند: «از انجایی که شوک‌های مالی مثبت ممکن است با واکنش‌های غیر منتظره از طرف بخش خصوصی مواجه شوند؛ لذا به میزان زیادی، اثرات خود را از دست می‌دهند و در حقیقت واکنش‌های بخش خصوصی، ممکن است باعث از بین بردن آثار سیاست‌های مالی دولت شوند.» سیاست‌های مالی (انبساطی و انقباضی) بعضاً کاهش مالیات و سیاست کسر بودجه و بعضاً افزایش مالیات و کاهش مخارج دولت؛ به منظور مبارزه با تورم فقط در شرایطی کارایی دارند که با تغییرات مناسبی در حجم پول همراه شوند؛ درحالی‌که مالیون معتقدند با سیاست‌های مالی می‌توان سطح اشتغال و قیمت‌ها را کنترل کرد. طرفداران مکتب کینز به این باور اند که سیاست مالی می‌تواند در کوتاه مدت وضعیت اقتصادی را نجات دهد. بحث این که دخالت دولت در اقتصاد تا چه حد می‌تواند بر ارتقاء کمی و کیفی نظام اقتصادی تأثیرگذار باشد، سال‌هاست که مورد بحث و بررسی بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی قرار گرفته است. در میان این مباحث، مسئله اصلی این است که آیا سیاست مالی انبساطی و انقباضی در شرایط مختلف اقتصادی می‌تواند به نحوه موثر و مداوم متغیرهای کلان را تحت تأثیر قرار دهند؟ در مورد تأثیرگذاری ابزار سیاست‌های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی صرف نظر از اینکه از مکانیزم آن به طور کامل آگاهی داشته باشیم یا خیر و یا اینکه این سیاست در چه کشوری از نظر درجه توسعه‌یافتگی و نیافتگی اجرا می‌شود، توافق وجود دارد. (زاده، ۱۳۹۴: ۳۹-۵۰)

در بررسی اثرات سیاست‌های مالی و مالیاتی بر عملکرد اقتصادی می‌توان از رویکرد کلاسیکی، کینزی و ریکاردویی نام برد. در رویکرد کلاسیکی، سیاست‌های مالی و تعادل در بودجه، اثرات برون‌رانی بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارد. در رویکرد کینزی سیاست مالی باعث درون‌رانی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود. رویکرد سوم، مبتنی بر اصل برابری ریکاردویی است و بیانگر این است که سیاست مالی و کسری بودجه بر سرمایه‌گذاری خصوصی اثرگذار نیست. بنابراین، اثرات سیاست مالی و مالیاتی دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی به حوزه‌ای که دولت در آن سرمایه‌گذاری می‌کند و نحوه تأمین کسری بودجه بستگی دارد. (ایزدخواستی و عرب مازار)

در قدم اول اشتغال یک واقعیت اقتصادی و اجتماعی است. هرگونه سیاستی که مخالف با منطق اقتصادی اشتغال و افزایش بهره‌وری نیروی کار باشد، پیشاپیش شکست خورده محسوب می‌شود. در گام دوم دولت‌ها با استفاده از نیروی فعال تلاش به خرج می‌دهند که جهت تأمین بودجه از سیاست جذب سرمایه‌گذاری استفاده نمایند که در افغانستان نیز این رابطه طی سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۷ مثبت و معنادار بود. (Tayeb & Wadhwa, 2020)

یکی از مباحث که در محور نظریات مربوط به سیاست مالی قابل غور است، رابطه میان ابزار تطبیقی سیاست مالی و سطح اشتغال می‌باشد؛ اینکه آیا یک سیاست مالی انبساطی (افزایش مخارج دولتی یا کاهش مالیات) و یا یک سیاست مالی انقباضی (کاهش مخارج دولتی یا افزایش مالیات) می‌تواند نمایانگر یک رابطه معنادار بین سیاست مالی و میزان اشتغال باشد؟، از دیر باز مورد اختلاف نظر بین صاحب‌نظران و اقتصاددانان قرار گرفته است. بعضی به این باوراند که افزایش مخارج دولت باعث کاهش در جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد و بدین ترتیب این گونه سیاست مالی تأثیرات معنادار و مثبت را ندارد. (Tayeb & Wadhwa, 2020) بعضی به این باور اند که افزایش مخارج دولت موجب به

وجود آوردن تورم در وضع اقتصادی می‌گردد، قیمت بلند باعث کاهش تقاضا گردیده که در نتیجه تولید کاهش می‌یابد و تأثیرات منفی بر تصدی‌ها می‌گذارد. از سوی دیگر استخدام نیز کاهش خواهد نمود. عده‌ای هم به این باوراند که با افزایش مخارج دولت یا کاهش مالیات تقاضای کل را حمایت می‌کند و این افزایش تقاضای کل باعث افزایش قدرت خرید گردیده و تولید را افزایش می‌بخشد که در نتیجه آن بیکاری کم گردیده و عاید ملی نیز افزایش می‌یابد. اینکه ابزار تطبیقی سیاست مالی چگونه تأثیر بر این معضل خواهد داشت و تا چه حد در کنترل آن نقش بازی خواهند کرد. این یکی از پرسش‌های است که در ذهن اکثر از محققین اقتصادی خطور کرده و توجه آن‌ها را به خود جلب نموده است.

در تحقیق حاضر به جواب این سؤال پرداخته شد است که ابزار تطبیقی سیاست مالی بر سطح اشتغال در افغانستان طی سال‌های (۲۰۰۶-۲۰۱۸) چگونه تأثیر دارد؟ ابزار سیاست مالی نظیر مصارف دولت و مالیات طی سال‌های مذکور روی اشتغال چگونه تأثیرات دارد؟ در صورت داشتن تأثیر معنادار جهت تأثیر آن به کدام جهت است؟ یعنی دارای تأثیر مثبت است یا منفی؟ چند درصد سیاست مالی می‌تواند میزان بیکاری را تحت تأثیر قرار دهد؟ و یا متغیر توضیحی (سیاست مالی) متغیر وابسته (سطح اشتغال) را چند درصد می‌تواند تشریح کند؟

بنابر اهمیت موضوع و اساسی بودن آن در این اواخر مخصوصاً طی دو و یا دو نیم دهه اخیر توجه زیادی بر این مسئله معطوف شده و تحقیقات فراوانی پیرامون رابطه سیاست مالی و بیکاری انجام شده است. البته با توجه به تکاپو و دانش اندک محقق، تا کنون هیچ تحقیقی در افغانستان در خصوص این موضوع موجود نبوده و بنا بر این، نیاز است تا افزون بر تحقیق حاضر، مطالعاتی بیشتری در این مورد انجام یابد. با در نظر داشت مطالب فوق، بقیه موضوعات تحقیق حاضر طوری تنظیم گردیده که: در بخش دوم داده‌ها و مدل تجربی تحقیق تصریح شده اند،

بخش سوم بیانگر تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق بوده و در بخش چهارم، تحقیق حاضر را جمع‌بندی خواهیم کرد.

داده‌ها و مدل تحقیق

داده‌های تحقیق

داده‌های استفاده شده در تحقیق حاضر داده‌های زمانی بوده و در مورد افغانستان طی سال‌های (۲۰۱۸-۲۰۰۶) میلادی می‌باشد. مصارف دولت، مالیات و تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرهای مستقل یا تخمین‌زن مدنظر گرفته شده است که از وبسایت شاخص توسعه جهانی^۱ دریافت شده اند. میزان اشتغال در افغانستان طی سال‌های مذکور به عنوان متغیر تابع یا پیشبینی کننده یاد شده اند که داده‌ها آن نیز از وبسایت توسعه جهانی تحصیل شده است.

مدل تحقیق

در تحقیق حاضر نظر به ماهیت عنوان آن اولاً مدل ریگرسیون خطی کلاسیک بر مبنای روش حد اقل مربعات^۲ به بررسی گرفته می‌شود. ثانیاً جهت صحت مدل و استنتاج منطقی از آن آزمون‌های مختلف نظیر ADF-Test، P-P Test، Heteroscedasticity، Cusum Test و Serial Correlation استفاده صورت می‌گیرد. ولی برای ارایه پاسخ به معضل تحقیق از پارامترها و تخمین‌زن‌ها و سایر آزمون‌ها نظیر F-Stat و P-Value استفاده به عمل می‌آید. به منظور استنتاج دقیق در این تحقیق، مدل مستفاد در تحقیق به شکل زیر تصریح می‌شود:

$$U = \alpha_0 + \alpha_1(\text{Gov E}) + \alpha_2(T) + \alpha_3(\text{GDP}) + UI$$

U میزان بیکاری و به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و Gov E به

1. World Development Indicator (WDI)

2. Ordinary Least Square (OLS)

معنی مخارج دولت، T مالیات و GDP تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیرین مستقل و تشریح کننده در نظر گرفته شده است. همچنین UI تأثیرات جمعی و کلی سایر متغیرین که در مدل در نظر گرفته نشده است می باشد.

آزمون‌های مربوط به صحت مدل تحقیق

آزمون مانایی: قبل از تخمین پارامترهای تحقیق ضرور پنداشته می شود که برای دقت موضوع آزمون واحد ریشه^۱ انجام شود، برای این آزمون از ADF^2 و $P-P^3$ استفاده صورت می گیرد. نتایج حاصله این آزمون در سطح ۰.۰۵ نشان می دهد که برای مخارج دولت و مالیات از مانایی برخوردار است؛ ولی برای رشد اقتصادی و میزان بیکاری از مانایی برخوردار نیست.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد

متغیرها				آزمون
نرخ بیکاری	مالیات	مخارج دولت	رشد تولید ناخالص داخلی	
۰۰۵.۰۰	۰۰۵.۰۰	۰۳۵.۰۰	۸۶۳.۰۰	ADF
0.106	0.009	0.004	0.945	P_P

جدول فوق (شماره ۱) نشان می دهد که نرخ بیکاری و رشد تولید ناخالص داخلی از مانایی و ثبات برخوردار نیست؛ بنابراین، نیاز است تا در سطح ۰.۰۵ و به استفاده از تفاوت دوم آن را به مانایی تبدیل نماییم که جدول زیر همین موضوع را واضح می سازد:

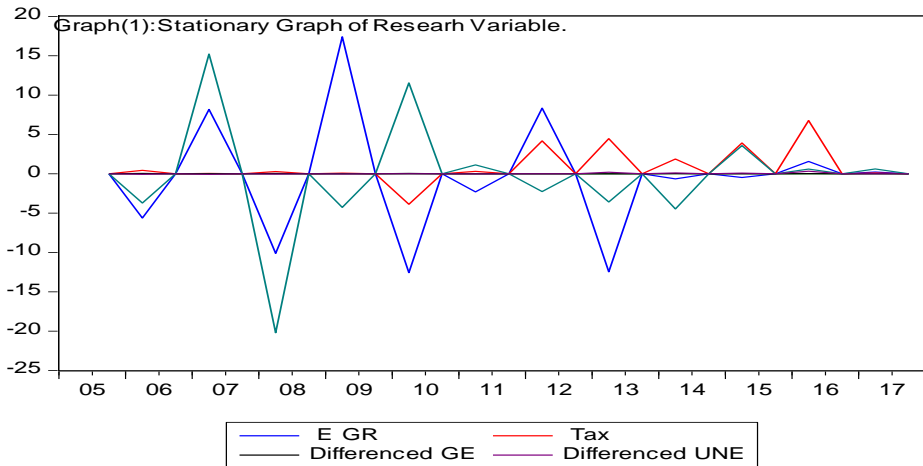
جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد به استفاده از تفاوت دوم

متغیرها		آزمون
نرخ بیکاری	رشد تولید ناخالص داخلی	
۰۰۰.۰۰	۰۰۰.۰۰	ADF

1. Unit Root
2. Augmented Dickey-Fuller
3. Philips Perron

...	...	P_P
-----	-----	-----

جدول فوق نشان می‌دهد که متحولین مربوطه به مانایی تبدیل گردید، که در گراف نیز می‌توانیم آن را به نمایش بگذاریم. گراف ذیل بیانگر ایستاء بودن متحولین است.



پس با در نظر داشت موارد مطرح شده فوق مدل تحقیق خویش را باید طوری ذیل تعدیل کرد:

$$U = \beta_0 + \beta_1(T) + \beta_2(G \text{ Exp}) + \beta_3(GDP)t-2 + \beta_4(U)t-2 + UI$$

همچنین یکی از ویژگی‌های مدل مناسب تحقیق این است که، از یک سوی میان باقی مانده‌ها خودهمبستگی سریالی وجود ندارد^۱ و از سوی دیگر باقی مانده‌ها دارای واریانس همسان هستند^۲.

جدول (۳): نتایج آزمون خود همبستگی میان باقی مانده‌ها

مقدار احتمال	کای مربع	فرضیه صفری
۰۵ .۰	۴۵ .۰	میان باقی مانده‌ها خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.

1. There is no serial correlation in the residuals
2. The Residuals are homoscedastic

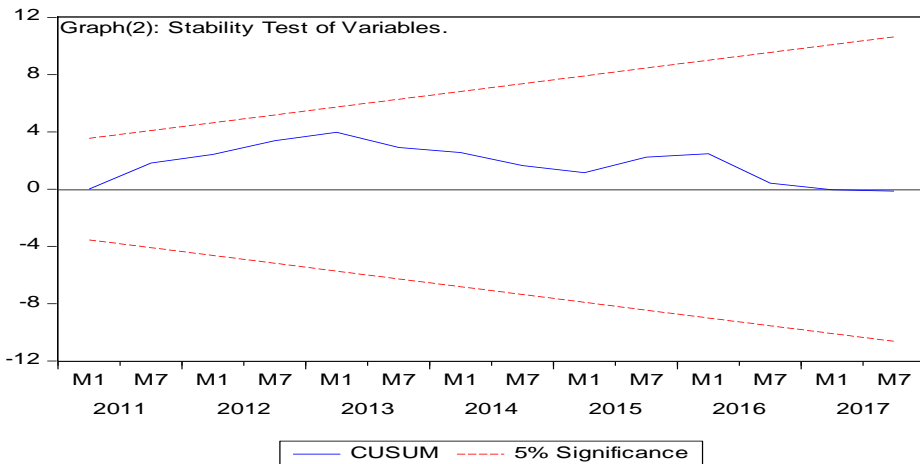
جدول فوق بیانگر نتیجه آزمون لاگرانج بورش گادفری برای انتخاب مُدل مناسب از میان مُدل‌های تحقیق است که در آن ارزش احصائیوی کای مربع قرار ۰.۰۴۵ و بزرگتر از ارزش الفاء (۰.۰۵) بوده و با این وصف نمی‌توان فرضیه صفری را رد کرد.

جدول(۴): نتایج آزمون همسان بودن واریانس باقی مانده‌ها

مقدار احتمال	کای مربع	فرضیه صفری
۰.۰۵	۱۷.۰	باقی مانده‌ها دارای واریانس همسان هستند.

جدول فوق بیانگر نتیجه آزمون لاگرانج بورش گادفری برای انتخاب مُدل مناسب از میان مُدل‌های تحقیق است که در آن ارزش احصائیوی کای مربع قرار ۰.۰۱۷ و بزرگتر از ارزش الفاء (۰.۰۵) بوده و با این وصف نمی‌توان فرضیه صفری را رد کرد.

قابل تذکر می‌دانم که یکی از فرضیه‌های مُدل مناسب تحقیق ثبات مُدل ریگرسیون است که برای این موضوع از آزمون کاشم استفاده به عمل آمده است که نتایج آن در گراف ذیل ارایه شده است.



تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

جهت تحلیل داده‌ها و استنتاج منطقی در این تحقیق، از روش حد اقل مربعات معمولی استفاده به عمل آمده است، که در خصوص دریافت استنتاج منطقی از داده‌های زمانی مناسب‌ترین روش پنداشته می‌شود.

جدول (۵): نتایج تحلیل ریگرسیون روش حد اقل مربعات

مقدار احتمال	احصائیه تی	خطای معیار	ضریب زاویه	متغیر وابسته: سطح اشتغال
۱۷۷.۰	۳۸۴.۱	۰۶۱.۰	-۸۵۳.۰	Tax
۲۸۰.۰	۰۹۹.۱	۰۵۶.۰	۰۶۲.۰	Gov Expenditure
۰۰۰.۰	۱۹۴.۴	۰۱۱.۰	۰۴۷.۰	GDP (-2)
۰۰۰.۰	۳۲۲.۸	۱۳۶.۰	-۱۳۳.۱	UNE (-2)
۰۰۰.۰	۹۵۲.۳	۸۶۸.۰	۴۳۴.۳	عرض از مبدا

از جدول فوق در می‌یابیم که سیاست مالی در افغانستان تأثیر معنادار را روی میزان بیکاری نداشته؛ زیرا با در نظر داشت ۹۵٪ اطمینان نتایج آن از معنادار بودن برخوردار نیست. اما سطح اشتغال ناشی از سیاست مالی در افغانستان مثبت است؛ چون مالیات می‌تواند با افزایش منجر به افزایش بیکاری در کشور گردد و همچنان مخارج دولت نیز می‌تواند تأثیر منفی بر بیکاری داشته باشد که با افزایش آن منجر به کاهش بیکاری می‌گردد. از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که سیاست مالی با استفاده از ابزارهای مالیات و مخارج دولت در افغانستان با در نظر داشت اطمینان ۰.۰۵ از کارایی معنادار برخوردار نبوده و دلیل آن هم در بخش مالیات می‌تواند مالیات غیر مستقیم باشد که بار مالیات بر مردم عام حمل می‌گردد. چون افغانستان از اقتصاد تولیدی بنا بر دلایل مختلف دور مانده است. پس سیاست مالی از مجرای مالیات معنادار بوده نمی‌تواند تا دولت بر تصدی‌ها فشار وارد نماید و سطح خرید مردم کاهش یابد و منجر به افزایش بیکاری گردد و از سوی هم دولت اگر مالیات خویش را کاهش دهد قدرت خرید افراد و

اشخاص بلند رفته که خود باعث افزایش واردات می‌گردد؛ ولی بنابر نبود تصدی‌ها تولیدی، کاهش در نرخ مالیات نمی‌تواند سطح استخدام را کاهش دهد. از سوی هم دولت افغانستان مخارجی را که به مصرف رسانده است، بیشترین قسمت آن در بخش نظامی و غیر مولد بوده که این خود نشان دهنده عدم معنادار بودن سیاست مالی از مجرای مخارج دولت بوده و افزایش و کاهش آن به اندازه سطح اطمینان تعیین شده نمی‌تواند بر میزان بیکاری تأثیرگذار باشند.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر با استفاده از مدل ریگریسیون‌ی روش حداقل مربعات در افغانستان تحلیل تأثیرات ابزار تطبیقی سیاست مالی را روی سطح اشتغال طی سال‌های ۲۰۰۶ الی ۲۰۱۸ را مورد آزمون تجربی قرار دادیم. یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر این است که با در نظر داشت ۹۵٪ سطح اطمینان، افزایش نرخ مالیات بر نرخ بیکاری تأثیر معنادار مثبت بر نرخ بیکاری نداشته است و همچنان افزایش مخارج دولت تأثیر معنادار منفی بر نرخ بیکاری نداشته؛ اما رابطه بین سیاست مالی و نرخ بیکاری بدون در نظر داشت سطح اطمینان ۹۵٪ یک رابطه خوب است. چون در پهلوی ابزارهای سیاست مالی یک متغیر کمکی را که عبارت از تولید ناخالص داخلی بود در نظر گرفته شد که خود تولید ناخالص داخلی تأثیر معنادار بر نرخ بیکاری داشته است و توانسته است بیکاری را کاهش ببخشد.

سرچشمه‌ها

- ایزدخواستی، ح. و عرب مازار، ع. (بدون تاریخ). تحلیل اثرات سیاست‌های مالی و مالیاتی کارآمد بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران. تکس.
- تفضلی، ف (۱۳۹۱) *تاریخ نظریات اقتصادی*. تهران: نشرنی.
- زاده، م. ر (۱۳۹۴) ارزیابی اثرات سیاست‌های مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران. *اقتصاد کسب و کار*، ۳۹-۵۰.

- ستایش و فولادی (۱۳۹۲) مطالعه آثار سیاست‌های مالی بر اشتغال و خانوارها در ایران: رهیافت مدل تعادل عمومی. فصلنامه علمی پژوهشی، ۸۵-۱۰۹

- مینکیو، گ (۲۰۰۹) کلیات علم اقتصاد (نسخه ۵). (ح. رضارباب، مترجم) نیویارک. بازیابی ۱۷۳، ۲۰۲۲.

- نظامی، ح (۱۳۹۹) لوی اقتصاد (نسخه دوم). جلال آباد، افغانستان: مومند. بازیابی ۲۰۲۲ ۳.

- Athanasios Tagkalakis. (2013). The Unemployment Effets of Fiscal Policy: Recent Evidence from Greece. *IZA Journal of European Labor Studies*. Retrieved 3 2022, from <http://www.izajoels.com/content/2/1/11>.
- Battaglini, M. , & Coate, S. (200). Fiscal Policy and Unemployment. p. November. Retrieved 2022, from <http://www.nber.org/papers/w17562>.
- Cottarelli, C. (2012). *Fiscal Policy and Employment in Advanced and Emerging Economics*. IMF, Department of Fiscal Affair. Retrieved 2022.
- Kothari, C. R. (2001). *Research Methodology Methods and Techniques*. New Delhi: New Age International(P) Ltd. Retrieved April 10, 2022, from www.newagepublishers.com.
- Mankiw, M. N. (2005). *Macro Economics* (7th ed.). New York: Catherine Woods and Craing Bleyer. Retrieved 3 11, 2022, from [worthpublishers.com](http://www.worthpublishers.com).
- Mohamed Omran, E. , & Bilan, Y. (2020). The Impact of Fiscal Policy on Unemployment Rate on Egypt. *Montengrin Journal of Economics*, 16(4), 199-209. doi:10.14254/1800-5845/2020.16-4.16.
- Onwuka, C. E. (2021). The Impact of Fiscal and Monetary Policy on Unemployment Rate in Nigeria(1981-2020). *SSRN*. Retrieved 3 7, 2022, from <http://ssrn.com/abstract=3959996>.
- Sekaran, U. (2003). *Research Methods For Business* (4th ed.). New York, United State of America: john wiley &

sons,Inc. Retrieved 3 8, 2022, from <http://www.wiley.com/college>.

- Tayeb, M. B. , & Wadhwa, B. (2020). Determinants Of Foreign Direct Investment Inflows in Afghanistan. *International Journal of Modern Agriculture*, 9(3), 1379-1401.
- Unal, U. (2017, Sep 18). The Unemployment Effects of Fiscal Policy in Netherlands. *MPRA*. Retrieved 2 2022, from <http://mpa.ub.uni-muenchen.de/81433/>.
- Veera, P., & Chandran, V. (2009). Research Method Book- A Simple Business Undergraduates. Shah Alam UPENA.

بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی

(مطالعه موردی محصلان سمستر خزانگی ۱۳۹۵ پوهنتون دعوت)

احمد فواد امیری*

*عضو کادر علمی پوهنځی اقتصاد پوهنتون دعوت

Ahmadfawad.amiri.2009@gmail.com

چکیده

بلند بودن سطح سواد و تحصیلات یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز بوده و نیز نقش تحصیلات والدین در تربیت فرزندان نهایت مهم و کارساز می‌باشد. بنابر این، در تحقیق کنونی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی با مطالعه موردی محصلان سمستر خزانگی سال تحصیلی ۱۳۹۵ هـ ش پوهنتون دعوت، بررسی شده است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی بوده و اطلاعات آن با استفاده از شیوه میدانی جمع‌آوری شده است. این تحقیق با استفاده از احصائیه تشریحی، استنباطی، مدل اکونومتری و برای تخمین پارامترها از میتود (OLS) استفاده شده و فرضیه‌های تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی مورد آزمون قرار گرفته است. پرسش محوری تحقیق حاضر این است که «آیا سطح سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان تأثیر دارد؟». جامعه آماری در این تحقیق محصلان سمستر خزانگی سال تحصیلی ۱۳۹۵ هـ ش پوهنتون دعوت بوده که تعداد آن‌ها به ۲۲۱ تن می‌رسید. نمونه‌ها به شکل تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار اکسیل و الفای کرانباخ سنجش و در نهایت به وسیله گراف‌ها و نرم‌افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. الفای کرومباخ محاسبه شده این تحقیق ۰.۸۱۹ بوده و از ۰.۶ بیشتر بوده و معنا دارد که پرسشنامه و پرسش‌های طرح شده در آن از اعتبار فوق العاده خوبی برخوردار است. نتایج به دست آمده از این تحقیق براساس داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که درجه تحصیلی پدر و مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، تشویق و تهیه

تحفه (تشویق) و تشکری از آن‌ها تأثیر مثبت و طوری کهی در پیشرفت تحصیلی دارد و مدل نهایی تحقیق با سطح اطمینان ۹۰٪ تأیید گردیده و ۷۲. ۳۹٪ تغییرات را که ناشی از متحولین مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می‌کند.

کلید واژه‌ها: پیشرفت تحصیلی، تحصیلات والدین، محصلان، پوهنتون دعوت

Abstract

The importance of education and literacy is one of the key factors in human progress in today's world. Furthermore, the role of parental education in the upbringing of children is of utmost importance and effectiveness. This research investigates the influence of parental literacy levels on academic progress through a case study of students in the autumn semester of the academic year 1395 H at Dawat University. The research is applied in terms of its objective, and the information is gathered through field research methods. Descriptive, inferential, and econometric modeling statistics, using Ordinary Least Squares (OLS) method for parameter estimation (betas), are employed, and the research hypotheses are tested using descriptive-analytical approach. The central question of this research is, "Does the level of parental literacy have an impact on academic progress?" The study population consists of students enrolled in the autumn semester of the academic year 1395 H at Dawat University, with a total of 221 participants. The samples were randomly selected. The collected data were analyzed using Excel, Alpha Cronbach's reliability test, and finally interpreted through graphs and EViews software. The calculated Cronbach's Alpha for this research is 0.819, which is greater than 0.6 and statistically significant, indicating that the questionnaire and the formulated questions have excellent reliability. The results obtained from this research, based on the collected data, demonstrate that the educational level of parents, parental involvement in solving academic problems, encouragement and provision of incentives, and expressing gratitude have a positive impact on academic progress. The final model of the research has been validated with 90% confidence level and explains 39.72% of the variations, assuming the other influential factors as constant.

Keywords: Academic Progress, Parental Education, Students and Dawat University.

بیان مسئله

موفقیت و پیروزی در تحصیل و یادگیری به عوامل گوناگونی بستگی دارد و این عوامل در مجموع شامل عوامل فردی، جمعی، خانوادگی، محیطی، آموزشگاهی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌باشد که از محیط خانواده شروع می‌شود. دانشمندان روان‌شناسی خانواده را - که پدر و مادر نیز شامل آن می‌باشد- به عنوان یکی از نهادهای مهمی دانسته‌اند که زمینه‌ساز برای اجتماعی شدن فرزندان می‌باشد و نیز فضای خانواده قطعاً در محیط آموزشی بالای رشد افراد تأثیر دارد. اغلب والدین تحصیل کرده از موقعیت اجتماعی مطلوبی بهره‌مند هستند. برخورداری پدر و مادر از موقعیت اجتماعی مناسب، به نوبه خود بر روی نگرش فرزندان، احساس امنیت و اعتماد به نفس آن‌ها، نقش مؤثری دارد و در نتیجه چنین فرزندان به‌تر می‌توانند با محیط اطراف خود ارتباط برقرار کنند. در این میان شناخت علل رشد تحصیلی و بیشتر یادگیری از جمله تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی محصلان یکی از موضوعات مهم و قابل بحث است حوزه آموزش و پرورش به شمار می‌رود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این پژوهش در آن است که با شناخت عمیق و بیشتر چگونگی عوامل تأثیرگذار از جمله سطح سواد والدین بالای پیشرفت تحصیلی محصلان با مطالعه موردی محصلان سال ۱۳۹۵ هـ. ش پوهنتون دعوت، می‌توان یافته‌های تحقیق حاضر را به سایر پوهنتون‌ها و مراکز آموزشی تعمیم داد تا با ارائه راه حل‌های مناسب جهت رفع یا بهبود مشکلات تحصیلی تلاش شود. بنابراین، با توجه به آنچه در بیان مسئله و اهمیت تحقیق مطرح شد، ضرورت است تا روی نقش و تأثیر سطح سواد و تحصیلات والدین بر رشد تحصیلی تحقیق علمی صورت بگیرد، تا در قدم اول به اثبات برسد که آیا سطح سواد والدین می‌تواند یک عامل پیشرفت

تحصیلی محصلان باشد و دوم خلاهای موجود در زمینه در نهادهای تحصیلی افغانستان تکمیل شود.

پرسش تحقیق

پرسش اصلی و محوری تحقیق کنونی از این قرار است: «آیا سطح سواد والدین در پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد؟».

پرسش‌های فرعی تحقیق عبارت اند از:

۱. تأثیر سطح سواد پدر بالای پیشرفت تحصیلی به چه اندازه است؟
۲. تأثیر سطح سواد مادر بالای پیشرفت تحصیلی به چه اندازه است؟
۳. تأثیر کمک والدین در پیشرفت تحصیلی به چه اندازه است؟
۴. تأثیر تشویق والدین در پیشرفت تحصیلی به چه اندازه است؟
۵. تأثیر میزان مطالعه والدین در پیشرفت تحصیلی به چه اندازه است؟
۶. تأثیر همکاری والدین با نهاد تحصیلی در پیشرفت تحصیلی آنها به چه اندازه است؟

فرضیه تحقیق

فرضیه‌های تحقیق حاضر به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یعنی فرضیه‌های فرعی و مشترک که به شکل جداگانه در زیر مطرح می‌شود.

فرضیه‌های فرعی تحقیق کنونی با در نظر داشت پرسش اصلی تحقیق و متغیرهای مستقیم و تأثیرگذار در امر رشد تحصیلی محصلان به گونه زیر چنین مطرح می‌شود:

- محصلانی که والدین آنها از سطح سواد بلند برخوردارند دارای پیشرفت تحصیلی بالایی هستند.
- نگرش و همکاری والدین به نهادهای تحصیلی در پیشرفت تحصیلی مؤثر است.

- توجه والدین به حل مشکلات محصلان در پیشرفت تحصیلی آن‌ها مؤثر است.
 - بین تشویق والدین به فرزندان جهت درس خواندن و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان مطالعه والدین و پیشرفت تحصیلی محصلان رابطه وجود دارد.
- فرضیه مشترک تحقیق به شکل فرضیه‌های اکونومتریکس به شرح ذیل می‌باشد:
۱. فرضیه صفری (H_0): میان میزان تأثیرگذاری عواملی چون درجه تحصیلی پدر و مادر، خریداری تحفه (تشویق محصل)، تشکری و همکاری والدین با نهاد تحصیلی، بالای پیشرفت تحصیلی محصلان، تفاوت ندارد.

$$H_0: \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 = \dots = \beta_n = 0$$

۲. فرضیه الترناتیف (H_a): به نظر می‌رسد که میان میزان تأثیرگذاری عواملی چون درجه تحصیلی پدر، درجه تحصیلی مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، خریداری تحفه (تشویق)، تشکری و همکاری والدین با نهاد تحصیلی آن‌ها بالای پیشرفت تحصیلی محصلان، تفاوت وجود دارد.

$$H_a: \beta_2 \neq, \beta_3 \neq, \beta_4 \neq \dots, \beta_n \neq 0$$

هدف تحقیق

- هدف از انجام تحقیق به دو بخش تقسیم می‌شود، هدف اصلی و اهداف فرعی.
- هدف اصلی تحقیق:** بررسی تأثیر سطح سواد والدین بالای پیشرفت تحصیلی می‌باشد.

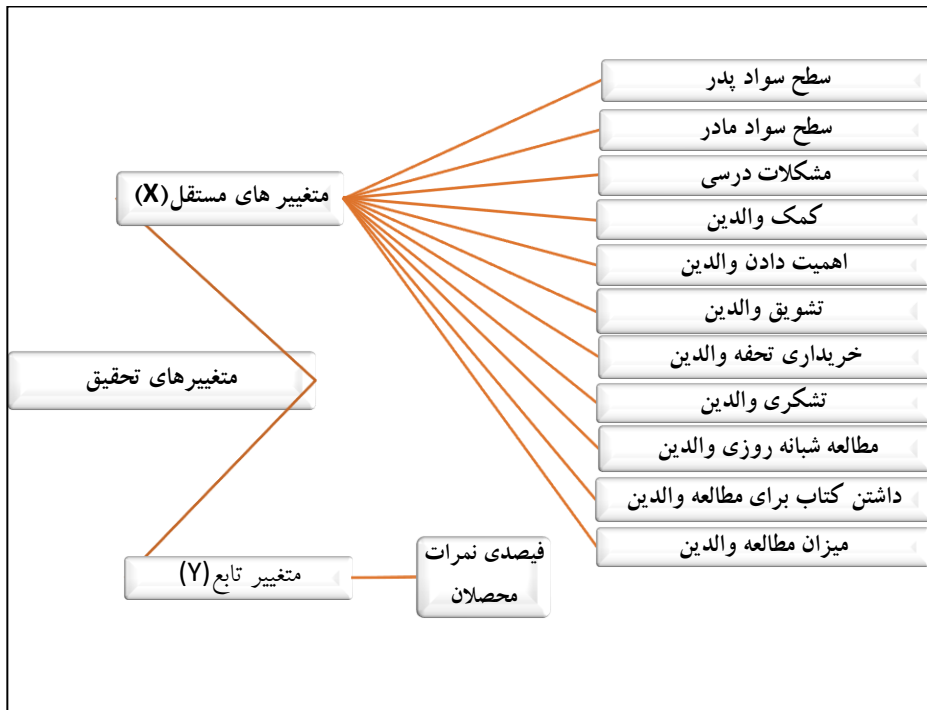
اهداف فرعی تحقیق: عبارت اند از:

۱. آزمون و اثبات درست و عدم درست بودن فرضیات تحقیق؛
۲. دریافت عواملی که در پیشرفت تحصیلی بیشتر مؤثر است؛
۳. تعیین میزان تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای این تحقیق به دو بخش تقسیمات شده؛ یعنی متغیر تابع (وابسته) عبارت از پیشرفت تحصیلی محصلان می‌باشد و متغیرهای مستقل (تأثیرگذار) که عبارت از درجه تحصیلی پدر، درجه تحصیلی مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، خریداری تحفه (تشویق)، تشکری و همکاری والدین با نهاد تحصیلی می‌باشد.

نمودار متغیرهای تحقیق را به طور فشرده می‌توان قرار ذیل ملاحظه نمود که به خوبی ارتباط میان متغیرهای مستقل و متغیر تابع را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱: متغیرهای تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی است. برای جمع آوری اطلاعات علاوه بر پرسشنامه از کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و... استفاده شده است؛ لذا تحقیق حاضر

میدانی بوده و با استفاده از احصائیه تشریحی، استنباطی، مدل اکونومتری و برای تخمین پارامترها (بیتاها) از میتود (OLS)^۱ استفاده شده و فرضیه‌های تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی مورد آزمون قرار می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم افزار اکسیل الفبا کرانباخ آن سنجش و در نهایت به وسیله گراف‌ها و نرم افزار ایویوز مورد تجزیه و تحلیل می‌شود.

حجم نمونه به اساس فورمول
$$n = \frac{N}{1 + N * \alpha^2} = \frac{4000}{1 + 4000 * 0.1^2} = 98$$
 به تعداد ۹۸

نفر از جامعه آماری که محصلان سمستر خزانگی سال ۱۳۹۵ پوهنتون دعوت می‌باشد، تعیین گردیده است.

مشکل اصلی تحقیق حاضر در بخش جمع‌آوری داده‌های لازم، عدم همکاری در قسمت خانه‌پری پرسشنامه، پی نبردن به اهمیت والای تحقیق که در نتیجه عده‌ای از پاسخگویان محترم یا هم به بی‌پروایی جواب داده‌اند و یا هم به پرسش‌های مطرح شده به طور کامل جواب ارایه نکردند. این امر باعث شد تا نمونه‌ای گردآوری شده‌ای ما اضافه‌تر از آن تعدادی باشد که توسط فورمول محاسبه گردیده است.

مدل‌های تحقیق: در این تحقیق از مدل‌های رگرسیونی ذیل استفاده صورت گرفته است:

مدل رگرسیونی خطی ساده که با استفاده از این مدل تأثیرات هر یکی از عوامل به طور جداگانه با فرض ثابت بودن سایر عوامل بالای پیشرفت تحصیلی محصلان بررسی گردیده است.

$$Y = \beta_1 X + \beta_2 + \dots$$

مدل رگرسیون خطی چند متغیره که با استفاده از این مدل تأثیرات مجموعی و همزمان تمام عوامل (عواملی که در تحقیق در نظر گرفته شده) بالای پیشرفت تحصیلی محصلان بررسی گردیده است.

$$Y = \beta_0 + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \dots + \beta_n X_n + \dots$$

البته عواملی که به طور جداگانه با ثابت فرض نمودن سایر عوامل بالای پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر داشته و دارای سطح معنی دار بوده اند در مدل مجموعی گنجانیده شده و عواملی که سطح تأثیرات آنها نظر به داده‌های جمع آوری شده به طور جداگانه با ثابت فرض نمودن سایر عوامل از سطح معنی دار برخوردار نبوده اند، در مدل مجموعی گنجانیده نشده و از آنها صرف نظر گردیده است.

پیشینه تحقیق

محمودی نسب (۱۳۶۴) به این نتایج دست یافت که ۳۹٪ از متعلمین منفک شده دارای پدران بی سواد و بیش از ۵۰٪ آنها دارای مادران بی سواد بوده اند.

عباس طباطبایی (۱۳۸۵) در تحقیقی پیرامون رابطه سطح تحصیلات والدین و پیشرفت دانش آموزان به این نتیجه رسیده که بین تحصیلات والدین و نمره‌های درسی متعلمین رابطه مستقیم و طوری کهی وجود دارد.

آندرسون (۱۹۸۷) نشان داد که متغیرهای جنسیت، قومیت، تحصیلات پدر، درگیری تحصیلی والدین، احساس تنیدگی برای پیشرفت و مفهوم خود پیش بینی‌های مناسبی برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان هستند.

مائو (۱۹۹۷) رابطه تأثیر والدینی را بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مهاجرین و آمریکایی بررسی کرد. منظور پژوهشگر از تأثیر والدینی عبارت از انتظارات والدین و درگیری تحصیلی والدینی است. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه مهاجرین و آمریکایی‌ها در زمینه اثر والدینی وجود دارد به این معنی که مهاجرین زمان بیشتری را صرف تحصیل و انجام تکالیف درسی دانش آموزان می‌کردند.

اکبری (۱۳۵۶) در تحقیقی دریافته است که بین سطح تحصیلات والدین و ترک تحصیل فرزندان آنها رابطه معکوس وجود دارد. به این صورت که ۷۴ فیصد تحصیل کنندگان در گروه مورد مطالعه دارای پدران بی سواد، ۳۳ فیصد دارای پدران با مدرک ابتدایی و فقط ۱ فیصد مدرک متوسطه داشتند، ۸۹ فیصد مادران نیز بی سواد بودند.

کاووسی (۱۳۸۲) در تحقیقی پیرامون "تأثیر مطالعه والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان" به این نتیجه رسیده است که میزان علایق والدین به مطالعه و توجه به علم از جمله عوامل انگیزشی مؤثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان است؛ یعنی اگر در خانواده والدین به مطالعه پردازند به مرور علاقه دانش آموز به مطالعه نیز افزایش می یابد و این امر باعث می شود فرزندان در امر تحصیل پیشرفت کنند.

شعبانی اصفهانی (۱۳۷۰) در تحقیقی باعنوان "رابطه کم سواد و بی سواد والدین" به این نتیجه رسیده است که نسبت دانش آموزان مردود شده در بین دانش آموزانی که مادر یا پدر بی سواد دارند بسیار بالا بوده و این امر زیان های اقتصادی و مالی فراوانی برای خانواده و جامعه ببار می آورد و باید مسئولین درصدد رفع این نقیصه باشند.

مفاهیم

پیشرفت تحصیلی: هر چند تعاریف متعددی از پیشرفت تحصیلی ارائه شده است. منظور از پیشرفت تحصیلی در این تحقیق یک میزان قرار دادی نمی باشد؛ بل منظور از پیشرفت تحصیلی، موفقیت در امر تحصیل است که می تواند به مهارت در امر خاص یا تخصص در بخشی از دانش منجر شود. در نظام آموزش و پرورش منظور از پیشرفت تحصیلی دستیابی به اهداف آموزشی مورد نظر هر دوره آموزشی است؛ چنانچه به باور «سلیگمن» (۱۹۹۰) پیشرفت تحصیلی یعنی این که اگر سطح مورد انتظار آموزشی برآورده شود، سازمان رشد آموزش و پرورش به اهداف از پیش تعیین شده در برنامه ریزی آموزشی نزدیک تر خواهد شد.

افت تحصیلی: فرهنگ عمید واژه افت را کمبود، کمی و کاست و نقصان معنا کرده است. در فرهنگ معین واژه افت به معنای افتادن، کمبود جنس، کمی و کاست و نقصان می باشد. منظور از افت تحصیلی کاهش عملکرد تحصیلی و درسی محصلان از سطح رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. توجه به این تعریف نشان می دهد که مقایسه و سنجش سطح عملکرد تحصیلی قبلی و فعلی دانش آموز بهترین شاخص افت تحصیلی است. (کوهستانی و همکاران؛ ۱۳۹۲)

یافته های تحقیق

آزمون روایی و پایایی پرسشنامه

پرسشنامه تحقیق هذا در سال تحصیلی ۱۳۹۵ ذریعه محصلین پوهنتون دعوت که در دانشکده های مختلف مصروف تحصیل اند، به ترتیب ذیل خانه پری گردیده است:

جنسیت	تعداد	فیصدی
اناث	۸۱	۶.۳۶
ذکور	۱۴۰	۴.۶۳
مجموع	۲۲۱	۱۰۰

جدول شماره ۱: پاسخ دهندگان پرسشنامه به تفکیک جنسیت
طوری که در جدول فوق دیده می شود به تعداد ۸۱ پرسشنامه که (۶.۳۶٪) می شود توسط محصلات اناث و متباقی ۱۴۰ پرسشنامه که (۴.۶۳٪) می شود توسط محصلان طبقه ذکور خانه پری شده است.

برای اینکه دیده شود، آیا پرسش ها طرح شده پرسشنامه، قابلیت اعتبار را دارد که موضوع تحقیق را توضیح کند یا خیر؟ با استفاده از برنامه اکسپل روایی و پایایی پرسشنامه را مورد آزمون قرار می دهیم و الفاء کرانباخ آنرا ذیلاً سنجش می کنیم.

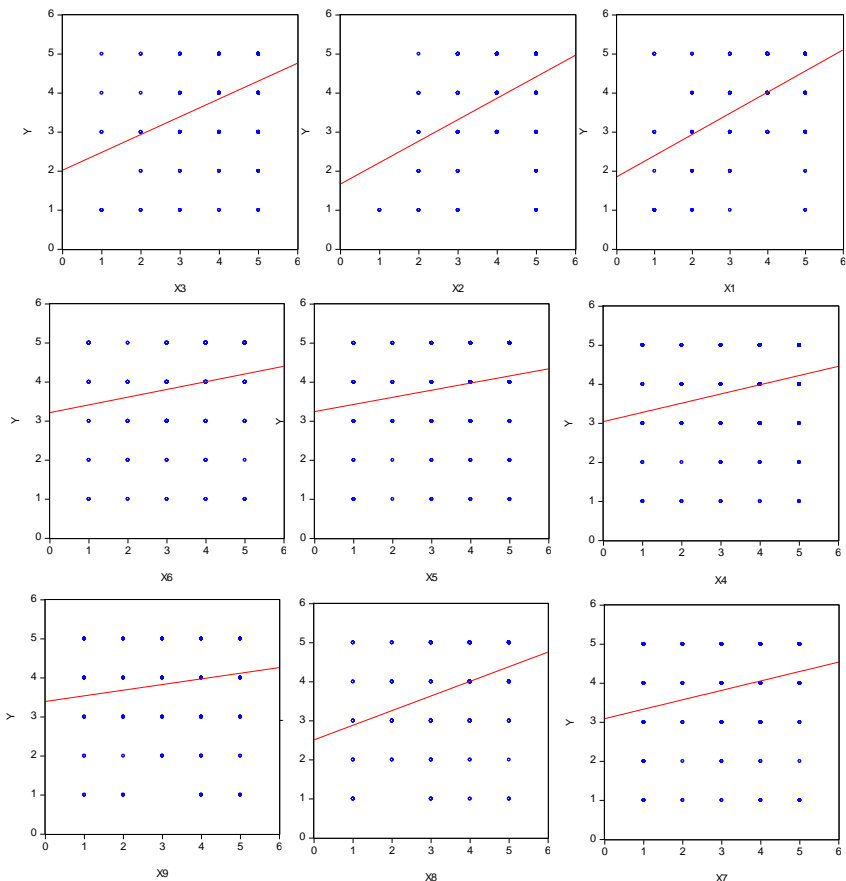
تعداد پرسش‌ها	۱۳
مجموع واریانس‌ها	۲۱.۹۷۷
واریانس	۹۰.۱۲۲
الفاء کرانباخ	۰.۸۱۹

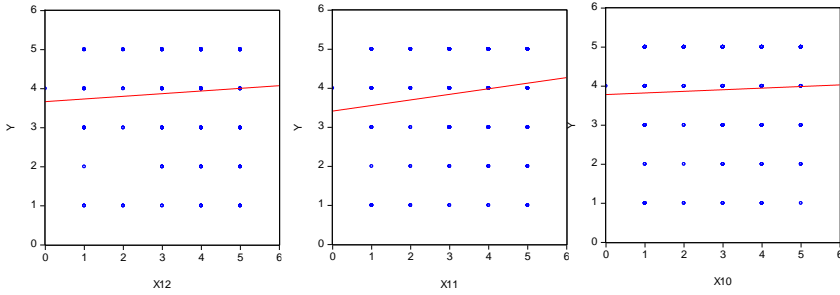
جدول شماره ۲: آزمون روایی و پایایی پرسشنامه

طوری که دیده می‌شود، الفاء کرانباخ محاسبه شده این تحقیق ۰.۸۱۹ بوده و از ۰.۶ بیشتر است، پس پرسشنامه ما و پرسش‌های طرح شده در آن از اعتبار فوق العاده خوبی برخوردار است.

رابطه میان متحولین

قبل از اینکه به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار Eviews بپردازیم در قدم اول با استفاده از گراف‌های ذیل می‌توان دید که آیا رابطه میان متحولین وجود دارد یا خیر؟





شکل شماره ۲: چگونگی رابطه میان متحولین

از گراف‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که رابطه بین متحول تابع و چند متحول مستقل یک رابطه مستقیم مثبت بوده؛ یعنی با افزایش متحول مستقل متحول تابع افزایش می‌نماید. اما گفته نمی‌توانیم که به چه اندازه متحول مستقل افزایش کند که منجر به افزایش یک واحد در متحول تابع گردد. بدین منظور ما از گرسیون استفاده می‌کنیم که توسط آن هم می‌توان رابطه میان متحولین را دریافت کرد و هم می‌توان ارزش میانگین متحول تابع را تخمین زد.

تأثیر گذاری جداگانه عوامل بالای پیشرفت تحصیلی

در این بخش تأثیر همه عوامل را نه بلکه عوامل مؤثر را که بالای پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر مثبت و معنادار دارد، به طور جداگانه از طریق نرم افزار Eviews مورد تحلیل و بررسی قرار داده می‌شود.

۱. تأثیر سطح سواد پدر بالای پیشرفت تحصیلی:

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
عرض از مبداء C	1.858199	0.215422	8.625847	0.0000
سطح سواد پدر X1	0.541722	0.053970	10.03744	0.0000
R-squared	0.315091	Mean dependent var		3.904977
Adjusted R-squared	0.311963	S. D. dependent var		1.244998
S. E. of regression	1.032701	Akaike info criterion		2.911241
Sum squared resid	233.5572	Schwarz criterion		2.941994
Log likelihood	-319.6921	Hannan-Quinn criter.		2.923658
F-statistic	100.7503	Durbin-Watson stat		1.762283
Prob(F-statistic)	0.000000			

جدول شماره ۳: تأثیر سطح سواد پدر بالای پیشرفت تحصیلی
طوری که از جدول رگرسیون فوق معلوم می‌گردد، سطح سواد پدر تأثیر مثبت و معنادار در پیشرفت تحصیلی محصلان دارد و مدل ما با سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید می‌گردد.

همچنان مدل مربوطه ۱۹.۳۱٪ تغییرات را که ناشی از متحول مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می‌کند.

۲. تأثیر سطح سواد مادر بالای پیشرفت تحصیلی

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
عرض از مبداء	1. 671539	0. 302015	5. 534626	0. 0000
سطح سواد مادر X1	0. 549655	0. 072023	7. 631621	0. 0000
R-squared	0. 210075	Mean dependent var		3. 904977
Adjusted R-squared	0. 206468	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	1. 109049	Akaike info criterion		3. 053892
Sum squared resid	269. 3679	Schwarz criterion		3. 084644
Log likelihood	-335. 4551	Hannan-Quinn criter.		3. 066309
F-statistic	58. 24165	Durbin-Watson stat		1. 673321
Prob(F-statistic)	0. 000000			

جدول شماره ۴: تأثیر سطح سواد مادر بالای پیشرفت تحصیلی
طوری که از جدول فوق معلوم می‌گردد سطح سواد مادر تأثیر مثبت و معنادار در پیشرفت تحصیلی محصلان دارد و مدل ما با سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید گردیده و ۲۰.۶۴٪ تغییرات را که ناشی از متحول مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می‌کند.

- تأثیر کمک والدین در پیشرفت تحصیلی

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3. 045611	0. 232916	13. 07602	0. 0000
X4	0. 235925	0. 059940	3. 936025	0. 0001
R-squared	0. 066067	Mean dependent var		3. 904977

Adjusted R-squared	0. 061803	S. D. dependent var	1. 244998
S. E. of regression	1. 205912	Akaike info criterion	3. 221359
Sum squared resid	318. 4752	Schwarz criterion	3. 252111
Log likelihood	-۹۶۰۱. ۳۵۳	Hannan-Quinn criter.	3. 233776
F-statistic	15. 49229	Durbin-Watson stat	1. 738902
Prob(F-statistic)	0. 000111		

جدول شماره ۵: تأثیر کمک والدین در پیشرفت تحصیلی
 به اساس جدول رگرسیون فوق کمک والدین تأثیر مثبت و معنادار در پیشرفت تحصیلی محصلان دارد و مدل ما با سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید گردیده که مدل ما ۶.۱۸٪ تغییرات را که ناشی از متحول مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می کند.

۳. تأثیر تشویق والدین در پیشرفت تحصیلی محصلان

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3. 217703	0. 232772	13. 82340	0. 0000
X6	0. 197770	0. 062679	3. 155308	0. 0018
R-squared	0. 043484	Mean dependent var		3. 904977
Adjusted R-squared	0. 039117	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	1. 220405	Akaike info criterion		3. 245252
Sum squared resid	326. 1762	Schwarz criterion		3. 276004
Log likelihood	-356. 6003	Hannan-Quinn criter.		3. 257669
F-statistic	9. 955968	Durbin-Watson stat		1. 693313
Prob(F-statistic)	0. 001829			

جدول شماره ۶: تأثیر تشویق والدین در پیشرفت تحصیلی
 به اساس جدول ریگرسیون فوق الذکر می توان ادعا نمود که تشویق والدین تأثیر مثبت و معنادار در پیشرفت تحصیلی محصلان دارد که مدل ما با سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید می گردد. و مدل مربوطه ۳.۹۱٪ تغییرات را که ناشی از متحول مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می کند.

۴. تأثیر میزان مطالعه والدین در پیشرفت تحصیلی

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3. 416295	0. 230783	14. 80304	0. 0000
X11	0. 142855	0. 062954	2. 269208	0. 0242
R-squared	0. 022973	Mean dependent var		3. 904977
Adjusted R-squared	0. 018511	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	1. 233421	Akaike info criterion		3. 266469
Sum squared resid	333. 1707	Schwarz criterion		3. 297222
Log likelihood	-358. 9448	Hannan-Quinn criter.		3. 278886
F-statistic	5. 149305	Durbin-Watson stat		1. 692948
Prob(F-statistic)	0. 024230			

جدول شماره ۷: تأثیر میزان مطالعه والدین در پیشرفت تحصیلی
 جدول فوق نشان می‌دهد که میزان مطالعه والدین تأثیر مثبت و معنادار روی پیشرفت تحصیلی محصلان دارد که مدل ما با سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید گردیده و ۸۵٪ تغییرات را که ناشی از متحول مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می‌کند.

۵. تأثیر همکاری والدین با نهاد تحصیلی در پیشرفت تحصیلی

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3. 668202	0. 236554	15. 50685	0. 0000
X12	0. 068046	0. 063582	1. 070204	0. 2857
R-squared	0. 005203	Mean dependent var		3. 904977
Adjusted R-squared	0. 000660	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	1. 244587	Akaike info criterion		3. 284493
Sum squared resid	339. 2304	Schwarz criterion		3. 315246
Log likelihood	-360. 9365	Hannan-Quinn criter.		3. 296911
F-statistic	1. 145336	Durbin-Watson stat		1. 664726
Prob(F-statistic)	0. 285706			

جدول شماره ۸: تأثیر همکاری والدین با نهاد تحصیلی در پیشرفت تحصیلی

از جدول رگرسیونی فوق الذکر چنین بر می آید که همکاری والدین با نهاد تحصیلی/تعلیمی تأثیر معنادار در پیشرفت تحصیلی محصلان ندارد. گرچه منطق این ادعا را رد می کند؛ اما به دلیل محدودیت های تحقیق و برویت داده های جمع آوری شده چنین نتیجه گرفته می شود.

آزمون فرضیات تحقیق

چنانچه قبلاً تذکر داده شد، فرضیه های تحقیق به دو بخش تقسیم می شود؛ یعنی فرضیه های فرعی و مشترک.

آزمون فرضیه های فرعی تحقیق:

۱. محصلانی که والدین آنها از سطح سواد بالایی برخوردارند دارای پیشرفت تحصیلی بالایی هستند.

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0. 893553	0. 285887	3. 125545	0. 0020
X1	0. 434961	0. 055922	7. 777981	0. 0000
X2	0. 336673	0. 069491	4. 844862	0. 0000
Adjusted R-squared	0. 375995	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	0. 983473	Akaike info criterion		2. 818029
Sum squared resid	210. 8540	Schwarz criterion		2. 864158
Log likelihood	-308. 3923	Hannan-Quinn criter.		2. 836656
F-statistic	67. 28074	Durbin-Watson stat		1. 787762
Prob(F-statistic)	0. 000000			

جدول شماره ۹: چگونگی رابطه میان بلند بودن سطح سواد والدین و پیشرفت تحصیلی

تحلیل: فرضیه فوق الذکر با سطح اطمینان ۹۹ فیصد قابل تأیید است، یعنی محصلانی که والدین آنها از سطح سواد بالایی برخوردارند دارای پیشرفت

تحصیلی بالایی هستند و با ثابت فرض نمودن سایر عوامل ۳۷.۵۹ درصد تغییرات در پیشرفت تحصیلی محصلان بستگی به سطح سواد والدین دارد.

۲. نگرش و همکاری والدین با نهادهای تحصیلی در پیشرفت تحصیلی مؤثر است.

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3.090661	0.301398	10.25442	0.0000
X5	0.177938	0.059156	3.007921	0.0029
X12	0.049838	0.062738	0.794380	0.4278
R-squared	0.044844	Mean dependent var		3.904977
Adjusted R-squared	0.036081	S. D. dependent var		1.244998
S. E. of regression	1.222331	Akaike info criterion		3.252879
Sum squared resid	325.7125	Schwarz criterion		3.299008
Log likelihood	-356.4431	Hannan-Quinn criter.		3.271505
F-statistic	5.117506	Durbin-Watson stat		1.697147
Prob(F-statistic)	0.006731			

جدول شماره ۱۰: چگونگی رابطه میان نگرش و همکاری والدین با پیشرفت تحصیلی

تحلیل: فرضیه فوق الذکر با سطح اطمینان ۹۹ درصد قابل تأیید است یعنی نگرش والدین به نهادهای تعلیمی/تحصیلی و همکاری آنها با آنها در پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثر است که با ثابت فرض نمودن سایر عوامل ۳.۶ درصد تغییرات در پیشرفت تحصیلی محصلان بستگی به نگرش و همکاری والدین با نهادهای تحصیلی آنها دارد.

۳. توجه والدین به حل مشکلات محصلان در پیشرفت تحصیلی مؤثر است.

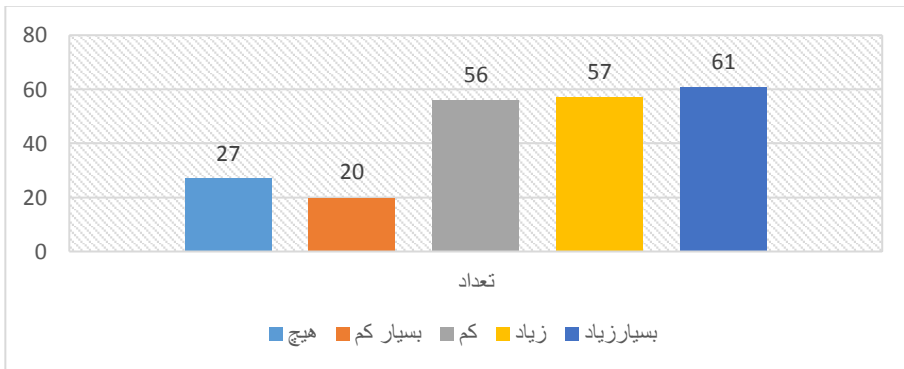
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3.045611	0.232916	13.07602	0.0000
X4	0.235925	0.059940	3.936025	0.0001
R-squared	0.066067	Mean dependent var		3.904977
Adjusted R-squared	0.061803	S. D. dependent var		1.244998

S. E. of regression	1. 205912	Akaike info criterion	3. 221359
Sum squared resid	318. 4752	Schwarz criterion	3. 252111
Log likelihood	-353. 9601	Hannan-Quinn criter.	3. 233776
F-statistic	15. 49229	Durbin-Watson stat	1. 738902
Prob(F-statistic)	0. 000111		

جدول شماره ۱۱: چگونگی رابطه میان توجه والدین به حل مشکلات محصلان و پیشرفت تحصیلی آنها

تحلیل: فرضیه فوق الذکر با سطح اطمینان ۹۹ فیصد قابل تأیید است؛ یعنی توجه والدین به حل مشکلات محصلان در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است و با ثابت فرض نمودن سایر عوامل ۱.۶ فیصد تغییرات در پیشرفت تحصیلی محصلان بستگی به توجه والدین در قسمت حل مشکلات آنها دارد.

با استفاده از گراف هم می‌توان فرضیه فوق را قرار ذیل توضیح نمائیم که محصلان جامعه بررسی شده (پوهنتون دعوت) در مورد کمک والدین در مشکلات درسی‌شان طور ذیل ذیل جواب ارایه نموده اند:



شکل شماره ۳: چگونگی تأثیر توجه والدین به حل مشکلات محصلان در پیشرفت تحصیلی آنها

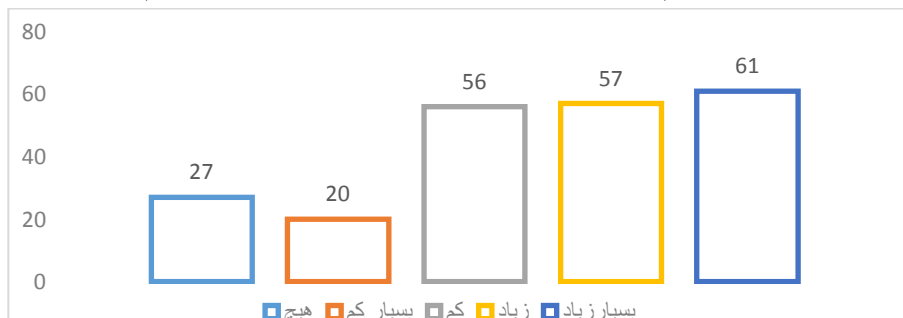
طوری که دیده می‌شود ۷۹ نفر گزینه بسیار زیاد، ۵۷ نفر زیاد، ۳۷ نفر کم، ۲۳ نفر بسیار کم و ۲۵ نفر هیچ را انتخاب نموده اند. در کل می‌توان چنین استنتاج کرد که ۱۳۶ نفر از کسانی که به پرسشنامه تحقیقی هذا پاسخ داده اند به این نظر اند

که همکاری والدین در حل مشکلات محصلان تأثیر مثبت و معنی‌دار روی پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد.

۴. بین تشویق والدین به فرزندان جهت درس خواندن و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3. 217703	0. 232772	13. 82340	0. 0000
X6	0. 197770	0. 062679	3. 155308	0. 0018
R-squared	0. 043484	Mean dependent var		3. 904977
Adjusted R-squared	0. 039117	S. D. dependent var		1. 244998
S. E. of regression	1. 220405	Akaike info criterion		3. 245252
Sum squared resid	326. 1762	Schwarz criterion		3. 276004
Log likelihood	-356. 6003	Hannan-Quinn criter.		3. 257669
F-statistic	9. 955968	Durbin-Watson stat		1. 693313
Prob(F-statistic)	0. 001829			

جدول شماره ۱۲: چگونگی رابطه بین تشویق والدین و پیشرفت تحصیلی
 تحلیل: فرضیه فوق‌الذکر با سطح اطمینان ۹۹ فیصد قابل تأیید است؛ یعنی بین تشویق والدین به فرزندان جهت درس خواندن و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد و با ثابت فرض نمودن سایر عوامل ۳.۹ فیصد تغییرات در پیشرفت تحصیلی محصلان بستگی به تشویق والدین جهت درس خواندن آن‌ها دارد.
 با استفاده از گراف هم می‌توان فرضیه فوق را قرار ذیل توضیح نمائیم:



شکل شماره ۴: چگونگی رابطه بین تشویق والدین و پیشرفت تحصیلی محصلان

طوری که دیده می‌شود ۶۱ نفر گزینه بسیار زیاد، ۵۷ نفر زیاد، ۵۶ نفر کم، ۲۰ نفر بسیار کم و ۲۷ نفر هیچ را انتخاب نموده اند، بنابراین می‌توان گفت که ۱۱۸ نفر تشویق والدین را در پیشرفت تحصیلی شان زیاد مؤثر، ۷۶ نفر مؤثر و متباقی ۲۷ نفر مؤثر نمی‌دانند. با در نظر داشت رگرسیون و گراف فوق می‌توان چنین استنتاج نمود که تشویق والدین باعث پیشرفت محصلان در مسایل درسی شان می‌شود.

۵. بین میزان مطالعه والدین و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	3.397363	0.228363	14.87700	0.0000
X9	0.144565	0.060603	2.385437	0.0179
R-squared	0.025325	Mean dependent var		3.904977
Adjusted R-squared	0.020875	S. D. dependent var		1.244998
S. E. of regression	1.231935	Akaike info criterion		3.264058
Sum squared resid	332.3685	Schwarz criterion		3.294811
Log likelihood	-358.6784	Hannan-Quinn criter.		3.276476
F-statistic	5.690311	Durbin-Watson stat		1.672095
Prob(F-statistic)	0.017911			

جدول شماره ۱۳: چگونگی رابطه بین میزان مطالعه والدین و پیشرفت تحصیلی محصلان

تحلیل: فرضیه فوق الذکر با سطح اطمینان ۹۵ فیصد قابل تأیید است؛ یعنی بین میزان مطالعه والدین و پیشرفت تحصیلی محصلان رابطه وجود دارد و با ثابت فرض نمودن سایر عوامل ۰.۲۸ فیصد تغییرات در پیشرفت تحصیلی محصلان بستگی به میزان مطالعه والدین دارد.

آزمون فرضیه مشترک تحقیق

در این بخش تأثیر تمام عوامل مؤثر به طور مجموعی بالای پیشرفت تحصیلی محصلان را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

Dependent Variable: Y				
Method: Least Squares				
Sample: 1 221				
Included observations: 221				
Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	0.463498	0.367663	1.260661	0.2088
X1	0.348113	0.063032	5.522835	0.0000
X2	0.244880	0.089478	2.736757	0.0067
X3	0.139941	0.082581	1.694595	0.0916
X4	-0.006285	0.068727	-0.091447	0.9272
X5	0.029591	0.061901	0.478031	0.6331
X6	-0.098120	0.072501	-1.353373	0.1774
X7	0.135607	0.073731	1.839204	0.0673
X8	0.124647	0.070748	1.761849	0.0796
X9	-0.022141	0.066523	-0.332829	0.7396
X10	-0.096927	0.063719	-1.521167	0.1297
X12	-0.037159	0.063279	-0.587219	0.5577
R-squared	0.430080	Mean dependent var		3.904977
Adjusted R-squared	0.397201	S. D. dependent var		1.244998
S. E. of regression	0.966619	Akaike info criterion		2.826997
Sum squared resid	194.3451	Schwarz criterion		3.026889
Log likelihood	-299.3832	Hannan-Quinn criter.		2.907710
F-statistic	13.08032	Durbin-Watson stat		1.826993
Prob(F-statistic)	0.000000			

جدول شماره ۱۴: بررسی تأثیر عوامل مؤثر به طور مجموعی بالای پیشرفت تحصیلی

مدل رگرسیون ما رگرسیون چند متغیره است که در آن یک متغیر وابسته (Y) در رابطه با چندین متغیر توضیحی (X) توضیح می شود.

$$y = 0.348X_1 + 0.244X_2 + 0.139X_3 + 0.135X_7 + 0.124X_8$$

نظر به جدول فوق می‌توان گفت:

- **Dependent Variable: Y1**: متغیر وابسته بوده که عبارت از فیصدی نمرات محصلان می‌باشد.
- **Method: Least Squares**: برای تخمین ضرایب زاویه دو روش موجود است: یکی روش حداقل مربعات (OLS) و روش حداکثر راستنمائی (ML) در این تحقیق از روش حداقل مربعات معمولی برای تخمین پارامترهای مدل استفاده شده است.
- **Sample: 1-221**: نشان دهنده تعداد نمونه که رگرسیون روی آن اجراء شده را نشان میدهد
- **β_2** : ضریب زاویه معنا دارد که با افزایش ۱ واحد متغیر مستقل (B2)، متغیر وابسته به اندازه ۰.۲۹. ۳۵۶۶ تغییر می‌کند.
- **β_1** : عرض از مبدا در واقعیت ارزش ثابت ما بوده، معنا دارد که اگر متغیر مستقل وجود داشته باشد یا خیر، به همین اندازه تأثیرگذاری بالای متحول تابع می‌داشته باشد.
- **Std. Error**: یا خطای معیار ضرایب زاویه را نشان می‌دهد که در تخمین β_1 و β_2 به چه اندازه دقت داشتیم و به چه اندازه خطا صورت گرفته است.
- **T Statistic**: ارزش احصائیه‌ی آزمون T است که براساس روش توزیع نرمال تی سنجش می‌گردد که به گونه بسیار آسان، آنرا می‌توان برای هریک از متغیرها محاسبه کرد.
- **Probability Value**: زمانیکه ارزش p value کوچکتر از ۰.۰۵ باشد در آنصورت تأثیر متحول مستقل را بالای متحول وابسته نمی‌توان رد کرد.

○ R-squared: یا ضریب تثبیت نشان دهنده خط رگرسیون با برازش داده‌ها روی آن است. چون تمام داده‌های عیناً روی خط رگرسیون قرار نمی‌گیرد و حتماً دارای انحراف می‌باشد.

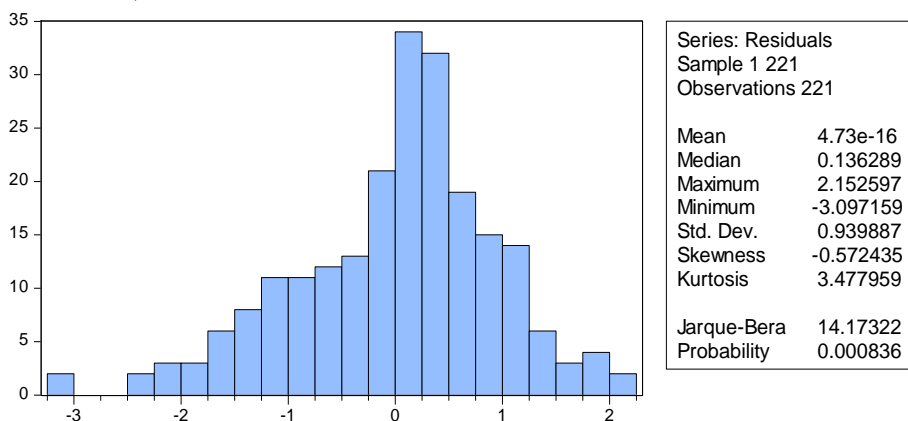
○ Adj R-squared: یا ضریب تعیین تنظیم شده به منظور بازتاب تعداد متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون در رابطه به خوبی برازش خط رگرسیون است و نشان می‌دهد که به چه اندازه متحول تابع توسط متحول مستقل وضاحت داده شده است.

○ افزون بر موارد فوق الذکر یکی از مشخصه دیگر مدل رگرسیون خوب همین است که ارزش‌های Akaike، Schwarz و Hannan باید در یک رنج قرار داشته باشد؛ یعنی تفاوت ارزشی میان این‌ها زیر یک باشد که در مدل ما خوشبختانه این چنین است و این معنا را دارد که مدل ما با داده‌های ما مناسب است.

○ Durbin-Watson stat: دوربین واتسن یکی از ابزارهای احصائیه‌ی و اکونومتری است که به منظور تعیین نسبی مدل رگرسیون با استفاده از داده‌های مورد نظر استفاده می‌شود و در این روش، پندار این است که ارزش احصائیه‌ی دوربین واتسن باید همواره بزرگتر از ارزش ضریب تعیین باشد، در غیر این صورت، مدل رگرسیون برای داده‌های مورد نظر مناسب نیست.

با در نظر داشت هفت مؤلفه یک رگرسیون خوب در ارتباط به جدول فوق می‌توان گفت، حداقل نیمی از متغیرهای مستقل شامل مدل رگرسیون باید دارای ارزش احتمالی کوچکتر از ۰.۰۵ باشد که در مدل ما ۵ متغیر مستقل دارای ارزش احتمالی نزدیک به ۰.۰۵ است، علامت ضریب زاویه باید تابع تیوری اقتصادی باشد که به جز از ۵ متغیر مستقل متباقی همه تابع تیوری اند. ارزش ضریب تثبیت مدل بزرگتر از ۰.۰۶ باشد که در مدل ما این ارزش ۰.۴۳۰۰ است. ارزش دوربین

واتسن باید بزرگتر از ارزش ضریب تثبیت باشد، که در مدل ما ارزش دوربین واتسن ۱. ۸۲۶ و ارزش ضریب تثبیت ۰. ۴۳۰۰ است و دقیقاً طوری که دیده می-شود ارزش ضریب تثبیت کوچکتر از ارزش دوربین واتسن است. میان باقی مانده‌ها خود همبستگی سریالی وجود نداشته، ارزش احتمالی کای مربع قرار ۰. ۳۹۹۷ بوده و بزرگتر از ۰. ۰۵ است که با این وصف چنین استنتاج می‌کنیم که میان باقی مانده‌ها خود همبستگی وجود نداشته، میان باقی مانده‌ها همواریانسی وجود داشته و برای اینکه دیده شود که آیا باقی مانده‌ها دارای توزیع نرمال هستند یا خیر؟ بدین منظور فرضیه صفری طوری است که باقی مانده‌ها دارای توزیع نرمال هستند و فرضیه بدیل آن طوری است که باقی مانده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند که برای آزمون این فرضیه، از روش جار کاییرا استفاده می‌کنیم.



شکل شماره ۵: آزمون نرمال بودن و یا نبودن باقی مانده‌ها به روش جار کاییرا
 ارزش احتمالی جار کاییرا قرار ۰. ۰۰۰۸۳۶ یعنی کوچکتر از الفای ۰. ۰۵ بوده و فرضیه صفری را می‌توان رد کرد و چنین می‌توان گفت که باقی مانده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند.

افزون بر موارد فوق الذکر یکی از مشخصه دیگر مدل رگرسیون خوب همین است که ارزش‌های Hannan و Schwarz، Akaike باید در یک رنج قرار داشته باشد؛ یعنی تفاوت ارزشی میان این‌ها زیر یک باشد که در مدل ما

خوشبختانه این چنین است و این معنا را دارد که مدل ما با داده‌های ما مناسب است.

Akaike info criterion	2. 826997
Schwarz criterion	3. 026889
Hannan-Quinn criter.	2. 907710

مدل نهایی ما با در نظر داشت موضوعات فوق الذکر قرار ذیل است:

$$y = 0.348X_1 + 0.244X_2 + 0.139X_3 + 0.135X_7 + 0.124X_8$$

طوری که از جدول فوق بر می‌آید، درجه تحصیلی پدر، درجه تحصیلی مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، تشویق و تهیه تحفه (تشویق) و تشکری از آنها تأثیر مثبت معنادار در پیشرفت تحصیلی دارد و مدل نهایی تحقیق با سطح اطمینان ۹۰٪ تأیید می‌گردد و ۳۹.۷۲٪ تغییرات را که ناشی از متحولین مستقل است با ثابت فرض نمودن سایر عوامل مؤثر توضیح می‌کند. پس در نتیجه براساس داده‌های جمع آوری شده میتوان گفت فرضیه صفری (H0) اینکه عواملی چون درجه تحصیلی پدر، درجه تحصیلی مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، تهیه تحفه (تشویق)، تشکری و همکاری والدین با نهاد تحصیلی آنها بالای پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر معنادار ندارد، رد می‌گردد.

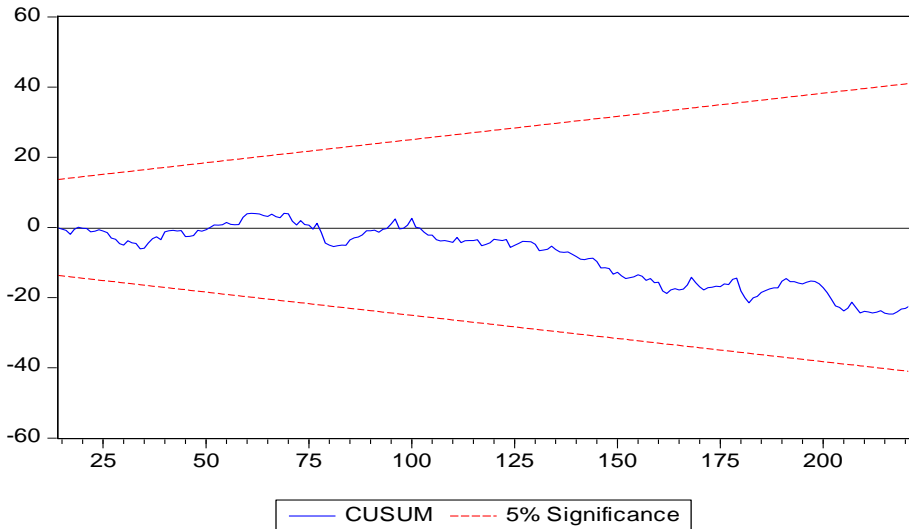
$$H_0: \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 = \dots = \beta_n = 0$$

استرداد فرضیه صفری به معنی استقبال از فرضیه بدیل (Ha) است که چنین می‌توان گفت عواملی چون درجه تحصیلی پدر، درجه تحصیلی مادر، همکاری والدین در حل مشکلات درسی، تهیه تحفه (تشویق)، تشکری و همکاری والدین با نهاد تحصیلی آنها بالای پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر مثبت و معنادار دارد.

$$H_a: \beta_2, \beta_3, \beta_4, \dots, \beta_n \neq 0$$

آزمون پایداری مدل گریسون

به منظور آزمون پایداری یا ثبات مدل رگرسیون؛ یعنی اینکه آیا مدل رگرسیونی استفاده شده برای موضوع مورد مطالعه، پایدار است یا خیر از آزمون کوشم (Cusum Test) استفاده می‌شود.



شکل شماره ۶: آزمون پایداری مدل رگرسیون
نظر به شکل فوق که دیتاهای جمع آوری شده از خطوط سرخ تجاوز ننموده، چنین بر می‌آید که مدل رگرسیونی تحقیق حاضر پایدار بوده است.

نتیجه گیری

بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر به‌سزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری که به‌حیث یک مشکل بزرگ فرا راه رشد و توسعه یک جامعه شمرده می‌شود. سطح تحصیلات والدین همانند سایر عوامل به‌شکل‌های گوناگون در پیشرفت و یافتن تحصیلی محصلان مؤثر است. ممکن است محصلانی که والدین آن‌ها از سطح سواد بالایی برخوردار اند و در حل و انجام تکالیف خود دچار مشکل شوند، والدین آن‌ها در انجام تکالیف به آن‌ها کمک می‌کنند اما اگر والدین بی‌سواد باشند، نمی‌توانند کمک کنند، نحوه نگرش والدین به تحصیلات

فرزندان نیز در پیشرفت تحصیلی آنها مؤثر است، با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر و با در نظر داشت پیشینه‌های موجود و مطالعات انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که سطح تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی محصلان نقش مستقیمی دارد و محصلان که خانواده‌های تحصیل کرده دارند در امر تحصیل پیشرفت و ترقی بیشتری دارند، طوری که سطح سواد پدر و مادر، میزان مطالعه آنها و همکاری و تشویق آنها تأثیر مثبت و معنادار بر پیشرفت تحصیلی محصلان دارد.

والدین با سواد تحصیل کرده به عنوان راهنما می‌توانند کمک مؤثری در رفع مشکلات درسی فرزندان خود داشته باشند. والدین تحصیل کرده احتمالاً بیش از پدران و مادران کم سواد یا بی سواد که به ارزش و اهمیت تحصیلات واقف اند، از همین رو علاقه‌مندی و پیگیری جدی‌تری در زمینه تحصیلی فرزندان خود نشان می‌دهند. والدین تحصیل کرده و با سواد در صورت فراهم بودن امکانات و شرایط از انگیزه بیشتری در فراهم آوردن امکانات مادی و وسایل آموزشی و کمک آموزشی برای فرزندان خود برخوردارند.

پیشنهادهات

در این تحقیق نتیجه گرفته شد که میزان تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی محصلان تأثیر بسیار زیادی دارد. دانش آموزانی که در خانواده‌های کم سواد و بی سواد زندگی می‌کنند، افت تحصیلی داشته، در اینجا برای رفع این نقیصه پیشنهاداتی بیان می‌شود، تا سطح سواد والدین ارتقاء یابد.

دولت در راستای بلند بردن سطح تحصیلی جامعه در قدم اول باید دلیل بی‌سوادی را ریشه‌یابی و عوامل عمده که باعث افزایش سطح بی‌سوادی می‌شود را جست‌وجو و بعداً به راه‌های حل مناسب توسل ورزد. والدین هم باید در قدم اول فرزندان‌شان را بشناسند؛ زیرا برای همه یک روش و یک مدل رفتار جواب نمی‌دهد. روحیه و علائق و استعدادهاى انسان‌ها با هم متفاوت است. پس باید با توجه به ویژگی‌هایی

چون شخصیت و منش، روحیه و علائق، نوع استعداد و شرایط روحی و روانی، روش‌های خاص متناسب با آن‌ها را در آن موقعیت، در آن سن و آن شرایط اعمال کنند تا نتیجه مثبتی را بگیرند. برای اینکه فرزندان‌تان در درس و تحصیل موفق شوند؛ ابتدا والدین باید ارزشمندی، احترام به خود، عزت نفس و روحیه و شادابی و منطق و هوشیاری بالایی داشته باشند.

امکان تحصیلات رایگان به شیوه‌های مناسب و آسان برای والدین فراهم ساخته شود و استادان با محصلان که مشکلات فامیلی دارند، بیشتر همکاری نمایند. تبلیغ بیشتر از طریق وسایل ارتباط جمعی جهت تشویق و جلب توجه والدین در حصه همکاری با فرزندان‌شان در امور درسی صورت گیرد. تحقیقات علمی در تمامی ابعاد مخصوصاً در زمینه پیشرفت تحصیلی حمایت و تشویق گردد.

سرچشمه‌ها

- فروز، غلامعلی (۱۳۸۹) اقتدار والدین، ماه نامه ی پیوند، انجمن اولیاء و مربیان.
- رستمی، رقیه (۱۳۹۳) "بررسی تأثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان"، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناختی.
- محمودی، نسب (۱۳۶۴) "بررسی علل مردودی دانش آموزان سال سوم راهنمایی کرج".
- اکبری (۱۳۵۶) علل ترک تحصیل در استان سیستان و بلوچستان.
- عطاران، محمد رضا (۱۳۸۲) مربیان بزرگ مسلمان، درباره تربیت کودک، ناشر: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- هالت، جان (۱۳۸۷) زمینه یا بر شکست تحصیلی، ترجمه دکتر مهشید فروغان، انتشارات قطره، چاپ سو.
- کوهستانی، حسن، دست باز، حسن (۱۳۹۲) پایان نامه افت تحصیلی.

- Seligman, Martin E. P. (1990). *Learned Optimism* , New York: Alfred A. Knopf, Inc., ISBN 0-394-57915-1.
- Anderson, James, G. (1987).” Structural equation models in the social and behavioral sciences: model building". *Child Development*, 58, 49_64.
- Mau, Wel_cheng (1997).” Parental Influences on the high school students’ academic achievement: a comparison of Asian immigrants, Asian Americans, and white Americans". *Psychology in the Schools*, 34 (3), 267_277.
- Sharynzhad AA, (2002). "Philosophy of education". Tehran: Amir Kabir, P. 270-5. (Persian)

په سیمه ییزو همکاریو کې د افغانستان د جیوپولیتیک نقش

شېرخان اریال*

*د میرویس نیکه د لوړو زده کړو مؤسسې د حقوقو او سیاسي علومو پوهنځي پخوانی استاد

sheerkhan.arial@gmail.com

لنډیز

افغانستان د آسیا زړه او په وچه کې موقعیت لري چې یاد موقعیت له یو لړ ستونزو سره مخ کړی دی، ولي د افغانستان ستراتیژیک موقعیت دا وړتیا لري چې په سیمه ییزو همکاریو کې دپام وړ نقش ولوبوي. د څېړني اصلي پوښتنه: په سیمه ییزو همکاریو کې د افغانستان د جیوپولیتیک نقش څه دی؟ چې دڅېړني په منځپانگه کې ځواب شوې ده. نوموړې څېړنه پدې موخه ترسره شوې چې د سیمې په وصل کې د افغانستان د جیوپولیتیک اهمیت روښانه شي. افغانستان د مرکزي او جنوبي آسیا د وصل د کړۍ په توگه نقش لوبولای شي. دجنوبي آسیا هېوادونه (هند، پاکستان) د اقتصادي پرمختگ په حال کې دي هڅه کوي چې د مرکزي آسیا هېوادونو سره وصل شي چې د یادي سیمې له طبیعي سرچینو څخه برخمن او د خپلو تولیداتو لپاره د یادي سیمې مارکیټ پرانيزي چې ددې لپاره د افغانستان ترڅنگ مرکزي آسیا هم ښه مارکیټ دی. د افغانستان جیوپولیتیک دا وړتیا لري چې یادي سیمې د یو بل سره وصل کړي. افغانستان د سیمې د ترانزیت د مرکز په توگه مطرح شي او د ځمکې له لاري به جنوبي او مرکزي آسیا سره وصل کړي. د مرکزي آسیا هېوادونه د امنیتي پلوه ډاډه ندي، چې د افغانستان له لوري به نامني یادي سیمې ته انتقال شي، که له امنیتي اړخه ډاډه شي دا کار کېدونکی دی او افغانستان پکې د پام وړ نقش لوبولای شي، د سیمې هېوادونه باید په یاده پروسه کې په عملي توگه خپله ژمنتیا ونیسي.

کلیدي ټکي: سیمه یيزي همکاری، افغانستان، جیوپولیتیک، جنوبي آسیا، مرکزي آسیا، انرژي.

Abstract

Afghanistan is located in the heart of Asia and in the continent, which has faced many problems, but the strategic location of Afghanistan has the ability to play a significant role in regional cooperation. The main research question: What is the geopolitical role

of Afghanistan in regional cooperation? Which has answered in the content of the research. This study was conducted with the aim of clarifying the geopolitical importance of Afghanistan in the connection of the region. Afghanistan can play the role of connecting chain of Central and South Asia. The South Asian countries (India, Pakistan) are in the process of economic development and are trying to connect with the Central Asian countries that benefit from the natural resources of the mentioned region and open the market of the mentioned region for their products. Central Asia is also a good market as Afghanistan. Afghanistan's geopolitics could connect these regions together. Afghanistan will be considered as the transit center of the region and will connect South and Central Asia by land. The countries of Central Asia are not sure from the security point of view that the insecurity from Afghanistan will be transferred to the region. Region Countries must show commitment in practice.

Keywords: regional cooperation, Afghanistan, geopolitics, South Asia, Central Asia, energy.

سریزه

افغانستان چي تر ډېره بریده په وچه کې راگیر هیواد دی او بحر ته لاره نلري په کور دننه او نړیواله کچه له یولړ ستونزو سره لاس او گریوان دی ځکه چي په معاصر نړیوال نظام کې بحر ته لاره درلودل یولړ آسانتیاوي له خان سره لري چي له هغې ډلي یو هم دادی چي د بحر له لاري سوداگري ارزانه او آسانه پرېوځي.

د یادولو وړ ده چي نن سبا په نړۍ کې تېل او نفت د هیوادونو په سیاسي ژوند کې غوره رول لوبوي او دغه طبیعي زېرمي په ډیرو سیمو کې مخ په کمېدو دي او په ننۍ تکنالوژي کې تر ننه د نفت او تېلو بدیل نه دی پیدا شوی او د کاسپین چاپیریال هیوادونو کې لا د گازو ، تېلو او نفتو زېرمي په پراخه اندازه موجودي دي چي د زبرځواکونو د سیالیۍ ډگر او نړیوالو کمپنیو ته د پیسو د لاسته راوړلو لپاره ښه سیمه گرځېدلې ده. افغانستان هم په آسیا کې د ورېښمو د لارې پر سر پروت هیواد دی او د سیمې د هیوادونو او زبرځواکونو دموخو د ترلاسه کولو لپاره د یوې څلورلاري حیثیت لري چي د پخواني شوروي اتحاد د له منځه تلو وروسته یې جیوپولیتیکي ارزښت نور هم زیات شوی دی او اوسمهال یې د کاسپین د سیمې ، د شوروي آزادو جمهوریتونو او د هند او پاکستان ترمنځ د شماله تر جنوب پوري د ځمکنی ترانزیتی لاري په توگه یو ځانگړی موقف خپل کړی دی. (سردارمحمد رحيمي ۱۳۶۶: ۹۹)

په همدې اساس باید ووايو چي د افغانستان ستراتیژیک موقعیت ارزښت د هېواد جغرافیوي موقعیت او طبیعي زېرمې جوړوي، دا ټولو ته معلومه ده چي افغانستان بېلابېل منرالونه، اوسپنيزي زېرمې ، یورانیم، مس، دډبره سکاره، لاجورد، زمرد او داسي نورې طبیعي زېرمي لري همدارنگه افغانستان په نړیواله کچه طبیعي گاز او تر ځمکې لاندي د تېلو زېرمي هم په پریمانه اندازه لري، د افغانستان د طبیعي زېرمو ارزښت د لسگونو تریلیونو ډالرو په اندازه اټکل شوی دی چي خلک وايي (هر افغان د سرو زرو پر بالنت سر لگوي). ولي ددې باوجود یو فقیر هېواد دی او ډېری وگړي یې له لوړي سره مخ دي.

افغانستان که څه هم یو په وچه کې راگیر هیواد دی او بحر ته لاره نه لري تردېره بریده د خپل یاد ستراتیژیک پربوت (موقعیت) له امله له ستونزو سره لاس او گربوان دی. په ۱۹۹۰ پېړۍ کې دوخت د دوو سترو ځواکونو (تزاری روسیه، انگلستان) او د سړې جگړې پرمهال د امریکا او شوروي اتحاد د سیالیو ډگر وو د یو هیواد لپاره چې بحر ته لاره ونلري له ستونزو څخه ډک حالت دی ولي په وچه کې د افغانستان موقعیت له یو لړ امتیازاتو څخه برخمن دی چې کولای شو ووايو چې د مرکزي او جنوبي آسیا ترمنځ دیو ارتباطي پل حیثیت لري او د مهمو هیوادونوسره یې گاونډیتوب او د مرکزي آسیا او فارس خلیج په حوزو کې د نفتو کشفېدلو وروسته او له یادو سیموسره د اړیکې په نیولو سره نور هم یاد هیواد ته مهم او ستراتیژیک موقعیت وربخښلی دی. (همان، ۱۳۹۶: ۹۹) افغانستان دمرکزي آسیا په حساسه او ستراتیژیکه سیمه کې پروت دی له یوه لوري د هند له نیمې وچې او له بل لوري د منځنۍ آسیا په هیوادونو باندې پېژندل شویو هیوادونو، د چین ولسي جمهوریت او له بل لوري په لویدیځه (غربي) آسیا او منځني ختیځ پوري تړلی دی. (سردارمحمد رحيمي و علي دوست امیري، ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ - blogsky) چې کولای شي په سیمه ییزه همپالنه، امنیت، سوداگریزو همکاریو او په ځانگړې ډول د انرژي په لېږد کې مهم رول ولوبوي.

دڅېړني ستونزه

دڅېړنې په وړاندې ستونزه داده چې په افغانستان کې په ټولیزه توگه د څېړنې په برخه کې کار ندي شوی او د څېړنې مرکزونه په ډېره کمه اندازه شتون لري او ددې ترڅنگ د څېړنې فرهنگ هم کمزوری دی بل دا چې په پښتو ژبه په یاده موضوع کې کمی سرچینې شتون لري او کفایت نه کوي. د څېړنې ستونزه داده چې تردېره بریده چې مور کومي څېړنې لوستې دي د افغانستان د جیوپولیتیک پکې منفي تصویر وړاندې شوی دی او یوازې دا اړخ یې څېړل شوی دی چې افغانستان د زبرځواکو نو او سیمه ییزو قدرتونو د سیالیو ډگر دی، ولي مثبت اړخ یې پاتې دی چې د افغانستان ستراتیژیک موقعیت د سیمې او نړۍ په وصل کې څومره نقش لوبولای شي؟ د مرکزي او جنوبي آسیا هېوادونه له کومي لارې له یوبل سره وصل کېدای شي؟ پاکستان او هند د مرکزي آسیا ځمکنیو سرچینو ته څرنگه لاسرسی پیدا کولای شي؟ د جنوبي آسیا هېوادونه له کومي لارې خپل تولیدات مرکزي آسیا ته انتقالولای شي؟ د ذکر شویو ټولو پوښتنو ځواب دادی چې د افغانستان له لارې دا چاري ترسره کېدای شي نو پرمهدې بنسټ مو وپتيله چې پدې څېړنه کې د افغانستان د جیوپولیتیک هغه امتیازات چې له لارې یې سیمه ییز اتصال رامنځ ته شي روښانه کړو.

دڅېړني موخي

اصلي موخه داده چې په سیمه ییزو همکاریو کې د افغانستان د ستراتیژیک موقعیت نقش وڅېړل شي چې آیا افغانستان یوازې د سیالیو لپاره مهم ده او که په همکاریو کې هم د پام وړ ارزښت لري، په سیمه کې د هېوادونو موخې څه دي چې باید روښانه شي او افغانستان پکې ترکومي کچې د هغوی په ترلاسه کولو کې نقش لوبولای شي.

اصلي پوښتنه: په سيمه یيزو همکاريو کې د افغانستان د جيوپوليتيک نقش څه دی؟

دڅېړنې فرضيې: ۱- دافغانستان جيوپوليتيک په سيمه یيزو همکاريو کې دپام وړ نقش لوبولای شي. ۲- مرکزي آسيا خپلو سرچينو ته په جنوبي آسيا کې د مارکېټ په لټه کې ده. ۳- دجنوبي آسيا هېوادونه هڅه کوي چې د مرکزي آسيا هېوادونو نفتي سرچينو ته د لاسرسۍ پيدا کړي.

تېرو څېړنو ته کتنه

پدې برخه کې څېړنې شوې دي چې يو کتاب څېړندوي محمدسرور احمدزي د(افغانستان او سيمه یيزي همکاري، فرصتونه اوننگونې) ترعنوان لاندې په(۹۲)مخونو کې ليکلې دی چې يوه سريزه، پايله، او درې فصلونه لري. پوهنيار فياض گل مظلوم يار يوه څېړنيزه مقاله د(په سيمه کې د افغانستان جيوپوليتيکې او جيوايکونوميکې موقعيت) ترعنوان لاندې په(۱۷)مخونو کې ليکلې ده او د ننگرهار پوهنتون په علمي څېړنيزه مجله کې په ۱۳۹۹هـ ش کال خپره شوې ده ددې ترڅنگ په گڼو انټرنېټي ويب پاڼو کې پدې اړوند ليکنې خپرې شوې دي ولي موږ هم وپتيله چې پدې اړوند د تېرو هغو ترڅنگ يوه بله مقاله هم وليکو ترڅو د افغانستان د جيوپوليتيک هغه ځانگړنې او اهميت روښانه شي چې په وسيله يې د سيمې هېوادونه له يو بل سره وصل کېدلای شي او په هغه کې د جيوپوليتيک له نظره په سيمه یيزو همکاريو کې د افغانستان اهميت وڅېړو او ددې سيمې په وصل کولو کې يې اهميت روښانه کړي. دڅېړنې تگلاره توصيفي تحليلي ده او ترډېره بريده پکې له تشريحي ميتود څخه هم گټه پورته شوې ده ترڅو واضح شي چې په سيمه یيزو همکاريو کې دافغانستان د جيوپوليتيک موقعيت اهميت ترکومي کچې پورې دی.

جيوپوليتيک

د نړۍ په سياسي او اقتصادي مسايلو کې د جيوپوليتيک او سياسي جغرافيايې ارزښت زيات دی ځکه خو په نړۍ کې هغه هېوادونه چې حساس موقعيت لري د دولتونو پاملرنه يې ځانته جلب کړې ده. دجيوپوليتيک^۱ او سياسي جغرافيايې موضوع په ټوليزه توگه د جغرافيايې او سياسي محيط ترمنځ اړيکه څېړل دي. (عبدالرحمن عالم، ۱۳۸۸: ۸۸-۹۰) جيوپوليتيک په کورني او بهرني سياست کې د پام وړ اغېز لري او دولتي چارواکي په تصميم نيونه کې دپته مجبوروي ترڅو د خپل هېواد او سيمې جيوپوليتيک په نظر کې ونيسي. دوکتور سردارمحمد رحيمي پخپل کتاب(جيوپوليتيک افغانستان در قرن بيستم) کې جيوپوليتيک داسي تعريفوي (جيوپوليتيک هغه علم دی چې د جغرافيايې، قدرت او سياست ترمنځ اړيکې او مؤثر عوامل په نوې بڼه د هېوادونو ترمنځ په کورنۍ او بهرنۍ سطحه باندې څېړي). (سردار محمد رحيمي، ۱۳۹۲: ۵۲) ويلاي شو چې په جيوپوليتيک کې د جغرافيايې محيط عوامل په بهرني سياست کې د پاملرنې وړ دي معمولا په بهرني سياست کې حکومتي چارواکي تصميم نيسي. ولي ناچاره دي چې جغرافيايې عوامل په نظر کې ونيسي او جيوپوليتيک دبهرني سياست تصميم نيونکې پخپله تصميم نيونه

کې دېته مجبوروي چې جغرافیایي عواملو ته په کتو سره بهرنی سیاست ترتیب کړي. همدارنگه په داخلي سیاست کې هم د اهمیت وړ ده نن سبا په نړیوال سیاست کې د اوبو او نفتو اهمیت فوق العاده زیات شوی دی. د بېلگې په توګه که د هیرمند(هلمند) سیند ته وګورو چې سرچینه یې د افغانستان له خاورې څخه پیلېږي نو د بهرنی سیاست ترتیبونکي مجبور دي چې په نظر کې یې ونیسي- اود خپل بهرنی سیاست په ترتیبولو کې د یاد سیند د اوبو مهارول او ګټه ترې اخستل په نظر کې ونیسي- چې د پورته تعریف سره سم دلته د سیاسي او جغرافیایي محیط اړیکه مطرح ده. او افغان دولت کولای شي له همدې لارې د ایران پر دولت فشار راوړي او همدارنگه د ایران دولت هم مجبور ده چې د افغانستان په وړاندې پخپل بهرنی سیاست کې همدا مسئله په نظر کې ونیسي او د افغان دولت ملي ګټو، ملکیت او حساسیت ته په کتو خپل بهرنی سیاست د افغانستان په وړاندې ترتیب کړي. ترڅو وکولای شي چې د افغانستان او ایران ترمنځ اړیکې منفي لوري ته ولاړي نشي.

د جیوپولیتیک په نظریاتو کې د افغانستان ځای

هالفورد مکیندر ' د جیوپولیتیک د نظریه ورکونکیو(نظریه پردازانو) له ډلې څخه دی په ۱۹۰۴ م کال کې یې د لندن په سلطنتي انجمن کې خپله مقاله ولوستله او له دوهمې نړیوالې جګړې څخه وروسته یې د (دموکراتیکو ارمانونو او واقعیت) په نوم پخپل کتاب کې چاپ کړه نوموړي ویلي وو چې د نړیوال سیاست محوري سیمه یوه پراخه سیمه تشکیلوي چې له ختیځې اروپا څخه د سایبریا تر دښتو پوري امتداد پیدا کوي او آسیا، اروپا او افریقا یې نړیواله جزیره بلله، نوموړی وايي چې یاده سیمه محوري سیمه ده چې د تزاري روسیې له امپراطوري سره تطبیق کیږي ، له یو ستراتیژیک موقعیت څخه برخمنه او له طبیعي سرچینو څخه ډکه ده او دا ناحیه یې د ځمکې زړه نومولی ده او خپل پېژندل شوی اصل یې دا ډول وړاندې کړی دی. (څوک چې په ختیځه اروپا باندې واکمن (حاکم) وي د ځمکې په زړه واکمن دی او څوک چې د ځمکې پر زړه واکمن وي د اورآسیا په نړیواله جزیره باندې واکمن (حاکم) دی او څوک چې د اورآسیا په نړیواله جزیره باندې واکمن (حاکم) شي په نړۍ باندې واکمن دی). (پایگاه خبری حوزه: ۲۰/۱۰/۱۳۹۹) د نوموړي په نظر د ځمکې زړه هغه سیمه ده چې له شمال څخه شمالي منجمد اقیانوس او له جنوب څخه د هماليا غرونو ته رسیږي، لويديځ ته د والګا سیند (رود) او له ختيځ څخه د مغولستان، افغانستان او ایران ځینو برخو ته رسیږي. دافغانستان تاریخ چې له لوړو او ژورو څخه ډک دی او د وخت لویو ځواکونو په یاد هېواد باندې یرغلونه کړي دي تردېره بریده د گران هېواد د جیوپولیتیک اهمیت وو، چې د سترو ځواکونو د لېوالتیا (دلچسپي) وړ ګرځېدلی وو. په اتلسمه پېړۍ کې د افغانستان جیوپولیتیک اهمیت زیات شو، چې د وخت د دوه سترو ځواکونو(انګلیس، تزاري روسیه) ترمنځ د سیالیو ډګر وګرځېدی دارنگه په شلمه او یوویشتمه پېړۍ کې هم د سترو ځواکونو(امریکا، روسیه) د پاملرنې وړ هېواد وو، چې تردېره بریده د افغانستان جیوپولیتیک د نوموړیو

خواکونو د علاقې وړ دی اوپه سیمه او نړۍ کې د سترو خواکونو په موخو کې مهم رول لوبولی شي. مکیندر چې د ځمکنی ځواک نظریه یې وړاندې کړه او دځمکې په زړه (اورآسیا) یې ولکه په ټوله نړۍ ولکه وبلله او افغانستان چې د هارتلند^۱ یوه مهمه برخه ده طبعاً د سترو خواکونو د پاملرنې وړ وگرځېدی او وخت په وخت سترو خواکونو په افغانستان باندې د ولکې او یاهم د اشغال هڅې پیل کړې.

امریکایې لیکوال سپایکمن^۲ د مکیندر د هارتلند له نظریې څخه په اقتباس د ریملند^۳ نظریه وړاندې کړه چې د نوموړې نظریه د وچې او اوبیزو سیمو یوځای کېدنه ده نوموړی وايې چې که څوک په یاده سیمه واکمن شي نو داسې مانا لري چې گواکې هم په سمندرونو او هم په وچه واکمن شو په نوموړې سیمه کې وړوکې آسیا، سعودي عربستان، عراق، هند، جنوب ختیځه آسیا، چین، کوریا او افغانستان هم د ریملند په سیمه کې شامل دی. . . افغانستان د سپایکمن په نظریه کې د ریملند مهمه برخه ده په همدې بنسټ د سترو خواکونو د سیالیو شاهد دی. (22/10/1399:Peaceweekly) د سپایکمن د ریملند نظریه دمکیندر د هارتلند نظریې په پرتله د اهمیت وړ پدې ده چې په ننني(معاصر) نړیوال سیاست کې چې د اقتصاد او سوداګرې(تجارت) برخه غالبه ده د بحر له لارې د سوداګریزو توکو او انرژي د لېږد لپاره آسانه او ارزانه تمامېږي. دیوویشتمی پېړۍ په پیل سره چې په نړیوالو اړیکو کې د اقتصاد اهمیت زیات شو نړۍ یو بل نوي پړاو ته دننه شوه او جیواکانومیک^۴ او اقتصادي ځواک د پوځي ځواک ځای ونیوی او د انرژیکې سرچینو پسر د هېوادونو ترمنځ سیالی د جیوپولیتیک له رایجو مسایلو څخه ګڼل کېدې، ستر ځواکونه او هغه هېوادونه چې تازه د صنعتي کېدو پر لور روان و زیاتي انرژي ته یې اړتیا درلوده ترڅو خپلي صنعتي چاري مخته یوسي او ددې ترڅنګ د انرژي د لېږد لارې هم مهمې دي ترڅو هېوادونه خپله د اړتیا وړ انرژي د لګښت لپاره خپلو هېوادونو ته ورسوي. هغه هېوادونه چې د انرژي سرچینې لري او ترڅنګ یې د هغو هېوادونو اهمیت هم زیات شو چې د یادو هېوادونو د انرژي په لېږد کې آسانتیاوي رامنځ ته کوي، چې افغانستان هم له خپل ستراتیژیک موقعیت څخه په یاده برخه کې په زیاته پیمانه ګټه پورته کولای شي اوپه سیمه ییزه او نړیواله کچه د وصل د یوې مهمې کړۍ په توګه خپل رول لوبولای شي نو ویلاي شو چې د سیمه ییزو او نړیوالو خواکونو لپاره افغانستان پدې د اهمیت وړ دی چې کولای شي له لارې یې د سیمې انرژي ته آسانه لاسرسی ولري او ترڅنګ یې خپلو تولیداتو ته مارکېټ پیدا کړي. داسې انګېرل کېږي چې امریکا هم د افغانستان له جیوپولیتیک څخه اېزاري

1. Heartland

۲. Spykman د نړیوالو اړیکو تیورېسن او د امریکا متحده ایالاتو تبع وو .

3. Rim land

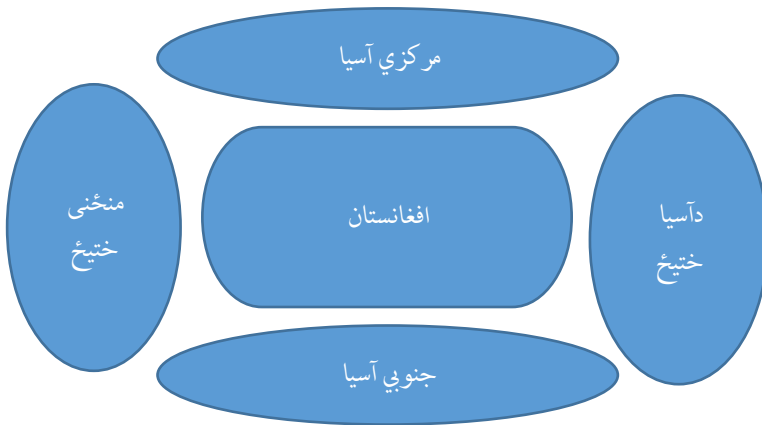
۴. وړوکې آسیا د شمال لورته توري بحیرې شمال ختیځ ته ګرجستان اوپه جنوب کې یې د مدیترانې سمندر او لویدیځ ته یې د اژه سیند پروت دی.

5. Geo Economic

گټه پورته کوله او غوښتل یې چې لدې لارې د مرکزي آسیا په هېوادونو باندې ولکه ترلاسه کړي او د روسیې سره یې اړیکه پرې او په نړیواله کچه د غرب په پلوي وهڅوي.

افغانستان د سیمې د وصل د مرکز په توگه

افغانستان که څه هم په وچه کې را گیر هېواد دی او بحر ته لاره نلري چې له امله یې له یو لړ ستونزو سره مخ دی او نشي کولای د بحر له لارې له سیمې او نړۍ سره وصل شي، ولي پردې سربېره د افغانستان جیوپولیتیک دا وړتیا لري چې د وچې له لارې جنوبي آسیا له مرکزي آسیا او ان له اروپا سره وصل کړي او وکولای شي چې د سیمې د اتصال د مرکز په توگه رول ولوبوي پرمهدې بنسټ د افغانستان جیوپولیتیک د نړیوالو او سیمه ییزو ځواکونو لپاره د اهمیت وړ دی.



د جنوبي آسیا هېوادونه غواړي د افغانستان له لارې له مرکزي آسیا سره وصل شي. هند چې د جنوبي آسیا یو له مهمو اقتصادي ځواکونو څخه شمېرل کېږي، غواړي د چاپېار د نوي تأسیس شوي بندر په ژرتر ژره تجهیز سره له سیمې، مرکزي آسیا او په تېره له اروپا سره خپلو سوداگریزي اړیکو ته د وچې له لارې پیوند ورکړي (محمد بشیر دودیال، ۱۴۰۱/۷/۲۵-Taand) او دارنگه پاکستان هم غواړي ځان له مرکزي آسیا سره ونښلوي. انرژي چې د اقتصادي ودې او هوساینې لپاره بنسټیز عنصر گڼل کېږي د جنوبی آسیا مخ پر وده هېوادونه د خپل اقتصادي ځواک د زیاتولو او هوساینې لپاره انرژي ته ډېره اړتیا لري او یاد هېوادونه د انرژي له ناورین سره مخ دي. تردېره بریده د مرکزي آسیا د انرژي سرچینو د ترلاسه کولو په تمه دي او غواړي چې د اړتیا وړ انرژي له یادو هېوادونو څخه واره کړي. هند د جنوبي آسیا د ستراتیژي ځواک په توگه د خپل ځواک او اقتصادي پرمختگ لپاره په زیاته پیمانه انرژي ته اړتیا لري او غواړي چې د یادي موخي د ترلاسه کولو لپاره د انرژي اړتیا پوره کړي. هند په کور دننه د انرژي سرچینې نلري او که وي هم په لږه اندازه دي. د هند ۶٪ بومي اوسېدونکې خپله د اړتیا وړ انرژي له دودیزو (سنتي) سرچینو څخه لاسته راوړي او څرنگه چې ویل کېږي کېدای شي چې په ۲۰۳۰ م کال کې د نړۍ په کچه د انرژي لوي مصرف کوونکی هېواد وي. (محي الدين نوري، ۱۳۹۶) بناً هند د خپل

اقتصادي ماشين د خوځنده ساتلو لپاره له بهر څخه وارداتي انرژي ته اړتيا لري ترڅو وکولاي شي د خپل اقتصادي پرمختګ لپاره بنسټونه يقيني کړي. ددې تر څنګ ځمکنۍ سرچينې چې په انساني ژوند کې د پام وړ اهميت لري او يادي سرچينې په ټوله نړۍ کې يوشان ندي وپشل شوې، نو هېوادونه مجبور دي چې د اړتيا وړ سرچينو ته لاسرسۍ پيدا کړي پر همدې اساس له نورو هېوادونو سره اړيکې جوړوي او يادي اړيکې بېلابېل شکلونه خپلوي چې ډېری وختونه په نړيواله کچه د ټکر رامنځته کېدو لامل کېږي. په يويشتمه پېړۍ کې چې په نړيوال سياست باندي اقتصاد غالب دی نو د هغو سيمو چې تر ځمکې لاندي سرچينې لري او هم د هغو سيمو چې يادو سرچينو ته په لاسرسي کې آسانتياوي رامنځته کوي اهميت زيات شوی دی. افغانستان که څه هم په وچه کې را گير هېواد دی ولي جيوپوليتيک يې ددې وړتيا لري چې په نفتي سرچينو مالا مال سيمو ته په لاسرسي کې آسانتياوي رامنځته کړي. افغانستان د جيوپوليتيک په نظرياتو کې د زيات اهميت څخه برخمن دی. افغانستان د هارتلند او ريملند نظريو کې د اهميت وړ دی چې په نړيوال سياست کې د هېوادونو په ستراتيژيو کې د پام وړ اهميت لري ، ددې ترڅنګ افغانستان کولاي شي مرکزي او جنوبي آسيا سره وصل کړي ، د جنوبي آسيا هېوادونه چې د انرژي له بحران سره مخ دي غواړي د افغانستان له لاري د مرکزي آسيا انرژي ته آسانه لاسرسۍ ولري او دارنگه غواړي خپل توليدات د مرکزي آسيا مارکيتونو ته ورسوي. ددې ترڅنګ د مرکزي آسيا هېوادونه هڅه کوي چې خپلو نفتو ته مناسب مارکېټ پيدا کړي پدې هڅه کې دي چې د افغانستان له لاري خپل نفتي صادرات جنوبي آسيا ته ورسوي ولي يوه ستونزه چې دلته ليدل کېږي هغه دادی چې د مرکزي آسيا هېوادونه او روسيه د افغانستان په وړاندي جيوپوليتيک ليدلوری لري پدې معنی چې فکروکوي د افغانستان له لوري به مرکزي آسيا ته نامني انتقال شي خو پدې سربېره هڅه کوي د افغانستان له لاري خپلو انرژيکې صادراتو ته د جنوبي آسيا د مارکېټ دروازې پرانيزي نو ويلای شو چې د مرکزي او جنوبي آسيا هېوادونه د انرژي د امنيت له بحران سره مخ دي چې يو لوری نفتو ته اړتيا لري او بل لوری غواړي خپلو نفتو ته مارکېټ پيدا کړي او د روسيې له نفوذ څخه ځان خلاص کړي. افغانستان هم د مرکزي آسيا په وړاندي جيوايکانوميک ليدلوری لري ترڅو وکولاي شي د مرکزي آسيا له انرژي او برق څخه برخمن شي ولسمشر محمداشرف غني دخپلي واکمني په دوره کې د افغانستان بهرنی سياست تردېره بريده په اقتصادي همکاريو باندي وڅرخوی او د افغانستان لپاره يې په اقتصادي او امنيتي برخه کې زيات لومړيتوبونه درلودل، نو د يادو هېوادونو د وصل چاره د افغانستان له لاري ترسره کېدای شي په همدې اساس د افغانستان د ستراتيژيک موقعيت اهميت هم زيات دی چې ياد هېوادونه هڅه کوي چې په افغانستان کې امن وي ترڅو خپلي گټي خوندي کړي. دارنگه افغانستان هم د ځمکې لاندي طبيعي زېرمي لري چې د ډبرو سکاره، ليتيم، زمرد، مس او الماسو نومونه د يادولو وړ دي ، چې د افغانستان جيو ايکانوميک موقعيت هم د جيوپوليتيک موقعيت په پرتله کم او زيات د اهميت وړ دی چې دلويو او سيمه ييزو ځواکونو(قدرتونو) د لېوالتيا وړ گرځېدلی دی. امريکا هم پدې هڅه کې وه چې د افغانستان له لاري د مرکزي آسيا او سيمې سرچينو

ته لاسرسی پیدا کړي او یاد هېوادونه د روسیې له نفوذ څخه خلاص کړي او دارنگه تحلیل داده چې امریکا د افغانستان له جیوپولیتیک څخه ایزاري گټه پورته کوله ترڅو د مرکزي آسیا طبیعي سرچینو ته لاسرسی پیدا کړي.

مرکزي آسیا

د مرکزي آسیا هېوادونه (تاجکستان، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرغزستان) په تولید ډول د هارتلند په سیمه کې موقعیت لري او د تاریخ په اوږدو کې د زبرځواکونو او سیمه ییزو ځواکونو د پاملرنې/علاقې وړ وو اوس چې نړیواله سوداګري پراخه شوې ده او ورځ تر بلې نړۍ د نړیوال توپ پر لور روانه ده د مرکزي آسیا اهمیت نور هم زیات شوی دی ځکه چې یاده سیمه په پرېمانه کچه ځمکنۍ سرچینې (تېل، ګاز، هایډرو کاربن او اوبیزه برېښنا) لري. په تاریخي لحاظ نوموړې سیمه د روسیې/ شوروي اتحاد یوه برخه وه چې تردېره بریده د زبرځواکونو له منازعاتو څخه خوندي وه او پدې سیمه کې د غیرسیمه ییزو ځواکونو ښکېلتیا د یوې ستري او پراخي جګړې زمينه برابره کوله، روسیې هم په خپل ټول توان سره له خپل هېواد او په ځانګړې توګه د ځمکنیو سرچینو له همدې مخزن څخه دفاع کوله. د سړې جګړې د پای ته رسېدو سره د مرکزي آسیا اهمیت نور هم په نړیوال سیاست کې زیات شو او دلته اصلي عامل هم د شوروي اتحاد له منځه تلل او په روسیه بدلېدل وو چې زبرځواکونو داسې انګېرله چې روسیه نور په کور دننه له ستونزو سره لاس او ګرېوان ده نو پر همدې اساس له سړې جګړې وروسته زبرځواکونه او سیمه ییز ځواکونه هم تردېره بریده پوري د یادي سیمې سرچینو د لاسته راوړلو لپاره هڅي کوي، دا هېوادونه د جنوبي آسیا دوه مهم هېوادونه (هند، پاکستان) چې په کور دننه انرژي نلري او ددې سیمې انرژي ته اشته اړتیا لري ترڅو په کور دننه اړتیاوي پوره او د خپل اقتصادي ماشین څرخ خوځنده وساتي په همدې اساس یاد هېوادونه غواړي د افغانستان له لارې د مرکزي آسیا سره ونښلي او خپلي اقتصادي موخي ترلاسه کړي. ددې ترڅنګ د مرکزي آسیا هېوادونه هم په سیمه کې ځانګړې موخي لري او غواړي خپلو موخو ته ورسېږي، دا موخي پدې توګه یادولای شو چې مرکزي آسیا هېوادونه خپلو سرچینو ته د مارکېټ په لټه کې دي چې یاد مارکېټ یې جنوبي آسیا انتخاب کړې ده او له دې مارکېټ سره د افغانستان له لارې په آسانه توګه یوځای کېدلای شي. (شېرخان اریال، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۳)

په تولید ډول ویلاي شو چې جنوبي آسیا د انرژي له بحران سره مخ ده او نشي- کولای خپله د اړتیا وړ انرژي له کورنیو سرچینو څخه پوره کړي ترڅو وکولای شي د صنعتي کېدو په لور چټک ګامونه واخلي او ددې سیمې دوه سیال هېوادونه چې په هراړخیزه توګه د یوبل په وړاندي سیالي کوي غواړي په اقتصادي، نظامي او... برخو کې د یوبل څخه وړاندي شي هغه هند او پاکستان دي چې دواړه کولای شي د افغانستان له لارې له مرکزي آسیا سره وصل شي، د انرژي ترڅنګ هند او پاکستان هڅه کوي د خپلو تولیداتو په وړاندي د مرکزي آسیا د مارکېټ دروازې پرانیزي. د مرکزي آسیا هېوادونه د انرژي د مارکېټ له بحران سره مخ دي او هڅه کوي چې خپله انرژي نړیوال او سیمه ییز مارکېټ ته ورسوي، چې دواړه لوري (مرکزي او جنوبي آسیا) د افغانستان له لارې کولای شي د یوبل سره وصل شي نو پر همدې بنسټ ویلاي شو چې په سیمه ییزو همکاریو کې د افغانستان نقش د اهمیت وړ دی.

لومړی: هند

هند د جنوبي آسيا مهم اقتصادي ځواک دی او غواړي چي په لنډمهال او اوږدمهال کې په سيمه کې يو لړ سياسي او اقتصادي پرمختگونه وکړي، پرهمدې بنسټ په مرکزي آسيا کې يو لړ موخي لري چي په ترلاسه کولو سره به يې ياد هېواد د يو سيمه ييز اقتصادي هژمون ځواک په توگه راڅرگند شي او يادي موخي يې په لاندي توگه يادولاي شو.

- داقتصادي موخو لپاره د مرکزي آسيا د انرژي جذب: مرکزي آسيا له جيوپوليتيک او جيوايکانوميک اړخه په سيمه کې مهمه نقطه گڼل کيږي، نوموړې سيمه د نړۍ د ټولو طبيعي سرچينو ۱۳ په سلو کې لري چي له هغه ډلې قزاقستان د ۵۹۰-۹۴۰ کېلوگرامه يورانيم لري، ازبکستان د نړۍ په کچه د يورانيمو دريم لرونکی هېواد دی، تاجکستان او قرغزستان دبرق(برېښنا) غني سرچينې لري او دارنگه ترکمنستان تر دامهاله په سيمه کې په کلني ډول د ۳۶۰ زرو مترمکبه گاز د توليد ظرفيت لري. (محمدغنی عمار، ۱۳۹۷ هشت صبح ورځپاڼه) هند د خپل اقتصادي رشد، په سيمه کې د سلطه غوښتونکو موخو او نفوس په درلودلو سره د نړۍ په کچه د انرژي څلورم مصرف کوونکی هېواد گڼل کيږي نو ددې لپاره چي په سيمه ييز اقتصادي ځواک باندي بدل شي غواړي د مرکزي آسيا د انرژي سرچينو ته په لنډمهال کې لاسرسی پيدا کړي. هند په ۲۰۱۲م کال د مرکزي آسيا سره د اتصال سياست(India's Connect Central Asia Policy) غوره کړ ترڅو وکولاي شي په مرکزي آسيا کې خپلي اقتصادي موخي ترلاسه کړي او پرمټ يې خپله د اړتيا وړ انرژي له يادې سيمې څخه ترلاسه کړي او ترڅنگ يې په ياده سيمه کې خپلو توليداتو ته بازار پيدا کړي. په ۲۰۱۵م کال کې له مرکزي آسيا سره د هند تجارت له دوه ميليارده ډالرو څخه زيات و، ولي د هند او مرکزي آسيا تاريخي اړيکو ته په کتوسره دا حجم کم وو د تجارت د حجم د کموالي لامل دا وو چي مرکزي آسيا ته د هند لاسرسی له ستونزو سره مخ وو، هند له دريو لارو څخه له مرکزي آسيا سره نښليږي چي يو يې پاکستان دی چي ددې هېوادونو ترمنځ د سنتي او تاريخي شخړو له امله وخت ناوخت له ستونزو سره مخ و. دوهمه لاره د افغانستان وه چي په افغانستان کې د ناامنيو له امله له يادې سيمې سره اتصال له ستونزو سره مخ دی او دريمه لاره د ايران ده چي ياده لاره څه ناڅه امن ده (۲۱/۷/۱۴۰۱. www.islamtimes) چي ياده لاره د ايران په قلمرو کې امنه او د افغانستان په قلمرو کي هم دا مهال د نسبي ډاډ وړ ده او هند کولاي شي له مرکزي آسيا سره خپلي اقتصادي اړيکې لدې دريو لارو څخه پياوړې کړي. د هند مشران د سيمي د هيوادونو تر منځ دموصلاقي لارو اړوند اوږدمهاله ليدلوری لري، ځکه خو نوی ډیلي هيله لري چي د چابهار بندر په يوه مهم او نړيوال بندر بدل شي تر څو د افغانستان او د مرکزي آسيا سره ټوله راکړه ورکړه د دغه ستراتيژيک بندر له لاري تر سره شي. (ParsToday. com/ps/ir)

- په ملي امنیت پوري د اړونده ستونزو له منځه وړل: په مرکزي آسیا کې سخت دريځي، د نشه یي توکو او وسلو ډېروالی د خپل ملي امنیت په وړاندي جدي خطر گڼي او پدې اړه اندېښنې لري. (جمال الدين نجم؛ ۱۳۹۹: ۱۰۵)

او غواړي په سیمه ییزه کچه ددغو درې وارو مخنیوی وکړي ترهگري ډلي له دې امکاناتو څخه د هند تر ولکې لاندې کشمیر کې گټه پورته نه کړي او د هند ملي امنیت له گواښ سره مخ نشي. ځکه ترډېره بریده پوري پاکستان غواړي چې اسلامپالي ډلي د هند په وړاندي د یو ابزار په توگه وکاروي او هند ته په کور دننه ، پولو او سیمه کې ستونزي را پیدا کړي. هند د یادو فعالیتونو د مخنیوي لپاره د مرکزي آسیا له هېوادونو سره امنیتي همکاری کوي ترڅو وکولای شي ترخپلې ولکې لاندې کشمیر کې امنیت تأمین کړي هند پدې باور دی چې په مرکزي آسیا کې د ترهگرو ډلو وده او په ځانگړي ډول هغه ډلي چې د هند په شمال ختیځ او کشمیر کې فعالیت او نفوذ لري ددې هېواد د امنیت او سیمه ییزو گټو په وړاندي جدي خطر دی د بېلگې په توگه هند دخپل قلمرو د باندي په ۱۹۹۶م کال په تاجکستان کې د فرخور (Farkhor) په نوم پوځي اډه جوړه کړې ده دغه راز یې له ازبکستان او قزاقستان سره گډي امنیتي کاري ډلي جوړي کړې دي. په ۲۰۱۱م کې یې له قرغزستان سره دنظامي زده کړو او د یاد هېواد د پوځیانو د روزلو لپاره د یوه گډ پوځي څېړنیز مرکز د طرحي په جوړولو کار پیل کړی و او هغه یې بشپړه کړې ده (همان، ۱۳۹۹: ۱۰۶) ددې ترڅنګ هند د مرکزي آسیا له نورو هېوادونو سره هم پوځي همکاری کړې دي چې له هغې ډلي څخه ازبکستان هېواد یادولای شو چې په یاده برخه کې هند د خپلو موخو د ترلاسه کولو لپاره په ډېر احتیاط سره گام پورته کوي. ددې ترڅنګ هند په سیمه کې د چین او پاکستان سره سیالي پیل کړې ده او غواړي د یو سیمه ییز هژمون ځواک په توگه مطرح او وکولای شي د مرکزي آسیا سرچینو ته تر چین او پاکستان وړاندي لاسرسی پیدا کړي.

مرکزي آسیا ته د هند د رسېدو مهمه لاره د چابهار بندر لاره ده چې کولای شي له یادې لارې څخه له مرکزي آسیا سره خپله سوداګري زیاته کړي او خپلې ستراتیژیکې اقتصادي او سیاسي گټې په مرکزي آسیا کې ترلاسه کړي، نوموړې لاره په سیاسي لحاظ هم د هند لپاره د اهمیت وړ ده ځکه په سیمه کې د هند، چین او پاکستان ترمنځ د سیمه ییزې هژموني پسر هم سیالي روانه ده دا لاره د افغانستان څخه تېریږي پر همدې بنسټ د افغانستان د جیوپولیتیک ارزښت هم ورسره دوه برابره کیږي او افغانستان کولای شي له دې لارې د کال په زیاته پیمانې د ترانزیت پیسې ترلاسه کړي او دا په هغه صورت کې کېدای شي چې په افغانستان کې جگړه مهار شي او د امریکا په وتلو سره د اوس لپاره جگړه هم څه ناڅه مهار شوې ده ولي بیا هم د مرکزي آسیا هېوادونو مشران د افغانستان له لوري د خپل ملي امنیت په اړه زیاتي اندېښنې لري. د تاجکستان ولسمشر په یوه بیانیه کې ویلي چې د افغانستان سره پر پوله مو تأسیسات جوړ کړي دي او نور به یې هم زیات کړو ځکه چې په یاد هېواد کې اوس هم په زیاته اندازه ترهگر شته دی. دا چې په راتلونکې کې به وضعیت څه ډول وي؟ دې پوښتنې ته کېدای شي د وخت په تېرېدو سره د قناعت وړ خواب وویل شي.

دوهم: پاکستان

پاکستان د جنوبي آسيا د مهم او دوهم زيات نفوس لرونکې هېواد په توگه د جنوبي آسيا د مخ پر ودي هېوادونو له ډلې څخه دی او په کور دننه انرژي ورته بسنه نه کوي اوسمهال د انرژي له بحران سره مخ دی او غواړي د اړتيا وړ انرژي له بهر څخه وارده کړي. نړيوال بانک وړاندوينه کړې وه چي پاکستان به په ۲۰۱۷ م کال کې په جنوبي آسيا کې دوهم لوي اقتصادي ځواک مطرح شي ، پاکستان په ۲۰۱۷ م ، ۲۰۱۵ او په ۲۰۱۸ م کې ۱۵،۵٪ په ۲۰۱۹ م کې ۱۵،۸٪ په سلوکې اقتصادي وده ممکن وکړي. ولي د پاکستان نننی وضعیت د نړيوال بانک وړاندوينه تر پوښتني لاندې راوړي، په پاکستان کې د برقي انرژي کمښت په کال کې ۱۳ ميليارده ډالر د ياد هېواد اقتصاد ته زيان اړوي (محي الدين نوري، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳)

پاکستان د مرکزي آسيا سره د اتصال لپاره زياتي هڅي کوي تر څو وکولای شي د يادي سيمې له طبيعي سرچينو څخه برخمن شي ځکه په کور دننه کومي سرچينې چي لري د پاکستان لپاره په کافي اندازه ندي او ددې هېواد اړتياوي نشي پوره کولاي. نو پرمهدې بنسټ هڅه کوي له يادي سيمې سره د ځمکې له لاري وصل شي. ددې لپاره چي له مرکزي آسيا سره وصل شي بايد د افغانستان له جيوپوليتيک څخه گټه پورته کړي ځکه لدې لاري د پاکستان لپاره آسانه ده چي نوموړې سيمې ته لاره پيدا کړي. پاکستان تر ډېره بريده د فارس خليج هېوادونو په انرژي باندي تکیه کوي. (Hashmat Ullah Khan & Muhammad 2016) دmanzoor Elahi-2016د افغانستان له لارې د تاپي او کاسا ۱۰۰۰ پروژو په بشپړېدو سره به افغانستان او پاکستان د کال په ميليونو ډالره ترانزيت ترلاسه کړي تاپي گاز نلليکه چې د (۲۰۰۰) کېلومتره په شاوخوا اوږدوالي لري، له ترکمنستانه به دافغانستان له لارې پاکستان او بيا هند ته ځي. ددې نلليکې (۸۰۰) کېلومتره به دهېواد له لوېدځو ولايتونو هرات، کندهار، فراه او هلمند له لارې بلوچستان څخه تر تېریدو وروسته، دوه شاخه شي چې يوه به يې پاکستان اوبله به يې هند ته کش شي. (AFGHAN TIPS - BELGIUM) پاکستان به په کلني ډول هند ته له ترکمنستان څخه د لېږدېدونکې گاز ترانزيت ترلاسه کړي او هم به له ياد گاز څخه پخپله برخمن شي ددې ترڅنگ د پاکستان په هغو سيمو کې چي د تاپي پروژو تېريري ددې سيمې په زرگونه کسان به پرکار شي. (وحيد نوښر/Pashto - bbc.com).

پاکستان له مرکزي آسيا سره د وصل کېدو لپاره درې لاري لري چي په لاندې ډول ترې يادونه کولاي شو.

الف: له سالنگ څخه کابل ته تېرېدونکې لاره چي له هغه خايه جلال آباد، پېښور او له هغه خايه کراچي او گوادر ته تللې لاره ده.



ب: له تاجکستان څخه تر بدخشان پورې لاره چې دا لاره بیا تریپنبور او له هغه ځایه کراچی او گوادر ته رسیږي.

ج: د قراقرم لویه لاره، د کاشغر (چین) دا لاره د گیلگت څخه کراچی او له هغه ځایه ترگوادر پورې رسیږي. (Hashmat Ullah Khan & Muhammad manzoor Elahi-2016)

پاکستان له مرکزي آسیا سره په وصل کېدو برسېره پردې چې په کوردننه د انرژي اړتیاوې پوره کړي کولای شي د یادې سیمې نفت نړیوالو بازارونو ته ورسوي ځکه چې د ایران د هورمز تنګي له لارې د عمان له بحر سره چې نږدې فاصله لري وصل شي. بناً د پاکستان لپاره نوی انتخاب دادی چې د واخان دهلیز له لارې له مرکزي آسیا سره وصل شي او خپلې اقتصادي موخې ترلاسه کړي. پاکستان غواړي د چین په مرسته د واخان دهلیز له لارې له مرکزي آسیا سره وصل شي چې ددې موخې د ترلاسه کولو لپاره باید له افغانستان سره هوکړې ته ورسېږي ځکه د چین سنکیانګ ایالت د افغانستان د بدخشان ولایت د واخان له لورې څوکې سره په پرېوله پروت دی، پاکستان دې موخې ته رسېدل غواړي ولي ددې په بدل کې افغانستان غواړي چې د کراچی بندر له لار له نړیوالو اوبو سره وصل شي او له یوې خوا خپل صادرات له همدې بندر څخه نړیوالو بازارونو ته ورسوي او ترڅنګ یې واردات هم د همدې لارې پوره کړي، اما ستونزه دادی چې پاکستان له افغانستان سره پدې برخه کې همکاری نه کوي نو پاکستان هم نشي کولای خپلې یادې موخې ته ورسېږي.

ددې ترڅنګ پاکستان غواړي خپلو تولیداتو ته د مرکزي آسیا مارکیټ پرانیزی او وکولای شي خپل تولیدات د مرکزي آسیا مارکیټ ته ورسوي ترڅو د افغانستان ترڅنګ د خپلو تولیداتو په وړاندې د مرکزي آسیا مارکیټ هم په واک کې ولري له همدې کبله هڅه کوي چې یاد مارکیټ ته لاسرسی پیداکړي.

مناقشه

افغانستان د آسیا په زړه کې پروت هېواد په توګه د اهمیت وړ دی، پرهمدې بنسټ د زبرځواکونو او سیمه ییزو ځواکونو د سیالي د مرکز په توګه مطرح دی. دا چې د یو مقتدر حکومت نه شتون د څو لسیزو لپاره یاد هېواد د جګړو شاهد ګرځولی و. د تېر جمهوریت په وخت کې هم د سیمه ییزو همکاریو لپاره هڅې ګړندۍ ساتل شوې وې ولي ستونزه دا وه چې دلته عملاً جګړه روانه وه او په وړاندې یې موانع ایجادولې نو پرهمدې اساس د سیمه ییزو همکاریو نظر او هڅې عملي نه شوې او یا هم کمې عملي شوې. د اسلامي امارت په واک ته رسېدو سره جګړه کمه شوې ده او یو فرصت منځته راغلی ده ترڅو د افغانستان بهرنی سیاست د سیمه ییزو همکاریو پرمخوړ باندې وڅرخي دا ځکه چې دواړه لوري (مرکزي، جنوبي آسیا) ددې لپاره ډېرې هڅې کوي چې د یوبل سره وصل شي او خپلې موخې ترلاسه کړي. پدې اړوند د اسلامي امارت دريځ هم قاطع دی او غواړي افغانستان د سیمې په ترانزیټ باندې بدل کړي چې د ثبوت لپاره مور ددې یادونه کولای شو چې د ټاپي پروژې د عملي کار د بیا پیل غوښتنه د اسلامي امارت له لوري شوې ده، اما تر اوسه پورې پیل شوې نده. ولي ستونزه داده چې د مرکزي آسیا هېوادونه تردېره

بریده د جیوایکانومیک لیدلوری ترڅنگ د افغانستان په وړاندې جیوپولیتیک لیدلوری هم لري او پدې وېره کې دې چې د افغانستان له لوري به د یادو هیودونو امنیت او ثبات له تهدید سره مخ شي نو دلته د باور جوړونې یوې پروسې ته اړتیا لیدل کېږي ترڅو د مرکزي آسیا هېوادونه ډاډ ترلاسه کړي چې امنیت یې خوندي دی پدې صورت کې افغانستان د سیمې د وصل د یوې کړۍ په توګه مطرح کېدای شي. که پاکستان په افغانستان کې خپل بهرنی سیاست د همکاری پر بنسټ طرح کړي، له سیالي څخه لاس فغا واخلي او ستراتیژیک عمق پالیسي- پرېږدي، د هند لپاره دا زمینه برابره کړي ترڅو د پاکستان او افغانستان له لارې له مرکزي آسیا سره وصل شي کېدای شي د سیمه ییزو همکاریو نظریه په عمل کې پلې شي. ددې ترڅنگ په کار ده چې د افغانستان بهرنی سیاست د سیمه ییزو اقتصادي همکاریو پراساس ترتیب شي چې تر ډېره بریده پوري همداسې هڅې کېږي نو په هغه صورت کې به افغانستان د سیمه ییزو همکاریو د مرکز په توګه مطرح شي چې افغانستان او سیمه به ترې زیاته ګټه پورته کړي. د سیمې هېوادونو ترمنځ د آزاد تجارت تړون نور هم له دې پروسې سره مرسته کولای شي.

پایله او موندني

افغانستان د آسیا په زړه کې پروت هېواد په وچه کې راګیر دی چې له امله یې له یولړ ستونزو سره مخ دی او نشي کولای بحر ته لاره ومومي ولي ددې ترڅنگ د ګران هېواد جیوپولیتیک یو لړ امتیازات هم لري چې کولای شي د وچې له لارې سیمه سره وصل کړي نو د خپل حساس او ستراتیژیک موقعیت په درلودلو سره د تاریخ په بېلابېلو دورو کې د زبرځواکونو د سیالیو ډګر پاتې شوی دی. د جیوپولیتیک تیوريسنانو پخپلو نظریو کې د ایروآسیا د سیمې مهم غړی بللی دی. د افغانستان ستراتیژیک موقعیت کولای شي په سیمه ییزو همکاریو کې مهم نقش ولوبوي او جنوبي آسیا له مرکزي آسیا او له منځني ختیځ سره وصل کړي چې په وړاندې یې فرصتونه او ننګونې شتون لري که له فرصتونو یې اغېزمنه ګټه پورته شي دا واضح ده چې د سیمه ییزو همکاریو د مرکز په توګه یې نومولای شو. سیمه ییزې همکاری- دولتونو په ارادو او هڅو پوري اړه لري چې کېدای شي په سیمه ییزه کچه د امنیتي او اقتصادي همکاریو زمینه برابره کړي خو دا چاره دې ته اړتیا لري چې د سیمې هېوادونه خپلو ګټو ته د یوبل له ګټو سره بافت ورکړي او د فراملي ګټو په لټه کې ګام پورته کړي چې پدې کار سره کولای شي خپلې ملي ګټې هم ترلاسه کړي. تر ډېره بریده پوري دولتونه په سیمه ییزه او نړیواله کچه غواړي خپلې ملي ګټې ترلاسه کړي او په نړیوال نظام کې د دولتونو د لوبېدو یوازینی- انګېزه هم ملي ګټې دي. افغانستان د جنوبي او مرکزي آسیا ترمنځ د ارتباطي پل حیثیت لري که د افغانستان په محوریت سیمه ییزې همکاری- پراختیا ومومي له یوې خوا به د کال په زیاته اندازه د ترانزیت پیسې ترلاسه کړي او هم به په هغو سیمو کې چې د ګازو نللیکې او د برېښنا مزي تېرېږي په زرګونو خلک په کار وګومارل شي. ددې څېړنې موندني په لاندې توګه ذکر کولای شو.

- ۱- د سیمې هېوادونو ترمنځ د آزاد تجارت تړونونو پراختیا سیمې ته ثبات راوړي او ترڅنگ یې هېوادونه په ځان بسیا کوي ترڅو هوسا ژوند او پرمختللی اقتصاد ولري. د سیمه ییزتوب یوه انګېزه هم د تجارت پراختیا او د ګټو وېش دی.

- ۲- د جنوبي او مرکزي آسیا د وصل لپاره افغانستان زیات اهمیت لري او بې له افغانستان څخه دا چاره ناممکنه او یو خیال دی نو د سیمې هېوادونو ته په کار ده چې د افغانستان په سوله او ثبات کې یوبل ته لاس ورکړي ترڅو وکولای شي خپلي گډې گټې خوندي کړي.
- ۳- د افغانستان د جیوپولیتیک او ستراتیژیک موقعیت اهمیت روښانه شو چې نه یوازې د زبرځواکونو او سیمه ییزو قدرتونو ترمنځ د سیالیو په ډگر باندې پېژندل کېږي بلکې کولای شي د سیمې او نړۍ په وصل کې فوق العاده نقش ولوبوي او د سیمې هېوادونو گټې له یوبل سره ونښلوي.
- ۴- د سیمه ییزو همکاریو نظریه چې تردېره بریده پورې د کاغذ پرمخ پاتې وه اوس کولای شي نوموړې نظریه په واقعیت بدله شي چې نه یوازې د افغانستان گټې خوندي کړای شي ترڅنګ یې د سیمې هېوادونو گټې هم خوندي کېږي او جنوبي او مرکزي آسیا هېوادونه له همدې لارې سره وصل کېدای شي.

وړاندیزونه

- ۱- د جنوبي آسیا، مرکزي آسیا هېوادونو ترمنځ د افغانستان په محوریت د آزاد تجارت تړون لاسلیکول ترڅو وکولای شي د یوبل سره وصل شي او په پایله کې یې ټول اړخونه د پام وړ گټې ترلاسه کړي دا تړون به داسې وي چې هېوادونه ورته په صحیح ډول ژمن پاتې شي بې له دې تړونونه کومه گټه نلري چې د عمل بڼه خپله نه کړي.
- ۲- د افغانستان په بهرني سیاست کې د سیمه ییزو اقتصادي همکاریو ځای پرځای کول او له گاونډیو هېوادونو سره دوستانه اړیکې پالل ترڅو یې له لارې د ترانزیت په مرکز بدل شي.
- ۳- د پاکستان هېواد دې ته اړ ایستل چې د سیمه ییزو همکاریو په برخه کې افغانستان ته زمینه برابره کړي چې د کراچي بندر ته لاره پیدا کړي نه داسې چې پاکستان دي مرکزي آسیا ته د افغانستان له لارې لاسرسی ولري او افغانستان ته دي آسانتیاوي نه برابرې.
- ۴- اسلامي امارت ته اړینه ده چې په سیمه ییزو سازمانونو کې فعاله نقش ولري او د سیمه ییزو همکاریو پراختیا ته غړي هېوادونه وهڅوي، دارنگه د ډیپلوماسي په دستګاه کې د مسلکي کسانو ګمارل چې د ډیپلوماسي په ژبه پوه وي ترڅو په عملي بڼه سیمه ییزې همکاریو پراختیا ومومي.
- ۵- د باورجوړونې لپاره ګړندی هڅې کول ترڅو د سیمه ییزو همکاریو په برخه کې شته ستونزې، ابهامات له منځه لاړ شي، او غړو هېوادونو ته ډاډ ورکول چې په امنیتي برخه کې هم د یوبل سره همکاري صورت نیسي او هیڅ کورني او بهرني مخالف ته اجازه نه ورکول کیږي چې د هېوادونو خاوره د یوبل په ضرر وکاروي.

اخذلیکونه

- اریال شېرخان (۱۳۹۹) په افغانستان کې د امریکا حضور او د ایران او روسیې غبرگونونه. د نړیوالو اړیکو د ماستري تیزس، دعوت پوهنتون، کابل.
- رحيمي، سردارمحمد (۱۳۹۲) ژنوپلېتیک افغانستان درقرن بیستم، کابل انتشارات سعید.
- رحيمي، سردارمحمد (۱۳۹۶) ژنوپلېتیک افغانستان درقرن بیستم. کابل. نشر واژه. چاپ شوم.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۸) بنیادهای علم سیاست، چاپ بیستم، انتشارات سمت، تهران، ایران.
- عمار، محمدغنی (۱۳۹۷) جایگاه جیوپولتیک افغانستان در روابط هند با آسیای میانه، هشت صبح ورځپاڼه.
- نجم جمال الدین (۱۳۹۹) د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان جیوپولتیک ارزښت. دسیمه ییزو مطالعاتومجله، اوله او دوهمه گڼه، کال د علومو اکاډمي کابل افغانستان.
- نوری محی الدین (۱۳۹۶) موقعیت ستراتیژیک افغانستان وتأمین امنیت انرژي فراهمالیا. فصلنامه دیپلوماسی و مطالعات بین المللی. مؤسسه تحصیلات عالی افغانستان. سال دوم، شماره چهارم.
- سایتها
- سردارمحمد رحيمي و علي دوست امیري، ژنوپلېتیک کشور افغانستان، تاریخ دسترسي [/https://geo-af.blogspot.com/1390/03/23/post-3](https://geo-af.blogspot.com/1390/03/23/post-3) لینک ۲۰/۱۰/۱۳۹۹.
- پایگاه خبری حوزه: نگاهی به نظریه های ژنوپولیتیک. تاریخ دسترسی ۲۲/۱۰/۱۳۹۹ لینک <https://hawzah.net/fa/Article/View/>
- هفته نامه صلح: جایگاه ژنوپولیتیک افغانستان در استراتیژی های قدرت های بزرگ. تاریخ دسترسی <https://peaceweekly.com/> لینک ۲۲/۱۰/۱۳۹۹
- هفته نامه صلح: جایگاه ژنوپولیتیک افغانستان در استراتیژی های قدرت های بزرگ. تاریخ دسترسی <https://peaceweekly.com/> لینک ۲۲/۱۰/۱۳۹۹
- دودپال. محمدبشیر افغانستان و جیوپولیتیک و جیواکونومیک منطقه. تاند، به مناسبت تدویر کنفرانس منطقوی برای افغانستان، لینک: www.Taand.com ۲۵/۲/۱۴۰۱
- آسیای مرکزی درسیاست خارجی هند، اهداف و برنامه ها. www.wislamtimes.org. ۲۱/۲/۱۴۰۱. fa.com
- د مرکزی اسیا او هند په متقابل تجارت کې د چاپهار د بندر رول، لینک Pars Today. com/ps/ir
- ولسي پرسیمې اونړۍ دافغانستان ستراتیژیک موقعیت اغېزي - AFGHAN TIPS - BELGIUM
- وحید نوشېر. د افغانستان لپاره د تاپي پروژې گټي. www.bbc.com/pashto

انگلیسي

- Hashmat Ullah Khan & Muhammad manzoor Elahi, Pakistan Economic Interests in Central Asia: Prospect & Challenges in Regional Perspective, 24, Central Asia Journal, Winter, 2016.

د اسلام له نظره په سیاست کې د ښځو ونډه

زینب فقیری*

شمس الحق کاکړ**

د شرعیاتو پوهنځي محصله

**لارښود استاد، د شرعیات پوهنځي علمی غړی

Zainabfaqiri@Gmail.com

د مقالې نچور

په سیاست کې دښځو ونډه یوله هغو مهمو موضوعاتو څخه ده چې د فقهاوو او مسلمانو څیړونکو ترمنځ د بحث وړ گڼل کیږی. نو ځکه په دغه مقاله کې داسلام له نظره په سیاست کې دښځو له ونډې بحث شوی دی او د دې ونډې د اهمیت په اړه څرگندونې شوي دي. همداراز د علماوو او فقهاوو له نظره ځینو دولتي چارو ته دکاندید کېدلو حق او د امامت عظمی قضیه له دلیلونوسره راوړل شوې ده. زموږ اساسی پوښتنه په دې موضوع کې دا وه چې آیا ښځې کولای شي په سیاسي چارو کې ونډه واخلي؟ تحقیق او پایلې داڅرگندوي چې ښځو ته په سیاسي او حکومتي چارو کې د گډون مشروعیت ورکړل شوی دی خو دا گډون خپل ځانگړي شرطونه لري. د څیړنې میتود کتابتونی، او نوع یی توصیفی تاریخي ده. کلیدي ټکي: ښځه، اسلام، سیاست، سیاسی ونډه.

Abstract

In politics, there are several important issues that need to be discussed, especially those related to religious scholars and Muslims. However, in this article, the focus is on the intersection of Islam and politics and the significance of this intersection. It highlights the rights of scholars and religious authorities in shaping government policies and the crucial matter of leadership. One fundamental question in this regard is whether religion should be involved in political affairs. Research and evidence suggest that the legitimacy of political and governmental actions has been established in accordance with political and historical methodologies.

Keywords: Woman, Islam, Politics and Political participation

سریزه

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه كما يحب ربنا ويرضى و صلى الله وسلم على سيدنا محمد المعبوث للعالمين رحمةً وهدى، رضي الله عن آله الأطهار و صحابته الأبرار، منارات العلم و الخير و التقى. مخکې له هر څه د ستر څښتن تعالی (جل جلا له) شکر ادا کوم، چې موقع یې راکړه تر څو د دې موضوع له لارې د خپلو درنو هېوادوالو په چوپړ کې د گټې جوگه وگرځم. هڅه مې کړې چې داسې قطعي دلایل او آثار د دې موضوع په اړه خپل اولس ته وړاندې کړم چې د نن او سبا نسلونو ته پر غوره پیغام برسیره یو معیار ولري او د علم او فن خاوندان پرې قانع شي.

اصلي پوښتنه: آیا ښځې کولای شي په سیاسي چارو کې ونډه واخلي؟

لوی قادر الله (جل جلا له) د عرش نه تر فرشه پورې د ټولې نړۍ پیدا کوونکی او خالق دی، چې د دې حقیقت څرنگوالی نه یوازې په قرآنکريم او آسماني صحیفو کې لیدل کیږي بلکه بشري فطرت، سلیم عقل، انساني تاریخ د پخوانیو اثارو پیژندونکو پوهانو څرگندونې او نوي ساینسي-اختراعات ټول د مخلوقاتو د پیدا کوونکي او پالونکي الله (جل جلا له) شته والی ثابتوي.

رب العالمین پخپله تشريعي حاکم دی لکه څنگه یې چې د انسان د جسماني ژوند د جوړښت او پایښت لپاره د خپلو نعمتونو خزاني پیدا کړې دي، په همدې توگه یې د انسان د روحاني، اخلاقي او تمدني ژوند د پرمختگ لپاره د عدل او انصاف په بنسټ ولاړ د ژوندانه نظام هم جوړ کړی دی چې په هغه کې د ژوندانه د هر اړخ لپاره ځانگړې لارښوونې او قوانین شته. نو د هغه له لوري را لیږل شوی قانون یعنې د اسلام مبارک دین د هر ډول عیب او نقص څخه پاک او مبراء دی او د هر وخت لپاره وړ او مناسب دی. د دې حکمونه او قوانین د کوم خاص فرد او ځانگړې ډلې او قوم د غوښتنو تابع نه بلکه د ټول بشریت د مصلحت او ښیگڼو په بنسټ ولاړ دي، د دنیوي او اخروي ژوندانه ښیگڼې دواړه د الهي نظام په پیروۍ پورې تړلې دي.

د دې بشپړ او پاک نظام د اصولو سرچینه الهي وحې او رسالت دی، رسول او نبي د حقيقي حاکم باوري استازی او سفیر دی، د نبوت د پای ته رسیدو نه وروسته اوس د اسلامي نظام د تشريعي قوانینو ماخذ قرآن او سنت دي.

نو داسې تصور او باور بلکل غلط دی چې الله (جل جلا له) د خپلو معصومو انبیاء او رسولانو په واسطه یوازې د عقیدې او عباداتو احکام خپلو بنده گانو ته را لیږي دي، بلکې د انسان د ژوند د ټولو اړخونو لکه ټولنیز، اقتصادي، او سیاسي احکام او قوانین یې را لیږي دي.

مخکې له دې چې موږ د اسلام په مبارک دین کې د ښځو د حقوقو څرگندونې وکړو، لازمه گڼم چې د بشریت تاریخ ته هم مخه کړو چې د ښځې په اړه څه څرگندونې کوي.

ښځه د یونانیانو، رومیانو، هندوانو، یهودو او نصاراوو په وړاندې تر پینځمې میلادي پیړۍ پورې د یو ناقص انسان په څېر پیژندل کېدله حتی تر دې چې د ښځې په اړه مناقشات کېدل چې روح هم لري او که یوازې جسم دی؟ او یا چې روح لرونکی جسم دی.

هندوانو داسې عقیده درلوده چې کله د ښځې خاوند مړ شي د ژوند کولو حق نه لري نو له همدې کبله به یې د مړ شوي خاوند سره یو ځای سوځوله. تاریخ دا گواهي ورکوي چې مصریانو به هر کال د نیل سیند ته یوه سینگار کړې پیغله هدیه کوله تر څو د نیل سیند خپلې اوبه وچې نه کړي. د جاهلیت په زمانه کې عربانو دا عادت درلود چې نجونې به یې ژوندۍ خښولې، د انگلستان په قانون کې د اتلسمې میلادي پیړۍ تر آخره پورې یوه نارینه اجازه درلوده چې خپله میرمن په بازار خرڅه کړي همدا شان د فرانسې قانون هم د ښځو حقوق تر پښو لاندې کړي وو. تر دې چې په ۱۷۸۹ میلادي کال کې د فرانسې په ستر انقلاب کې ځینې قوانین د ښځو په گټه تعدیل شول.

کله چې د اسلام مبارک دین ظهور وکړ هغه ناوړه عرف او عنعنات له منځه ولاړل کوم چې مخکې له اسلام نه ښځو ته د زیان او ضرر سبب گرځیدلي وو. اسلام وو چې ښځو ته یې په ټولنه کې یو مناسب مقام ورکړ چې له برکته یې له هغو ناخوالو او کړاوونو چې وړاندې ورسره مخ وې وژغورل شوې، همدا رنگه د میراث حق، مهر، نفقه او داسې نور ټولنیز او سیاسي حقوق یې خوندي شول.

اوس که د اروپا تاریخ د اسلام له سپیڅلي تاریخ سره پرتله کړو نو اروپا په ۱۷۸۹ میلادي کال کې د ښځو د حقوقو په اړه په قانون کې ځینې تغییرات راوستل، حال دا چې د اسلام مبارک دین په ۶۳۴ میلادي کال کې په بشپړه توگه تکمیل شوی دی، نو په خورا ویاړ سره ویلای شو چې د اسلام مبارک دین ۱۱۵۵ کاله مخکې له اروپا نه ښځو ته په درنده سترگه کتلي او ښځو ته یې د شریعت مطابق ځانگړي حقوق ورکړي دي.

د موضوع اهمیت

نن سبا په شرق او غرب کې ډیره لویه غوغا د ښځو د حقوقو په نامه د ښځو او سړو تر منځ د برابرۍ او مساوات په مقصد رامنځ ته شوې ده.

دا غوغا لکه ویاړ غوندې خپرېدونکې ده، آن تر دې چې ځینې ښځینه او نارینه وو اسلام ته په بدو ویلو پیل کړې ده.

ځینې خلک د فساد او فتنې او ځینې بیا د اسلام په حقیقت د نه پوهېدو په هدف دا ادعاء کوي.

نو د دغو ادعاوو د رد کولو په خاطر، هغو خلکو ته د پیغام د رسولو په خاطر کوم چې د دې موضوع په اړه د اسلام له حقیقت نه نا خبره دي او د هغو فتنو له منځه وړلو په خاطر کومې چې اسلام ته د ضرر رسولو په خاطر رامنځته شوې دي دا موضوع مورځی پرې ده.

که مور او تاسې فکر وکړو نن سبا د غریبانو لخوا دا خبره ډیره مطرح او د بحث وړ گرځېدلې، د بېلگې په توگه (د ښځو حقوق)، (حقوق زنان)، (Women Rights)

دوی داسې ادعا کوي چې د اسلام سپېڅلی دین د ښځو په حقوقو کې پاتې راغلی او په اصل کې اسلام د ښځو د حقوقو منافي دی، د دوی په وینا مونږ اوس هڅه کوو چې د ښځو حقوق په بشپړه توگه ور ورسوو، سوال دا پیدا کېږي چې آیا د دوی دا ادعا سمه او په حقه ده؟ دوی خپلو دغو ادعاوو او نظریو ته څومره د عمل جامه ور اغوستې ده؟

تاریخی مخینه

په دې موضوع کې لیکل شوي کتابونه لکه د "عبدالمجید زندانی" کتاب «المرأة و حقوقها السياسية في الإسلام» (۱۴۲۱ هـ)، "استاد سالم البهنساوی"، مکانة المرأة بين الاسلام والقوانين العالمية (۱۴۰۶ هـ)، د "دوکتور مصطفی السباعي" کتاب المرأة بين الفقه والقانون (۱۴۳۱ هـ) د تحقیق نه وروسته دې پایلې ته رسیدلې يم چې بنځې کولای شي د امامت عظمی نه پرته په نورو دولتي چارو کې ونډه واخلي خو د ځینو خاصو شرطونو په درلودلو سره. شوي تحقیقات د دې موضوع په هکله په اړونده کتابونو کې په تفصیلي توگه او په عربي ژبه تر سره شوي.

هغه لاملونه نه دي ذکر شوي چې په سیاست کې یې د بنځې گډون کم رنگ کړی. اساسي موضوع ته پاملرنه نه ده شوې او موضوع په خپره توگه راوړل شوې ده. دا مقاله ځینې ځانگړتیاوې لري چې د لیکل شوو کتابونو څخه یې پرې توپیر جوتیږي او د اهمیت وړ یې گرځوي.

- د بنځې ټول سیاسي حقوق په خلاصه توگه د علماوو د نظریاتو سره لیکل شوي دي.
- مقاله په پښتو ساده الفاظو سره لیکل شوې ده.
- مقاله کې په اساسي موضوع باندې زیاته پاملرنه شوې ده.
- هغه لاملونه ذکر شوي چې په سیاست کې یې د بنځو گډون کم رنگ کړی دی.

د سیاست او مشارکت تعریفونه

د سیاست تعریف

سیاست د فعاله په وزن د ساس یسوس فعل د مصدر صیغه ده چې معنی یې اصلاح کول، ښایسته کول دي او د کارونو جوړول او برابرول دي، د همدې لغوي معنی په اساس دا کلمه د ریاست، حکومت او د هېواد د چارو د سمبالولو په ځای کارول کیږي ځکه چې د ریاست هدف د خلکو د حالت، اصلاح، بهتریالی او سوکاله ژوند دی.

د سیاست اصطلاحی تعریف په اړه پوهان بېلابېل نظرونه لري چې د بیلگې په توگه به له ځینو څخه لاندې یادونه وشي.

امام غزالي (رحمه الله) د سیاست په هکله وايي (استصلاح الخلق وإرشادهم إلى الطريق المستقیم المنجی فی الدنيا والآخرة) (غزالي، ۱۴۲۶: ۲۱) سیاست د خلکو له اصلاح کولو څخه عبارت دی او خلکو ته د سمې لارې لارښوونې څخه چې په دنیا او آخرت کې یې د خلاصون ذریعه وگرځي.

په معاصرو علماوو کې تر ټولو غوره تعریف استاد سالم بهنساوي کړی دی، نوموړی وايي: سیاسي حقوق عبارت له دې نه دي چې په مستقیمه توگه د هېوادوالو گډون د دولت په اداره او چارو کې لکه د هېواد د جمهور ریس منصب یا د وزیر منصب او یا هم په غیره مستقیمه توگه لکه د شورا د استازو له لارې گډون که هغه د ملت استازیتوب وي او که نورې سیمه ایزې شوراگانې وي. (بهنساوي، ۱۴۰۶: ۱۰۳)

د مشارکت تعریف

په لغت کې مشارکت د شارک فعل مصدر دی له شراکت څخه اخیستل شوی، په یو شي کې د دوو یا ډیرو کسانو شریکېدل.

په اصطلاح کې د یو ملک په سیاسي چارو کې د عامه مصالحو په موخه د یو یا له یو څخه د ډیرو کسانو شریکېدلو ته وايي.

په سیاست کې د بنځو گډون د شریعت له پلوه څرنگه ارزوو؟

د بنځو گډون په سیاسي چارو کې هغه حق دی چې الله (جل جلاله) انسان (نارینه او بنځپنه) ته د خلقت سره سم ور په برخه کړی، الله تعالی فرمایي: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ [النساء: ۱]

ترجمه: اي خلکو له خپل هغه رب نه وويرئ چې تاسې يې له يو تن څخه پيدا کړي ياست او له هماغه تن څخه يې د هغه جوړه مينځ ته راوړه او له دې دواړو نه يې په نړۍ کې ډير نارينه او بنځې خواره کړل.

له پورتنې آيت شريف نه دا جوته کيږي چې الله(جل جلا له) د نارينه او بنځپنه تر مينځ مساوات قايم کړی، چې دا مساوات په اصل کې پر شرعي احکامو کې په دوو شرطونو باندې ولاړ (استوار) دی.

الف: په اسلامي شریعت کې د مکلف کېدو سبب او علت.

ب: د اسلامي شریعت عامېدل

په شرعي احکامو کې د مکلف کېدلو سبب او علت عقل او بلوغ دی نو که دا سبب او علت په بنځپنه او نارينو کې پيدا شي شرعي احکام ورته راجع کيږي.

د اسلامي شریعت عامېدل په دې معنی دي چې شریعت ټولو انسانانو (بنځپنه او نارينه) نژادونو، سيمو او مختلفو ښارونو ته رالېږل شوی دی لکه څرنگه چې الله تعالی په قرانکریم کې فرمایي: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الاعراف: ۱۵۸]

نو مساوات د بنځپنو او نارينو تر منځ په حقوقو او تکالیفو کې په دې معنی نه دي چې هېڅ توپير د دوی په منځ کې نشته ځکه چې شرعي احکام په داسې علتونو او خاصو صفاتو باندې میني دي چې ځيني يا ټول يې د دې احکامو شرط دی، نو کله چې بنځې او سړي د دې احکامو په شرايطو کې سره برابر وي حتما په احکامو کې هم سره برابر دي، او که چېرې شرايط په کې توپير ولري حتما احکامو کې هم توپير راتلای شي.

په سیاست کې د بنځو گډون د دوی حق دی او که مسؤليت؟

د پورته ذکر شويو دلايلو له مخې دا ثابتيږي چې په سیاست کې د بنځو گډون د هغوی حق دی، آیا د دې حق په وړاندې دوی کوم مسؤليت لري او که نه؟ حديث شريف کې رسول الله (صلی الله عليه وسلم) فرمایي: «مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.» (مسلم، د حديث رقم: ۱۸۵۱)

علماء او فقهاء د دې حدیث مقصود داسې بیانوي: چې په دې حدیث سره ثابتېږي، په انسان باندې واجب دي که هغه نارینه وي یا ښځینه دا چې د امام یا خلیفه سره بیعت وکړي او که چېرې یو انسان په داسې حال کې وفات شي چې له هیڅ امام یا خلیفه سره یې بیعت نوي کړې نو یقیناً دغه انسان خپله لاره د مسلمانانو نه بېله کړه او پایله یې د جاهلیت په مرگ وفات کېدل دي. د دې حدیث شریف نه دا څرگندیږي چې د ښځو گډون په سیاست کې حق هم دي او د دې په وړاندې مسؤلیت هم لري، ځکه د حق او مسؤلیت تر مینځ توپیر دا دی چې حق بل چا ته وربښل کیږي اما مسؤلیت عبارت له هغه مکلفیت نه دی چې انسان د هغه په مقابل کې ځواب ویونکی وي.

د پارلمان، ښاروالي او نورو ادارو لپاره د ښځې انتخاب کېدل

علماء په دې مسئله کې اختلاف نظر لري

لومړی نظر: ځیني علماء په دې اند دي چې د ښځې لپاره روا نه دي چې په سیاسي حقوقو کې گډون وکړي، ځکه چې دا نه د اهل الحل و العقد لپاره اهلیت لرونکې ده او نه د شورا عضوه کېدلی شي او نه د محلي شورا گانو او ښاروالۍ لپاره غړې کېدلی شي دغه چارې یوازې تر نارینو پورې خاصې دي او هم د دې مقامونو لپاره ذکوریت شرط دی. (المودودي، ۱۹۵۲: ۱۶۴)

دویم نظر: ځیني علماء په دې اند دي چې د نوموړو منصبونو لپاره ذکوریت شرط نه دی، ښځه د سیاسي چارو د تر سره کولو حق لري، هغې ته روا ده چې ځان د پارلمان غړې کړي او هم کولی شي چې د محلي شورا گانو او ښاروالۍ غړې شي. (الحجوي، ۱۹۶۷: ۳۲)

الف: د لومړي نظر دلایل

قرآنکریم

الله تعالی فرمایي: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ [النساء: ۳۴] نارینه پر ښځینه مسلط اداره چیان دي، له دې امله چې الله د هغو ځینو (نارینو) ته پر ځینو نورو (ښځو) لوړتیا ور بښلې ده.

ښځه به د شورا له غړو څخه نه وي ځکه نارینه زیات د دې مستحق او وړ دي قوامت د نارینو دپاره دی، په دې اساس ښځه به د نارینو و څخه نه مخکې کیږي او نه به پر نارینو واکمنه وي. (أبو فارس، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰)

أبو الأعلى المودودي (رحمه الله) وايي آیت په دې تاکید کوي چې د دولت اساسي پوستونه لکه عام ریاست، وزارتونه، د پارلمان غړیتوب ښځو ته نه ورکول کیږي (أبو الأعلى المودودي، ۱۳۸۹: ۳۱۸)

همدارنگه الله (جل جلاله) فرمایي ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ [الاحزاب- ۵۳] د پیغمبر له میرمنو څخه که تاسې څه متاع غواړئ نو د پردې تر شا یې وغواړئ. آیت په دې دلالت کوي چې ښځه به په کور کې پاتې کیږي پرته له ضرورت څخه به نه وځي ځکه دا په دې مکلفه ده چې د نارینو څخه به پرده کوي، د هغوي سره به اختلاط نه کوي نو واجب ده چې د سیاسي ژوند څخه لرې

وي، او دا آيت د نبي کریم (صلی الله عليه وسلم) تر بیبيانو پورې محدود نه دی بلکه ټولو ته شامل دی.
(أبو الأعلى المودودي، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

3- الله پاک په بل ځای کې فرمایي: ﴿وَلِلرَّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ﴾ [بقره: ۲۲۸]
دا آيت په دې دلالت کوي چې نارینه په ښځینه فوقیت لري، ځیني وايي چې دغه لوړوالی د امارت او اطاعت دی. (الطبري، ۱۴۲۰، رقم ۲/۴۵۴)

د نبي کریم (صلی الله عليه وسلم) سنت

- رسول الله (صلی الله عليه وسلم) فرمایي: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ» (بخاري ۱۴۲۲ هـ) رقم حدیث: ۴۴۲۵) هغه قوم به هیڅکله بریالی نشي چې د چارو واک یې د ښځو په لاس کې وي.
- ترمذي کې حدیث شریف دی چې رسول الله (صلی الله عليه وسلم) فرمایلي دي: «وَإِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ شِرَارًاكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ بَخْلَاءَكُمْ، وَأُمُورُكُمْ إِلَى نِسَائِكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرَاهَا.» (ترمذي ۱۹۹۸م) رقم حدیث: ۲۲۶۶) او کله چې ستاسې مشران شریر خلک وي، شتمن مو بخیل خلک وي او چارې مو د ښځو په لاس کې وي نو د ځمکې لاندې ستاسو دپاره د برسېره نه بهتره ده.

- د نبي کریم (صلی الله عليه وسلم) څخه روایت شوی هغه وفرمایلي: (کله چې نارینه د ښځو اطاعت وکړي نو هلاک شول) أخرجه أحمد ۲۴۷۳، والحاكم ۷۷۸۹) نو ښځه چې کله په شورا کې وي د دې معنی دا ده چې د ملت په فیصلو کې به گډون کوي او خلک به د همدې شورا د فیصلو اطاعت کوي په دې سره نارینه د ښځو اطاعت کوي او حدیث د دې خبر ورکوي چې دا هلاکت دي. (أنور ۱۴۲۰: ۳)

اجماع

داکتر محمدابو فارس وايي: رسول الله (صلی الله عليه وسلم) او خلفاء راشدینو ښځه د اهل شورا څخه نه ده ټاکلې نو دا د هغوی اجماع ده. (أبو فارس، ۱۴۰۰: ۱۲۱)

عقل

په ولایتونو او عامه دندو کې دایمي کفانت شرط دی، نو ښځه لکه علماء چې وايي ځانگړې بدني او نفسي ځانگړتیاوې لري چې دا یې د نارینه په پرتله کفانت تیت او کمزوری کوي د دې برسیره ښځه زیاته عاطفه لري، د ستونزو او سختیو د تحمل توان نشي لرلای نو له دې کبله سیاسي چارې هم مخته نشي وړلای. (أبو حجیر، ۱۹۹۶: ۴۹۶)

ب: د دویم نظر دلایل

قرآنکریم

الله تعالی فرمایي: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعِيهِنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [ممتحنة: ۱۲]

ای پیغمبره! کله چې تاته مؤمنې ښځې د بیعت کولو لپاره راشي او د دې خبرې ژمنه وکړي چې هغوی به له الله سره کوم شی نه شریکوي، غلا به نه کوي، زنا به نه کوي، خپل اولاد به نه وژني، د خپلو لاسونو او پښو په وړاندې به کوم جوړ کړی بهتان نه راوړي او په کوم معروف کار کې به ستا نافرمانی نه کوي له هغو نه بیعت واخله د هغو په حق کې د الله نه مغفرت وغواړه، په یقیني ډول الله بښونکی دی.

قرآنکریم د دې تاکید وکړ چې مومنانې ښځې به په عامه سیاسي چارو کې گډون کوي او دا د رسول الله (صلی الله علیه وسلم) په بیعت سره ثابت دي. (رجب، ۱۹۸۶: ۷۲۷)

همدارنگه فرمایي: ﴿مَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ [آل عمران: ۶۱]

تاته د دې علم له راتگ نه وروسته که اوس څوک په دې باب له تاسره جگړه وکړي نو ای محمده! ورته ووايه چې راځئ موږ او تاسي به پخپله هم راشو او هم به خپلې خپلې کورنۍ (زامن، لوني او ښځې) راوړو او د خدای په وړاندې به دعا وکړو چې که هر څوک دروغجن وي پر هغه دې د خدای لعنت وي. آیت کې څرگنده شوه چې ښځې د نارینو سره په غونډه او عامه مهمو چارو کې گډون کولای شي. (الکبسي: ۱۰۸۸: ۳)

دا راز فرمایي ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱]

مؤمنان نارینه او مؤمنانې ښځې دا ټول د یو بل دوستان دي په ښو چارو امر او له بدو منع کوي لمونځونه قایمي، زکات ورکوي او د الله او د هغه د رسول اطاعت کوي دا هغه کسان دي چې پر هغو به د الله رحمت نازلېږي نو بیشکه الله پر ټولو برلاس او حکیم دی.

د دې آیت په هکله شیخ محمود شلتوت وایي: د امر بالمعروف او نهی عن المنکر مسؤلیت د اسلام له نظره تر ټولو ستر مسؤلیت دی او اسلام په صریح ډول په دې قضیه کې د ښځې او نر تر مینځ مساوات بیان کړي. (شلتوت، ۱۴۲۱: ۲۲۷)

۲- همداراز فرمایي: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ [النساء: ۱]

ای خلکو د هغه رب نه وویریږئ چې هغه تاسې له یوه تن څخه پیدا کړئ او له هماغه تن څخه یې د هغه جوړه مینځ ته راوړه او له دې دواړو نه یې په نړۍ کې ډیر نارینه او ښځې خپاره کړل. بل خای کې الله تعالی فرمایي: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ [الحجرات: ۱۳]

ای خلکو موږ تاسې له یوه نارینه او یوې ښځې نه پیدا کړئ او بیا مو تاسې قومونه او قبیلې وگرځولئ چې تاسې یو او بل سره وپیژنئ. دواړه آیتونه په دې تاکیدکوي چې ښځه له نارینه سره یو شان ده دواړه له یو اصل څخه دي نو د دې نصوصو د غوښتنې په اساس د ښځې انسانیت بشپړېږي او هم یې حقوق او وجایب ثابتېږي چې دواړه په کې یو شان دي ځکه د مکلفیت علت یو دی او هغه په دواړو کې عقل دی. (أبو حنبله، ۱۹۹۶: ۴۶۶)

۴- الله تعالی فرمایي: ﴿أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ﴾ [شوری: ۱۳] او تاسو دین برپا کړئ، د سیاسي امورو تر سره کول چې په پایله کې یې امنیت ټینګیږي، په ټولنه کې نظم او عدالت خوندي کیږي، د پراختیا، ښکمرغی، طاعت او عبادت لپاره لاره هوارېږي، نو سیاسي چارې د دین په برپا کولو کې ستره ونډه لري. او د دین د برپا کولو امر ښځې او نر دواړو ته متوجې دی، نو ښځې په سیاسي کړنو مکلفې دي.

۵- داسلامی سیاست محتوا چې یوازې د دنیوی او اخروی مصالحو تأمین او دمفاسدو دفع کول دی، د امر بالمعروف او نهی عن المنکر په اړه چې کوم آیتونه او حدیثونه راغلي د هغو ټولو نصوصو په حکم کې ښځې هم شاملې دي، نو ښځې د سیاست په بهیر کې د عاقلو او بالغو په صفت مکلفې دي.

د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) سنت

- د مسور بن مخرمه او مروان څخه د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) د هغه خروج په اړوند روایت شوی چې حدیبیې ته ووت او هلته چې بیا د حدیبیې صلحه را مینځ ته شوه دې کې راغلي: کله چې د لیکنې څخه فارغ شو نو رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اصحابو ته وویل پاتې شئ نحر او ذبح وکړئ او بیا سرونه وخورئ، وایي قسم په الله چې هیڅ یو هم ولاړ نشو تر دې چې درې ځله یې دا خبره ورته وکړه بیا د ام سلمی خیمې ته راغی هغې ته یې واقعه بیان کړه ام سلمه ورته وویل: اې د الله (جل جلاله) رسوله ته همدا خوښ گنې؟ ووخه د هیڅ یوه سره خبره مه کوه تر څو چې ته خپله ذبح وکړې او نه ئی راوغواړې چې سر درته وخورې همداسې یې وکړل، بیرون ته ووت او له هیچا سره یې خبرې ونکړې تر دې چې همدا چاره یې تر سره کړه، کله چې صحابه وو ولیدل نو هغوی هم پاڅیدل او خپلې هدبې یې ذبح کړې او سرونه یې وخورل تر دې چې زیاته گڼه گونډه جوړه شوه. (البخاري(۱۴۲۲ هـ) رقم حدیث: ۲۷۳۱، ۲۷۳۲) دا په دې دلالت کوي چې د ښځو سره مشوره جواز لري ځکه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به د ښځو سره مشورې کولې نو په دې اساس روا ده چې په پارلمان کې غږې شي. (أنور، ۱۴۲۰: ۴۲۸)

۱- رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمایي: (ښځې د نارینه و شقیقې دي) (ابو داود، ۱۴۳۰، رقم حدیث: ۲۳۶)

۲- همدارنگه فرمایي: (تاسو ټول د آدم (علیه السلام) اولاده یاست او هغه له خاورې څخه پیدا شوی. (أبو داود، ۱۴۳۰، رقم حدیث: ۵۱۱۶)

دواړه حدیثونه په دې دلالت کوي چې نارینه او ښځینه سره مساوي دي ځکه دواړه د بني آدم اولاده دي او هغه له خاورې څخه پیدا و، نو ښځه په شورا گانو کې د گډون حق لري ځکه دواړه سره مساوي دي. (أبو حجیر، ۱۹۹۶: ۴۶۹)

۳- همدارنگه په سنتو کې ثابت دي چې ښځې به جومات ته تللې او د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) سره به یې د جماعت لمونځ کولو، هغه (صلی الله علیه وسلم) فرمایلي: تاسې ښځې له جوماتونو څخه مه منع کوئ خو د دوی لپاره کورونه بهتر دي) (أبو داود(۱۴۳۰ هـ) رقم حدیث: ۵۶۷) نو ثابته شوه چې ښځه جومات ته تللی شي او جومات هغه مهال داسې وو لکه

اوس چې د شورا تعمیر دی، نو په دې اساس کولای شي چې د پارلمان غړې هم شي.
(أنور: ۱۴۲۰: ۴۳۳)

اجماع

استاد محمد حجوي وايي: د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) څخه وروسته اجماع په دې وشوه چې بنځې د امامت عظمی دنده نشي اخیستلی دا په دې معنی ده چې د دغه منصب نه بغیر نورې دندې اخیستلی شي او دا سکوتي اجماع ده. (الحجوي، ۱۹۶۷: ۲۳۰)

د صحابوو عمل

د قریشو یوې بنځې په عمر (رضي الله عنه) باندې نیوکه وکړه دا هغه مهال چې کله یې وویل: ای خلکو تاسې ولې د بنځو په مهر ورکولو کې زیادت کوئ او رسول الله (صلی الله علیه وسلم) او د ده اصحابو به څلور سوه درهم ټاکل که چېرې زیادت د مهر بڼه کار وای نو هغوی به کړی وو خو کله چې له منبر څخه را ښکته شو بنځې ورته وویل تا دا نه دي اوریدلي چې الله پاک فرمایي: ﴿وَأَتَيْتُمُ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا﴾ [النساء: ۲۰]

بیا عمر (رضي الله عنه) وویل ټول خلک له عمر نه زیات پوه دي او بیرته منبر ته وخوت ویې ویل: ای خلکو! ما تاسو د زیات مهر څخه منع کولن نو اوس وایم چې څومره ورکوی خوښه مو. (البیهقي، ۱۴۲۴، رقم حدیث: ۱۴۳۳۶) نو عمر (رضي الله عنه) د همدې بنځې خبره ومنله او د خپلي رایې څخه بیرته وگرځید چې دا خپله د دې معنی ورکوي چې بنځه په شورا کې گډون کولی شي.

قیاس

هغه کسان چې بنځې ته په پارلمان او شورا گانو کې د مشارکت اجازه ورکوي وایي چې انتخاب کړې شوې بنځې د یو شمیر اشخاصو استازې دي او د بنځې وکالت جایز دی بل دا چې اکثر فقهاوو د اهل الحل و العقد لپاره عدالت او علم شرط کړی دی خو هیچا هم ندي ویلي چې ذکوریت هم شرط دی. (الکبسي: ۱۰۹۰: ۳)

عقل

په پارلمان او نورو شورا گانو کې د بنځې گډون د هغې د اهلیت، سیاسي او اجتماعي حقوقو سره اړخ لگوي او هم یې د شخصیت استقلال صورت نیسي چې دا چارې قرانکریم په صریح او ضمنی توگه ورته ثابتې کړي دي، بل دا چې بنځې د ټولنې نیمایي برخه تشکیلوي نو حق لري چې نظر او رایه ولري. (دروزة، ۱۳۸۷: ۵۱ و أبو حجیر، ۱۴۱۴: ۴۷۳)

د امامت عظمی لپاره خان کانديدول يا بل چا ته په انتخاباتو کې رایه (بیعت) ورکول:

علماء په دې کې د نظر اختلاف لري

لومړی نظر: دوی وایي بنځه نشي کولای خان کانديد کړي يا رایه ورکړي. (مخلف، ۱۹۵۲: ۱۴۰)

دویم نظر: دوی وایي بنځه هم ځان کانديدولای شي او هم رایه ورکولای شي. (السباعي، ۱۴۲۰: ۱۵۵)

دلومړي نظر دلایل

۱- قرآن کریم

الله تعالی فرمایي: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ [البقرة: ۲۲۸]
ژباړه: دښځو لپاره هم په معرفه توگه هماغسې حقوق دي لکه څنگه چې د نارینه وو پر هغوی دي البته نارینه پر هغوی یوه درجه فضیلت لري.

همدارنگه فرمایي: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ [الاحزاب: ۳۳]
ژباړه: پخپلو کورونو کې میشتې اوسئ او د تیر جاهلیت دور غوندې سینگار کړې یې ستره مه گرځئ. پورتنی آیتونه په دې دلالت کوي چې قیادت او لوړوالی د نارینه وو لپاره دی او ښځو ته امر شوی چې پخپلو کورونو کې کیني نو په دې اساس په ټاکنو کې د گډون په موخه له کور څخه د ښځې وتل نه ضرورت دی او نه کوم مصلحت پرې بناء دی، له بلې خوا د نارینه وو د قوامیت او قیادت سره په ټکر کې دی.

۲- سنت

کله چې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) ته د دې خبر ورسید چې فارسیانو د کسری لور خپله حاکمه وټاکله، نو ویې ویل: «لَنْ يَفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أُمِرَهُمْ أَمْرًا» (بخاري، رقم حدیث: ۴۴۲۵) (هغه قوم به کامیاب نشي چې چارې یې دښځې په لاس کې وي)

پورتنی حدیث په دې دلالت کوي چې د ناکامۍ علت د ښځې حاکم ګرځول دي او په دې کې دښځې له ولایت نه منع راغلي او کانديدل او رایه ورکول له عامو ولایتونو څخه دي.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمایلي دي: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ، وَإِنهَا إِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ» (رواه ابن حبان ۱۴۰۸ هـ) (ښځه عورت ده که چېرې بهر ووځي نو شیطان ورباندې تعرض کوي او ورسره مل کیږي).

همدارنگه ترمذي په یو اوږد حدیث کې روایت کړي «کله چې ستاسو مشران شریر خلک وي، شتمن مو بخیل خلک وي او چاري مو دښځو په لاس کې وي نو دځمکي لاندې برخه ستاسو لپاره تر برسیره بهتره ده.» (ترمذي، ۱۹۹۸، رقم حدیث: ۲۲۶۶)

۳- شرعي او تاریخي واقعیت

د ازهر د علماوو کمیټې څرګنده کړې ده: (دسقیفه بني ساعده حادثه کې چې لومړی خلیفه انتخابیده نو هلته اختلاف پیدا شو خو وروسته په دې متفق شول چې د ابوبکر (رضي الله عنه) سره به بیعت کیږي بیا وروسته په جومات کې عام بیعت ورسره وشو خو ښځو په بیعت کې د نارینه وو سره گډون نه و کړی او نه ورڅخه د بیعت غوښتنه شوې وه. (أبو أسماء محمد بن طه . ص: ۶۰۱)
عقل: په انتخاباتو کې گډون او کانديدل داخلاط او گډوالي غوښتنه کوي نو امکان لري چې ښځې ته پکې ضرر او اذیت ورسېږي نو داخپله د نه جواز غوښتنه کوي.

د دویم نظر دلایل:

قرآن: الله پاک فرمائی: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ﴾ [ممتحنه: ۱۲]

ژباړه: ای پیغمبره! کله چې تاته مؤمنې ښځې د بیعت کولو لپاره راشي او د دې خبرې ژمنه وکړي چې هغوی به له الله سره کوم شی نه شریکوي، غلا به نه کوي، زنا به نه کوي، خپل اولاد به نه وژني، د خپلو لاسونو او پښو په وړاندې به کوم بهتان جوړ کړی نه راوړي او په کوم معروف کار کې به ستا نافرمانی نه کوي له هغو نه بیعت واخله د هغو په حق کې د الله نه مغفرت وغواړه.

دا آیت د ښځو د بیعت په مشروعیت دلالت کوي چې دوی په بیعت کې دنارینه وو په شان دي. همدارنگه الله تعالی فرمائی: ﴿زَجَلْ وَأَمْرَاتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ [البقرة: ۲۸۲]

ژباړه: نو یو سړی او دوه ښځې دې وي چې که یوه یې هیره کړي نو هغه بله به یې ور په زړه کړي، دا شاهدان دې له داسې خلکو څخه وي چې د هغوی شاهدي ستاسې په منځ کې وي نو د شهادت انتخاب خپله د دې معنی ورکوي چې ښځه د دولت د هغه وظيفې صلاحیت لري چې ورته سپارله کیږي.

سنت

په عملي سنتو کې ثابت دي چې نبي کریم (صلی الله علیه وسلم) له ښځو سره بیعت کړی. (السهيلى ص: ۱۸۶)

۱- په بیعت العقبه کې ښځو گډون کړی وو.

قیاس

۱- د ښځې رایه ورکول په شهادت قیاس دي، ډاکتر حمد الکبيسي وايي د ښځې رایه ورکول داسې دي لکه د هغې شهادت.

۲- د ښځې رایه ورکول قیاس دي د هغې په بیعت باندې هغه چې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) له دوی سره وکړ.

نو چې د رسول الله (صلی الله علیه وسلم) سره بیعت صحیح او ثابت شو د نورو سره خو بیخي ثابت دی الله تعالی فرمائی: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء: ۵۹]

علماء څرگندوي چې د انتخاباتو چارې د وکالت چارې دي او ښځه د وکیل انتخابولو حق لري ځکه انتخاباتو کې د ملت وکیلان انتخابیږي نو په اسلام کې ښځه ددې څخه نه ده منع شوې چې وکیل ونیسي ترڅو د دې له حقوقو څخه دفاع وکړي.

آثار: د عبد الرحمن بن عوف (رضي الله عنه) څخه نقل شوي چې د خليفه د بیعت او انتخاب په هکله به یې له ښځو سره مشوره کوله.

د جمل په جنگ کې عایشه (رضی الله عنها) داخلیلد خپله په دې دلالت کوي چې بنځه د خلیفه په انتخاب کې حق لري چې رایه ورکړي. (محمد سلیمان المنصورفوري ص: ۴۰۹)

ډپورتنيو نظرياتو او دلايلو پایلې:

- اسلام د بنځې مقام لوړ کړی دی.
- اسلام د نارینه وو او بنځپنه وو تر منځ مساوات ثابت کړی دی.
- اسلام بنځو ته د هر ډول ظلم څخه خلاصون ورکړی دی.
- د جاهلیت له ظلم څخه یې ایستلې ده.
- کور د مسلمانې بنځې مملکت او ملکیت دی.
- اسلام بنځه له هر راز شر او فساد څخه ژغورلې ده.
- دامامت عظمی نه پرته داسې کره نصوص نشته چې بنځې یې د نورو سیاسي چارو څخه منع کړې وي.
- حافظ ابن حزم وايي چې میرمن له ولسمشرۍ پرته په نورو ټولو سیاسي او حکومتي چارو کې ونډه اخیستې شي امام ابوحنیفه او ځیني مالکیانو ته هم دا خبره منسوبه ده خو په ځیني شروطنو سره:

- شرعي حجاب مراعت کول.
- اصلي وجیبه ته زیان نه اړول چې هغه داوولد تربیه او د خاوند حقوق دي.
- دواده شویو بنځو لپاره د سړي اجازه درلودل او د نه واده شویو بنځو لپاره د مور او پلار اجازه درلودل.

• د تاریخ په اوږدو کې بنځې په مستقیمه توګه د ژوند په سیاسي چارو کې ونډه نه ده اخیستې. له ځینو کسانو سره کیدای شي دا پوښتنه پیداشي چې که په سیاسي چارو کې د بنځو ونډه اخیستنه روا وای، ولې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) او خلفاء راشدینو په خپل وخت کې هیڅ دندې ورته ندي سپارلي؟

دوي ته باید ووايو چې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) په داسې وخت کې خپله مبارزه او د سمون فعالیت شروع کړ چې عربي ټولنه د ناوړه افکارو، دودونو، کړنو او جهالت په یو داسې سمندر کې ډوبه وه چې ترې ایستل یې رښتیا هم په ښکاره یو ناشونی کار وو، خو دا نبوي عظم او هوډ وو چې عرب یې له داسې جاهلي چاپیریاله د تمدن او پرمختګ هغه اوج ته ورسول چې یقیناً په دومره لږ وخت کې یې تمه ممکنه نه وه مګر له دې هر څه سره سره بیا هم د هغوی نفسیات او رواني حالت دې ته چمتو نه وو چې بنځې ته یې په دولتي او سیاسي لویو منصبونو کې ونډه ورکړې وای، دوی له هغه حالته رابدل شوي وو چې خپلې لوڼې او خويندې به یې ژوندۍ خنبولې بنځې یې د یو بې ارزښته متاع په څیر پلورلې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) هغوی له دې حالته دې ته راوستل چې بنځو ته یې حقوق ورکړل د خان واکداره شوه د میرمني، مور، خور، لور او نورو په توګه ورسره د ښه چلند توصیه وشوه په دیني چارو کې یې له نارینه وو سره یو ځای ونډه واخیسته د بیلګې په ډول شفا د حارث لور په نبوي دور کې لومړنۍ

معلمه وه، ربیع د معوذ لور هغه صحابه وه چې له رسول الله (صلی الله علیه وسلم) سره یې د حدیبیې صلحې په بیعت کې گډون وکړ. (محمد بن عقیلی الباجوري، المعروف بالشیخ الخضري ص: ۲۰۶) د بیلگې په توگه نسیبه بنت کعب او اسماء بنت عمرو د رسول الله (صلی الله علیه وسلم) سره یې بیعت وکړ. الموسوعة في صحيح السيرة النبوية. أبو إبراهيم، محمد إلیاس عبد الرحمن الفالوذة. ص: ۴۹۷ مگر رسول الله (صلی الله علیه وسلم) یو خانگړی دولتي منصب بیا هم له دې کبله ورته نه دی سپارلی چې پورتنیو پرمختگونو ته یې گواښ پېښولای شوی له دې ښکاري چې رسول الله (صلی الله علیه وسلم) د شوي پرمختگ په موخه هغوی ته خانگړې دولتي څوکۍ ورنکړه، خو هېڅ ځای یې ندي ویلي چې په دولتي او سیاسي چارو کې د ښځو گډون ناروا او غیر اسلامي کار دی.

کوم لاملونه باعث شوي دي چې په سیاست کې د ښځو گډون کم رنگ شوی

هغه لاملونه چې په افغانستان کې یې په سیاسي چارو کې د ښځو گډون کم رنگ کړی دی:

- امنیتي ستونزې؛
- د داسې نظر نه درلودل چې ښځې هم کولای شي په سیاسي چارو کې گډون وکړي؛
- په دولتي ادارو کې اختلاط؛
- ځیني سیاسي ستونزې؛
- اخلاقي ستونزې.

آیا داسې د حل لارې شته چې ښځې وکولای شي په سیاست کې ونډه واخلي او د

خپلو سیاسي حقوقو نه دفاع وکړي:

شیخ عبدالمجید زنداني وايي: که مونږ وغواړو چې د ښځو سره انصاف وکړو د هغوی حقوق ورکړو نو په کار ده چې د ښځو لپاره خانگړې شوراگانې او اداري جوړې کړو، نو په دې سره به مونږ ښځو ته سیاسي حقوق په داسې شکل ورکړو چې د دوی د فطرت او مسؤولیت سره به سمون خوري او هغوی ته د سلف صالح ښځو په نقش قدم باندې تلل ور وښایو. (الزندانی، ۱۴۲۱: ۱۵۷-۱۵۸)

پایله

د دې مقالې د لیکلو نه وروسته زه لاندې پایلو ته ورسیدم:

- ۱- د اسلام سپېڅلي دین ښځو ته په بشپړه توگه خپل حقوق ورکړي.
- ۲- د اسلام سپېڅلي دین ښځو ته د هغوی د توان په اندازه مسؤولیتونه ورسپارلي دي.
- ۳- ښځو ته جواز نه لري چې د امامت عظمی لپاره خان کاندید کړي ځکه په دې مسئله کې علماء اختلاف لری.
- ۴- د خلافت نه پرته ښځې کولای شي په نورو سیاسي چارو کې گډون وکړي خو د ځینو شروطو په عملي کولو سره لکه شرعي حجاب مراعت کول، بېل دفترونه د ښځو لپاره جوړول او له اختلاط څخه ځان ساتل.

۵- ټول هغه نصوص چې د ټولنيزو مكلفيتونو د برپا كولو په هكله په قرآن او سنتو كې راغلي، خطاب يې عام دی، بنځو او نارينه دواړو ته شاملېږي، نو بنځې هم د شرعي ضوابطو په چوكاټ كې د سياسي مكلفيتونو په تر سره كولو مكلفې دي.

مصادر

القرآن الكريم.

- ابن حبان (۱۴۰۸) صحيح ابن حبان، ترتيب: الأمير علاء الدين علي بن بلبان الفارسي، محقق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، بيروت، اوله طبعه.
- أبو حجير، مجيد محمود (۱۹۹۶) المرأة و الحقوق السياسية في الاسلام، مكتبة الرشد.
- أبو داود، سليمان السجستاني (۱۴۳۰) سنن أبي داود، محقق: شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بلي، دار الرسالة العالمية اوله طبعه.
- أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (۱۴۱۶) مسند الإمام أحمد بن حنبل، دار الحديث، القاهرة، اوله طبعه.
- أبو فارس، محمد عبد القادر أبو فارس (۲۰۱۵) النظام السياسي في الاسلام، تعريب: عمر محسن، مكتبة نور.
- أنور (۱۴۲۰) ولاية المرأة في الفقه الإسلامي، دار بلنسية، الرياض، اوله طبعه.
- البخاري، محمد بن إسماعيل (۱۴۲۲) الجامع الصحيح المختصر (صحيح البخاري)، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، اوله طبعه.
- البهنساوي، سالم (۱۴۰۶) مكانة المرأة بين الإسلام و القوانين العالمية، دار القلم، الكويت دوهمه طبعه.
- البيهقي، أحمد بن الحسين، أبو بكر البيهقي (۱۴۲۴) السنن الكبرى، محقق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، دريمه طبعه.
- الترمذي محمد بن عيسى الترمذي، أبو عيسى (۱۹۹۸) الجامع الكبير - سنن الترمذي، محقق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي - بيروت.
- التميمي، عزالدين (۱۹۸۵) الشورى بين الأصالة و المعاصرة، دار البشير - عمان، الاردن، اوله طبعه.
- الحاكم، أبو عبد الله محمد بن عبد الله (۱۴۱۷) المستدرک على الصحيحين، المحقق: أبو عبد الرحمن مقبل بن هادي الوادعي، دار الحرمين، القاهرة - مصر.
- الحجوي، محمد المحمدي المهدي الحجوي (۱۹۶۷) المرأة بين الشرع و القانون، دار الكتاب - دار البيضاء، المغرب.
- دروزة، محمد عزة دروزة (۱۳۸۷) المرأة في القرآن والسنة (مركزها في الدولة والمجتمع وحياتها الزوجية المتنوعة وواجباتها وحقوقها وأدائها)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
- الدميجي، عبد الله بن عمر بن سليمان الدميجي (۱۴۰۸) الإمامة العظمى عند أهل السنة و الجماعة، دار طيبة، القاهرة، دوهمه طبعه.
- الدوري، د. قحطان عبد الرحمن الدوري (۲۰۱۶) الشورى بين النظرية والتطبيق، دار الكتب العلمية، بيروت.

رجب، سيد محمد (١٩٨٦) المسئولية الوزارية في النظم السياسية المعاصرة مقارنة بالنظام السياسي الإسلامي. الزنداني، عبدالمجيد (١٤٢١) المرأة وحقوقها السياسية في الاسلام، مكتبة المنار الإسلامية، مؤسسة الريان، بيروت - لبنان، اوله طبعه.

زيدان، عبدالكريم (١٣٩٦) اصول الدعوة، دربيمه طبعه.

السباعي، مصطفى (١٤٢٠) المرأة بين الفقه والقانون، دار الوراق - بيروت، اومه طبعه.

شلتوت، محمود (١٤٢١) الإسلام عقيدة وشرعية، دار الشروق، اتلسمه طبعه.

الشورابي، عبدالحميد (٢٠٠٣) الحقوق السياسييه للمرأة في الإسلام، دار المعارف.

الصعدي، حازم عبدالمتعال الصعدي، النظرية الإسلامية في الدولة، سامية: الدكتوراة سامية صالح، المشاركة السياسية للمرأة.

الطبري، محمد بن جرير (١٤٢٠) جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، مؤسسة الرسالة، اوله طبعه.

العيلي، عبد الحكيم حسن (١٩٧٤) الحريات العامة في الفكر والنظام السياسي في الإسلام "دراسة مقارنة"، دار الفكر العربي - بيروت.

الغزالي، أبو حامد محمد بن محمد (١٤٢٦) إحياء علوم الدين، دار المعرفة- بيروت. اوله طبعه.

فؤاد، عبد المنعم (٢٠٠٢) مبدأ المساواة في الإسلام، المكتب العربي الحديث، اوله طبعه.

القرضاوي، يوسف عبد الله القرضاوي، فتاوى معاصرة، المكتب الإسلامي.

الكبيسي، احمد (١٩٥٢) الشورى في الإسلام، لجنة الفتوى بالأزهر: فتوى نشرتها عام.

المتولي، عبد الحميد (١٤٢١) مبادئ نظام الحكم في الإسلام، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، او نور، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة، اوله طبعه.

مخلف، حسنين محمد، فتاوى شرعية وبحوث إسلامية، دار الكتاب الإسلامي

مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيشاپوري، المسند الصحيح المختصر، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت.

المودودي، أبو الأعلى بن أحمد حسن (١٤٠١) تدوين الدستور الإسلامي، تعريب: محمد عاصم الحداد، مؤسسة الرسالة، پنخمه طبعه.

المودودي، الأعلى بن أحمد حسن (١٣٨٤) نظرية الإسلام و هديه في السياسة والقانون والدستور، تعريب: جليل حسن الإصلاح، دار الفكر - دمشق، اوله طبعه.

موسى، حسين يوسف (١٤١٠) الإفصاح في فقه اللغة، خلورمه طبعه، مكتب الاعلام الإسلامي.

رهنمود تدوین مقاله برای مجله دعوت

شرایط پذیرش مقاله

- ❖ مقاله اصیل و پژوهشی بوده و پیش از این در نشریهٔ دیگر به چاپ نرسیده باشد و یا زیر بررسی نباشد.
- ❖ مقاله باید پاسخ‌گویی یکی از نیازمندی‌های جامعه بوده و دنبال حل یک مسئلهٔ اجتماعی باشد.
- ❖ در متن مقاله تمام اصول و قواعد نگارشی رعایت شده باشد.
- ❖ موارد استنادی (روش مبع‌دهی) داخل متنی (نام و نام خانوادگی، سال اثر) باشد.
- ❖ مقاله حتماً در فرمت Word به بخش مربوطه ارسال گردد.
- ❖ حجم مقاله حد اقل ۱۵ صفحه باشد.
- ❖ * پاورقی انگلیسی به نوع خط Times New Roman و پاورقی فارسی خط Bahij Nazanin به اندازه ۹ باشد.

ساختار مقاله علمی

مقاله مطابق ساختار تشریح شده زیر که با در نظر داشت معیارهای پذیرفته شده بین المللی ترتیب شده است، تدوین و جهت نشر به مجله علمی دعوت فرستاده شود:

عنوان مقاله علمی

مؤلف محترم باید نکات زیر را حین انتخاب و گزینش عنوان توجه داشته باشد:

- ❖ عنوان جدید و انعکاس دهنده محتوای تازه باشد.
- ❖ عنوان مختصر و متناسب با محتوا باشد.
- ❖ عنوان باید حاوی متغیرهای اصلی پژوهش باشد.

- ❖ عنوان توصیف کننده محتوا مقاله، متناسب با هدف اصلی و بیانگر نتیجه اصلی پژوهش باشد.
- ❖ از ذکر واژه‌های غیر ضروری نظیر بررسی، مقایسه و حتی در صورت امکان رابطه، اثر، تأثیر، پیش‌بینی مدل و آزمون تا حد خود داری شود.
- ❖ در تحقیقات آزمایشی عنوان باید به گونه واضح، مشکل رفتاری و نوع مداخله را به تصویر بکشد.
- ❖ عنوان تا حد ممکن به صورت یک جمله خبری یا استفهامی مطرح نشود.
- ❖ حداکثر تعداد واژه‌های عنوان تا ۱۰ واژه باشد.

نام و نشانی مؤلف/مؤلفان

- ❖ ابتدا نام کامل و سپس نام خانوادگی به ترتیب زیر عنوان ذکر شود و نیز موقف سازمانی مؤلف با شماره‌های جداگانه برای هر مؤلف مشخص شود.
- ❖ آدرس ایمیل مؤلف در زیر صفحه نخست مقاله ذکر گردد.

مانند:

عنوان مقاله B Mitra - ۲۱

مؤلف اول*، مؤلف دوم*...

*عضو هیئت علمی پوهنحی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون دعوت

*استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه دعوت

journal@dawat. ed. af

چکیده

- ❖ چکیده در قالب ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه بعد از نام نویسنده درج شود.
- ❖ قابل یادآوری است که چکیده متفاوت از خلاصه، نتیجه و مقدمه باشد.

❖ نویسنده حین نوشتن چکیده باید از نقل قول و کاپی برداری از متن اصلی مقاله، توضیحات اضافی، کاربرد عبارات گنگ و جملات پرسشی و تعجیبی، پرهیز نماید.

❖ چکیده شامل مقدمه، اهداف، روش‌ها و نتایج تحقیق به صورت خلاصه باشد.

❖ چکیده نیز شکل گزارشی داشته و فعل‌های ماضی در آن به کار رفته باشد.

❖ سائز متن در چکیده یک تا دو درجه نسبت به سائز متن اصلی خورد باشد و نیز از دو طرف نیم سانت درون رفتگی داشته باشد.

کلمات کلیدی

❖ کلمات کلیدی شامل اصطلاحاتی است که اکثراً در عنوان درج است و به عنوان واژه‌های محوری موضوع مورد نظر شناخته می‌شوند.

❖ تعداد کلمات کلیدی ۵ تا ۷ واژه باشد و نوشتن آن بعد از چکیده لازمی می‌باشد.

مقدمه مقاله

❖ این بخش شامل بیان مسئله، پرسش‌ها، فرضیه‌ها، اهمیت و ضرورت تحقیق موضوع مورد بحث و... می‌باشد.

❖ مقدمه یک مقاله پژوهشی ضمن بیان مسئله و تشریح موضوع، به آن مسئله پاسخ می‌دهد که ارزش مطالعه حاضر برای انجام آن چه بوده است. در حقیقت با مطالعه مقدمه یک مقاله پژوهشی، خواننده با مسئله تحقیق آشنا شده و ضرورت انجام پژوهش را درک می‌کند.

پیشینه تحقیق

در پیشینه تحقیق به تحقیقات انجام شده در مورد موضوع مورد تحقیق مراجعه می‌شود. البته این مراجعه با تحقیقات انجام شده با دید انتقاد می‌باشد. محقق

کوشش نماید که خلای موجود را مشخص نماید و نیز جنبه نوآوری خود را در تحقیق جدید توضیح نماید.

مبانی نظری تحقیق

در مبانی نظری مقاله به تشریح مفاهیم و توضیح نظریات مربوطه به موضوع پرداخته می‌شود. نویسنده مقاله باید بر ادبیات تحقیق مسلط بوده و مبانی نظری موضوع تحقیق خود را به طور مختصر ولی کاربردی بیان نماید.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج به دست آمده از تحقیق یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده ذکر می‌شود. نتایج کلیدی مطالعه باید با کلمات روان و دقیق و بدون بزرگ‌نمایی ذکر شود. از روش‌های مختلفی برای ارائه نتایج استفاده می‌شود. استفاده از اعداد، جداول و نمودارها کمک ارزنده‌ای به ارائه مطلب به طور ساده‌تر می‌نماید؛ اما لازم است داده‌های جداول و نمودارها به طور کامل تشریح شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در مواردی که از روش‌ها و آزمون‌های آماری برای بررسی نتایج و تحلیل داده‌ها استفاده شده باشد، باید نوع آن نیز ذکر شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت به تفسیر نتایج ارائه شده می‌پردازیم. همچنین می‌توان به مقایسه نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر با نتایج سایر مطالعات پرداخت و با توجه به مجموعه شواهد آن نتیجه‌گیری نمود. در صورت لزوم می‌توان پیشنهادها را لازم برای انجام مطالعات بهتر و کامل‌تر در آینده ارائه داد.

روش منبع‌دهی

به خاطر جلوگیری از ضایع شدن وقت و نیز یک‌دست بودن منابع، آمریت مجله علمی دعوت، روش دورن متنی (APA) را برگزیده است.

مثلاً: در آخر هر نقل قول در درون متن (نام و تخلص، سال چاپ اثر و صفحه) آورده می‌شود و بقیه مشخصات مقاله در فهرست منابع ذکر می‌گردد.



Dawat

**Academic - Research
Journal**

Third Year, Volume 7 (Winter 2023)